

از ادامه انتشار روزنامه

«جهان صنعت» جلوگیری شد

شرق: فعالیت روزنامه «جهان صنعت» پس از انتشار سه شماره از زمان رفع توقیف موقت، مجددا متوقف شد. بنا بر گزارش رسانه‌ها، این توقف فعالیت بابت «عدول سرپرست مجتمع قضائی شهید بهشتی از موافقت» و «اظهارنظر ریاست محاکم عمومی و انقلاب تهران مبنی بر مخالفت با اجرای دستور موقت» بوده است.

صفحه ۱۰

سرمقاله

چین؛ واسطه استراتژیک



کیومرث اشترینان

اگر چین و روسیه به واسطه استراتژیک ایران با جهان تبدیل شوند، ما کاملاً به بازیگر منفعل و بی‌بهره در روابط بین‌الملل تبدیل می‌شویم؛ ابتکار عمل و بلکه استقلال خود را از دست می‌دهیم. پیش‌ازاین هم گفته بودم خاصیت واسطه استراتژیک این است که دست ما را در برابر رقبای منطقه‌ای‌مان یعنی عربستان و اسرائیل می‌بندد. در واقع این دو را قادر می‌کند که برای امنیت خویش به دشمن ایران وابسته نباشند؛ بلکه به «دوست» ایران وابسته باشند. هفته گذشته چین و عربستان ۳۴ قرارداد همکاری امضا کردند و در بیانیه پایانی خود بر این امور تأکید کرده‌اند: «پایبندی گروه انصارالله به آتش‌بس، تضمین مسالمت‌آمیزبودن برنامه هسته‌ای ایران، تأکید بر ضرورت همکاری ایران با آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای، تأکید بر عدم دخالت ایران در امور داخلی کشورها و...». ما نمی‌توانیم از درون حصارى خودساخته از سیاست داخلی و خارجی با دیگران ارتباط برقرار کنیم؛ حتی با چین و روسیه. چون ظرفیت آن را نداریم. خوب دقت کنید! برای اینکه بتوانید روابط اقتصادی با دنیا (و ازجمله با چین و روسیه) را توسعه دهید، باید ظرفیت پایدار بین‌المللی ایجاد کنید. درست است که با نوعی محاصره غرب‌ساخته مواجهیم؛ اما این محاصره یک راه‌حل تاریخی دارد. یعنی باید یک فرایند تاریخی برای ورود به این عرصه را پی‌ریزی کنید؛ والا در همه زمینه‌ها می‌بازید.

ادامه در صفحه ۵

یادداشت

لطفا اجرای قانون



کامبیز نوروزی حقوق دان

۱- چندی پیش آقای رئیس قوهٔ قضائیه در پاسخ به نمایندگانی که خواستار برخورد غلیظ و شدید قوه قضائیه با کسانی که اغتشاشگر نامیده‌اند، شده بودند، گفت: «از من اجرای قانون را بخواهید». محسّنی ازهای در میان اغلب کسانی که تاکنون ریاست قوه قضائیه را داشته‌اند، کسی است که همه سابقه طولانی کاری‌اش را در دستگاه قضا گذرانده و در دادرسرا و دادگاه‌ها فعالیت قضائی داشته است. به واسطه این تجربه طولانی حرفه‌ای، نگاه، بیان، ادبیات و شیوه برخورد ایشان با مسائل مختلف بسیار بیش از اسلافش قضائی، حقوقی و دقیق است. به همین دلیل آن جمله کوتاه وی خطاب به نمایندگانی که خواستار شدت عمل نسبت به معترضان بودند، از این جهات جای تأمل دارد که ایشان تأکید بر اجرای قانون دارد، نه هر شدت عمل و هر نوع حکم سنگین.

۲- اعدام محسن شکاری از یک سو انتقادهای حقوقی، قضائی و سیاسی متعددی را برانگیخت، اما از سوی دیگر عده‌ای نیز به طرقداری از رای و سپس اعدام شکاری زبان گشودند و گاه با تعبیری همچون «قاطعیت دستگاه قضا» از این اعدام استقبال کرده و از آن تعجید کردند. حتی برخی با را فراتر گذاشته و از «بررنگر» شدن روند آرا و مجازات مشابه سخن گفتند و مستقیم و غیرمستقیم وعده اعدام‌های بیشتر دادند. ۳- واژه قاطعیت هرجا معنی داشته باشد، در کار قضائی معنا و مفهومی ندارد؛ اگر هم مفهوم داشته باشد، این مفهوم منحصر است در قاطعیت در اجرای دقیق و درست قانون. مثلاً اگر افراد نافوذی از یک متهم حمایت می‌کنند یا می‌خواهند علیه او اقدام کنند، مقام قضا با اتکا بر قانون در برابر آنها بایستد، نفوذ نپذیرد و در اجرای قانون قاطع و مصمم باشد. کار قضائی مشمول قوانین امری متعددی است که مرجع قضائی ملزم به رعایت آنهاست و نمی‌تواند از آنها سربلچی کند. یک بازرس یا یک قاضی اگر متهمی را گناهکار تشخیص ندهد، باید او را مرأا از اتهام اعلام کند. یا اگر او را مجرم دانست، طبق قانون، نه بیشتر، درباره او تصمیم بگیرد، قرار صادر کند یا رای بدهد. اگر مقصود از واژه قاطعیت تعیین مجازات‌هایی سنگین‌تر از مجازات قانونی، عدم رعایت مهلت‌های قانونی برای متهم یا عدم رعایت حقوقی مانند حق انتخاب وکیل و مانند اینها باشد، طبعاً کار از حدود کار قضائی بیرون خواهد رفت.

۴- برخلاف تصور غیرتخصصی، طولانی‌شدن سیر یک پرونده نشان‌دهنده جدیت و استواری در امر قضاست. شاید نتیجه نهایی یک محاکمه صدور رای به محکومیت و مجازات متهم باشد، ولی مأموریت و وظیفه دادگاه، مجازات افراد نیست. وظیفه دادگاه‌ها اجرای قانون و محاکمه عادلانه است، حال نتیجه محاکمه برائت یا محکومیت متهم باشد. وظیفه دادگاه‌ها شدت عمل نسبت به متهم نیست. دادگاه باید اگر متهم را گناهکار دانست، همان مقدار مجازات بدهد که قانون تعیین کرده است. وظیفه دادگاه این نیست که طرف مدتی کوتاه را تمام کند و رای بدهد.

ادامه در صفحه ۵



یکشنبه ۱۹ آذر ۱۴۰۱ • ۱۵ جمادی‌الاول ۱۴۴۴ • ۱۰ دسامبر ۲۰۲۲ • سال بیستم • شماره ۴۴۴۳ • ۱۲ صفحه • ۱۰۰۰۰ تومان

نگاهی به سیاست‌های عربستان برای شکل دادن به رویکردهای تقابلی علیه ایران و هم‌زمان فضاسازی‌های مثبت دیپلماتیک

ترفندهای سعودی

گزارش تیتربک را در صفحه ۲ بخوانید



بررسی سیرتاریخی محدودیت‌های ساخت فیلم سیاسی در گفت‌وگو با جواد طوسی، منتقد سینما

چرا نمی‌توانیم از زندگی مصدق فیلم بسازیم

بهناز شیربانی: اینکه دقیقاً به چه فیلمی می‌توان عنوان سیاسی اطلاق کرد و آیا اساساً زمینه ظهور و بروز چنین فیلم‌هایی در سینمای ایران وجود دارد یا خیر؟ محل بحث و نظر بسیاری است. جواد طوسی از منتقدان باسابقه سینمای ایران معتقد است در تمام سال‌های گذشته عمدتاً از بسیاری از فیلم‌های اجتماعی، خوانش‌های سیاسی صورت گرفته و مثلاً وقتی داریوش مهرجویی برای ساخت فیلم «گاو» (براساس دغدغه‌های فلسفی‌اش) به سراغ «عزاداران بیل» غلامحسین ساعدی می‌رود، در وهله اول قرار است نگاهی نقادانه و روان‌گاوانه داشته باشد. یا مهم‌ترین فیلمی که با نگرش اجتماعی ساخته شده و از آن برداشت و داوری سیاسی شده، «گوزن‌های مسعود» کیماپی است. ولی نمی‌توانیم از آن به عنوان فیلمی سیاسی نام ببریم. اینکه مرز بین سینمای سیاسی و اجتماعی در ایران چطور تعریف می‌شود و کدام‌یک از فیلم‌سازان در بیان مفاهیم سیاسی در آثارشان موفق بوده‌اند، محوریت گفت‌وگوی ما با جواد طوسی است.

گزارش تیتربک را در صفحه ۶ بخوانید

یادداشت

برای بلوچ‌شناس شهیر دکتر «محمود زندمقدم»



احسان هوشمند

حکایت نخنگان و مشفقان کشور حکایت رنج‌ها و بی‌مهری‌ها و هم‌زمان تلاش‌ها و خون دل خوردن‌هاست. یکی از این نخنگان که شوریختانه هفته پیش درگذشت، زنده‌یاد محمود زندمقدم است. در روزگاری که شمار کوشندگان و اندیشمندان ایران‌دوست و ایران‌شناس که رنج مطالعه کتابخانه‌ای و پژوهش میدانی را بر خود آسان کنند و با گذشت از راحتی و آرامش پای در وادی عشق نهند، روز به روز کمتر می‌شد، محمود زندمقدم راه خود را برگزید. او متولد ۱۳۱۷ بود و در اوایل دهه ۴۰ رفتن به چابهار و بلوچستان را بر ماندن در پشت میز کارشناسی در سازمان برنامه و بودجه ترجیح داد. سفری که دهه‌ها استمرار داشت. در سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۲ رئیس دفتری برنامه و بودجه در زاهدان و مسئولیت مرکز مطالعات و پژوهش‌های خلیج فارس و دریای عمان در استان سیستان‌وبلوچستان موجب شد از این فرصت برای بسط دانش و مطالعات خود در آن منطقه استفاده کند. بی‌گمان محمود زندمقدم یکی از مهم‌ترین بلوچ‌شناسان ایران در دوره بی‌توجهی عمومی کشور به جای‌جای ایران به‌ویژه به بلوچستان است. حضوری همدلانه با مردمانی رنج‌دیده و آستانه‌ی کمتر مورد بررسی قرارگرفته یعنی استان سیستان‌وبلوچستان برای زندمقدم درس بزرگی از عشق و وطن خواهد داشت و برای مردمان سیستان‌وبلوچستان نیز دستاوردهایی چون هفت جلد کتاب بسیار خواندنی و ارزنده به نام «حکایت بلوچ»، اثری درخشان و بی‌نظیر در مطالعات ایران‌شناسی درباره مردمان بلوچ که اطلاعات و آگاهی عمیق مبتنی بر دانش میدانی و مطالعات عمیق دکتر زندمقدم را درباره بلوچستان بر اختیار خوانندگان علاقه‌مند می‌گذارد. آدم‌های سه قران و صناری و قلعه و آفاق جزیره قشم؛ مردمان روستاها، بندرها، روستابندرها، بندها، کشت و کار، دریانوردی و صید و صیادی، از دیگر آثار قلمی دکتر محمود زندمقدم است. حکایت بلوچ با قلمی استثنائی که به قول زنده‌یاد شاهرخ مسکوب شیوه جدیدی در نثرنویسی فارسی است. افزون بر زیبایی هنرمندانه قلمی و نثر ویژه و ممتاز زندمقدم حاوی اطلاعات مردم‌شناسی، تاریخی، فرهنگی، جغرافیایی و اجتماعی درباره مردمان بلوچستان است. این رویکرد موجب شده کتاب حکایت بلوچ به عنوان اثری ممتاز درباره بلوچستان، اطلاعات عمیق و تازه و نادیده و جذابی به خوانندگان ارائه کند. محمود زندمقدم افزون بر مطالعه و پژوهش درباره استان سیستان‌وبلوچستان و انتشار آثار قلمی متعددی در این باره، بخشی از ایده‌های انسانی و ملی‌اندیشانه و توسعه‌گرایانه خود درباره این بخش از ایران را در اختیار مسئولان وقت در سازمان برنامه و بودجه قرار می‌داد که ماحصل آن در طراحی و آغازه‌برکار دانشگاه سیستان‌وبلوچستان در زاهدان، تأسیسات و فعالیت‌های دریایی و علمی در دریای عمان در شهر چابهار و خدمات دیگری از این دست موجب شد به‌تدریج بنیان‌هایی از توجه به آمایش این منطقه شکل بگیرد و اقدامات توسعه‌ای مهمی در دستور کار قرار گیرد.

ادامه در صفحه ۵

حکایت یک عمر عاشقانه زیستن با بلوچ‌ها

گیتی صفرزاده: این روزها به دلایل سیاسی زیاد اسم سیستان‌وبلوچستان و مردمانش را می‌شنویم؛ اما سال‌ها پیش مردی بود که زیاد از سیستان‌وبلوچستان می‌گفت، با نگاهی انسانی. البته اگر حرف او را همان زمان می‌شنیدیم و تلاشی را که برای نشان‌دادن تصویر زندگی این مردم ثبت کرد، درک می‌کردیم، این روزها نیازی نبود...

صفحه ۱۲



Pishkhan.com

در «شرق» امروز می‌خوانید: ایران بدون یزدانی در آمریکا به دنبال چیست؟ گزارش «شرق» از واکنش مقامات داخلی کشور در قبال موضع‌گیری چین در سفر به عربستان سعودی و **یادداشت‌هایی از** ناصر ذاکری، مهدی علیخانی

دفاع از اتوبوس خوابی برای دیده‌نشدن خبر یخ‌زدگی در خیابان

سیاه‌نمایی یا تلنگر؟

۱۰

دلیلی برای استعفای کی‌روش وجود ندارد

۹

گزارشی از مشکلات موجود در بیمارستان‌ها

۱۰

آگهی‌های خبرساز دیوار

معامله لوازم شخصی با غذا

۴

بررسی کتاب «توهم فراآتلانتیک» نوشته یوزف برمل

دست خالی اروپا

جرا آلمان توان تسلیحاتی خود را تقویت می‌کند؟

۱۱

یادداشت

سلب‌ریتی‌ها همین‌اند که می‌نمایند



محمد مهاجری

با ناسزا و بدویبره گفتن به سلب‌ریتی‌ها دنبال چه منفعتی هستیم؟ اینکه تا صبح تا شب بوق دست بگیریم که سلب‌ریتی‌ها بی‌سوادند، هنجارشکن‌اند، مفت‌خورند، نمک‌نشناس‌اند، خودپسند و خودپرست‌اند، چه سودی می‌بریم؟ چنان می‌گوییم آنها بی‌سوادند که انگار خودمان حکیم کامل و عقل کل هستیم! وانگهی مگر از سلب‌ریتی‌ها چه توقعی داشته‌ایم؟ قرار بوده آنها امام جماعت باشند؟ مصلح اجتماعی و ناصح مردم باشند؟ نجات‌بخش مردم باشند؟ حلال مشکلات و مرهم زخم‌های جامعه باشند؟ اگر چنین توقعاتی داشته‌ایم، خودمان را سر کار گذاشته بودیم. سلب‌ریتی‌ها خودشان چنین ادعایی ندارند و این‌ کارکردها را در خود نمی‌بینند. این ما بوده‌ایم که انتظارات بی‌جا درست کرده‌ایم و چون برآورده نشده، خود را مجاز می‌دانیم که هرچه از دهنمان درآمد به آنها بگوییم.

ما نه‌تنها نباید طلبکار سلب‌ریتی‌ها باشیم، بلکه به آنها بدهکاریم! بله، بدهکار. چرا؟ چون هر وقت دلمان خواست از آنها استفاده ابزاری کردیم و وقتی به هدفمان رسیدیم، بی‌خیالشان شدیم. سلب‌ریتی‌ها عالم خودشان را دارند. فالوورداشتن جذاب است، همین که وقتی چیزی می‌نویسند یا عکسی منتشر می‌کنند و هزاران نفر آن را لایک می‌کنند برایشان دلپذیر است. اگر مثلاً فلان سیاست‌مدار یا وزیر یا وکیل یک هزارم بهمان سلب‌ریتی فالوور ندارد، باید کار به حسادت‌ورزیدن بکشد؟ باید آنها را درک کرد و با سبک زندگی‌شان آشنا شد. آنها مثل خودشان زندگی می‌کنند، فرهنگ و آداب خودشان را دارند و چه‌بسا با ما تفاوت‌های زیاد داشته باشد.

واقعا چه اصراری است که از آنها اپوزیسیون بسازیم؟ و هلشان بدیم به سمت مخالفان نظام؟ و بعدش کاسه «چه کنم» دست بگیریم و دنبال علاج بگیریم؟ فرض کنیم که آنها به‌سرعت تحت تأثیر جو قرار می‌گیرند و احساساتی می‌شوند. حُخ این ویژگی که نباید تمان را بلرزاند، اتفاقاً این خصوصیت سلب‌ریتی‌ها از آنها میزان‌الحراره‌ای ساخته که می‌توان آن را به‌مثابه سیگنال‌های بخشی از جامعه مورد توجه قرار داد. سلب‌ریتی‌ها هرچه باشند فرزندان ایران هستند، در این کشور زیست کرده‌اند و از امکانات آن بهره برده‌اند و به هر دلیل از جمله قابلیت‌های شخصی‌شان توانسته‌اند وجهاتی به دست آورند. حتی اگر از رانت استفاده کرده باشند، بیش از بقیه نبوده است. اینکه دائماً توی سر آنها بگوییم که آنچه درآمد داشته‌اید کوفتان بشود، پولی ازش درمی‌آید؟ آنها را در جامعه بی‌حیثیت و کم‌آبرو می‌کنند؟ گیریم که بی‌حیثیت شدند، حیثیت آنها به حساب ما واریز می‌شود؟

ادامه در صفحه ۵

«مرحوم فیروزآبادی در سال ۸۸ در کمیسیون امنیت ملی مجلس گفت سیدمحمد خاتمی در حوادث ۸۸ با فرمانده ناتو دیدار داشت و از آنها خواست کار ما در داخل که جلو رفت، شما وارد شوید؛ این جدیدترین ادعای جواد کریمی‌قدوسی عضو کمیسیون امنیت ملی است. البته اظهارنظرهایی از این دست از سوی تندروها کم نیست که اصلاً هم تکذیب می‌شوند؛ اما این تکذیب‌ها منجر به واقع‌گویی نشده‌اند. برای نمونه اتهامات مکرر شریعتمداری که با تکذیب‌های مکرر همچنان بیان می‌شود. «آقای خاتمی دو بار با جورج سوروس (سرمایه‌دار صهیونیست آمریکایی و پشتیبان و تأمین‌کننده مالی فتنه آمریکایی- اسرائیلی ۸۸) ملاقات داشته است؛ این اظهارات تکراری حسین شریعتمداری، مدیرمسئول روزنامه کیهان، در رابطه با جنجال قدیمی‌اش با محمد خاتمی است. ادعایی که بارها از سوی سیدمحمد خاتمی و وکیل‌شان بی‌اساس خوانده شده، ولی حسین شریعتمداری همچنان روی این ادعا استوار است، هرچند نه مدرک و سندی تاکنون در این زمینه منتشر کرده و نه شکایت از او به جایی رسیده است. اکنون نیز ادعای کریمی‌قدوسی تکذیب شده است.

گزارش تیتربک را در صفحه ۲ بخوانید

یادداشت

مسکن ملی از دیدگاه کارشناس و سیاست‌مدار



محمود اولاد اقتصاددان

وزیر جوان انقلابی در زمان اخذ رای اعتماد و در پاسخ به سؤال نمایندگان مبنی بر برنامه ساخت چهار میلیون مسکن، پاسخ داده‌اند که این کار به منابعی به اندازه دو برابر بودجه نیاز دارد. با این جمله، به نوعی بر امکان‌ناپذیری ساخت یک میلیون مسکن در سال و چهار میلیون مسکن در چهار سال اذعان کرده‌اند. گروهی از کارشناسان و متخصصان از این موضوع به بازگشت به عقلانیت یاد کرده و نشان از درایت سیاست‌گذار تعبیر کرده‌اند؛ اما آنچه کارشناسان اقتصاد شهری و مسکن درباره ضرورت و چنودچون ساخت یک میلیون مسکن می‌گویند، با آنچه سیاست‌گذاران فهمیده و گفته‌اند، تفاوتی از زمین تا آسمان دارد. در تحلیل آنان، اگر به هر طریقی، منابع ساخت مسکن تأمین شود، ساخت یک میلیون واحد آغاز می‌شود؛ اما در تحلیل کارشناسان، اصلاً موضوع اصلی تأمین بودجه آن هم از نوع دولتی نیست!

تا قبل از مسکن مهر، مگر کسی مسکن نمی‌ساخت؟ مگر برای ساخت صدها هزار مسکن در سال، در دهه ۷۰ و دهه ۸۰، بودجه صرف می‌شد؟ کشور در دوره‌هایی تجربه ساخت ۵۰۰ هزار واحد مسکونی در سال را داشته است. اگر ساخت یک میلیون واحد مسکونی، نصف بودجه کشور را نیاز داشته باشد (چهار میلیون واحد مسکونی، دو برابر بودجه کل کشور منابع نیاز دارد!). دراین‌صورت، ۵۰۰ هزار واحد هم ۲۵ درصد بودجه را نیاز خواهد داشت؛ با توجه به اینکه کمتر از ۲۰ درصد بودجه، عمرانی است که در عمل با تخصیص پایین به ۱۰ درصد هم نمی‌رسد، همین ۲۵ درصد هم بسیار بالاست و قاعداً نباید امکان ساخت وجود می‌داشت! اما با کمترین دخالت دولت این حجم ساخته می‌شد. حتی در دوره هشت‌ساله احمدی‌نژاد هم، که بیش از پنج میلیون واحد مسکونی ساخته شد، تنها اندکی بیش از یک میلیون واحد آن مسکن مهر بود (کل مسکن مهر ۲۰۲ میلیون واحد بود که بخش زیادی از آن در دوره روحانی ساخته شد. ضمن اینکه نزدیک به نصف مسکن مهر هم، خودمالکی و ساخت از طرف مالکان بود)، اما چطور این میزان ساخت‌وساز، با کمترین منابع دولتی ساخته می‌شد؟ پاسخ این است که تأمین مالی سرمایه‌گذاری از طرف بخش خصوصی در فضایی که رشد اقتصادی و چشم‌انداز مثبت برای تداوم آن وجود داشت و ریسک سرمایه‌گذاری بسیار پایین بود، چنین امکانی را فراهم می‌کرد. حتی در دوره احمدی‌نژاد، با وجود شروع تحریم‌ها، به دلیل قیمت بالای انرژی و نیز امیدواری مردم به امکان‌پذیری برگشت به عقلانیت و رفع تحریم‌ها و نیز فضای رانتی سرمایه‌گذاری در مسکن که به واسطه جریان حاکم بر مدیریت شهری در سایه منابع نفتی ایجاد شده بود، جریان سرمایه‌گذاری استمرار داشت. از سوی تقاضا نیز، قدرت خرید کافی برای خانوارها برای ایجاد تقاضای مؤثر وجود داشت.

ادامه در صفحه ۵

«سوخو»یی در کار است؟

شرق: بعد از مدت‌ها سکون، سکوت و رکورد خبری درباره تحویل جنگنده سوخو – ۳۵ روسی به ایران، دوباره این موضوع از زبان آمریکایی‌ها به محافل رسانه‌ای بازگشته است. دولت بایدن با هشدار درباره همکاری‌گسترده نظامی میان ایران و روسیه مدعی شد مسکو قرار است به‌زودی جنگنده‌های سوخو را به تهران تحویل دهد. به گزارش فرانس ۲۴، جان کری، سخنگوی شورای امنیت ملی کاخ سفید، در یک نشست خبری با تکیه بر ارزیابی‌های اطلاعاتی واشنگتن درمورد گسترش همکاری‌های نظامی ایران و روسیه گفت: «مسکو به دنبال همکاری با تهران در زمینه‌هایی مانند توسعه تسلیحات و آموزش است. ما نگران هستیم که روسیه قصد دارد قطعات نظامی پیشرفته‌ای را در اختیار ایران قرار دهد، مانند هلی‌کوپتر و سامانه‌های پدافند هوایی؛ طبق گزارش‌ها، از بهار امسال، خلبانان ایرانی در روسیه برای یادگیری نحوه پرواز با سوخو (Su-35) آموزش می‌بینند. این نشان می‌دهد که ایران ممکن است طرف یک سال آینده جنگند دریافت کند. این جنگنده‌ها نیروی هوایی ایران را نسبت به همسایگان منطقه‌ای خود به طور

نگاهی به سیاست‌های عربستان برای شکل دادن به رویکردهای تقابلی علیه ایران و همزمان فضاسازی های مثبت دیپلماتیک

ترفندهای سعودی

محمد بن سلمان، پسر و جانشین پادشاه عربستان سعودی

با محکوم‌کردن بیانیه مشترک اخیر چین و عربستان به ایسنا گفت: «دستگاه دیپلماسی باید با قدرت و قاطعیت جواب این بیانیه را بدهد که دیکته‌شده اسرائیل و آمریکا به نوکرشان یعنی عربستان است». این عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس یازدهم را واکنش به بیانیه اخیر چین و عربستان سعودی اظهار کرد: «کشور ما در منطقه دوربرمیانه به‌ویژه غرب آسیا به‌عنوان کشوری قدرتمند از نظر علمی، موشکی، دفاعی و موارد دیگر شناخته شده است. ما هیچ وقت به‌جز صلح، دوستی، آرامش و امنیت برای منطقه و همسایگان چیز دیگری نخواستیم و انتظار نداشته‌ایم. موضوعی که همه همسایگان از آن اطلاع دارند،، وی تاکید کرد: «ما تاکنون در امور داخلی کشوری دخالت نکردیم و اگر اظهار نظری هم بوده در راستای حفظ آرامش منطقه بیان شده است. درباره بیانیه مشترک تکلیف عربستان مشخص است؛ عربستان هیچ‌گاه حامی ما نبوده و همواره در روابط با کشورمان تنش را دنبال کرده که آخرین نمونه آن اغتشاشات اخیر است که یک پای ثابت عربستان سعودی بوده و به‌ویژه رسانه ضد انقلاب اپنترنشنال دنبال می‌کند. از عربستان بیش از این انتظار نمی‌رفت. آنها همیشه در شورا‌های خود ایران را محکوم به مداخله‌جویی در کشورهای همسایه کرده، حال اینکه کشورهای همسایه به‌هیچ‌وجه چنین نظری ندارند». این عضو هیئت‌رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی ادامه داد: «موضوع چین فرق دارد. ما با چین روابطی سیاسی و اقتصادی داریم. چین به بازار نفت و اقتصاد ما نیاز داشته و ما هم با چین تبادلاتی داریم. بنابراین به‌هیچ‌وجه این بیانیه مشترک از طرف چین مورد انتظار و قبول کشور ما نیست. باید دستگاه دیپلماسی و وزارت خارجه با قدرت و قاطعانه جواب این بیانیه را بدهد». علاوه بر مجلسی‌ها، دولت هم مجبور به واکنش شد؛ چنان‌که معاون سیاسی رئیسی به اظهارات شی جین‌پینگ در جریان سفر به عربستان پاسخ داد. محمد جشیدی در توئیترش نوشت: «همکاران چینی به یاد داشته باشند که وقتی سعودی و آمریکا از گروه‌های تروریستی داعش و القاعده در سوریه حمایت کردند و به تجاوز نظامی وحشیانه یمن را ویران کردند، این ایران بود که با ترویتس‌ها جنگید تا ثبات و امنیت در منطقه مستقر شود و تروریسم به شرق و غرب تری نیاید». البته قبل‌تر از واکنش‌های مقامات دولت سیزدهم و مجلس یازدهم، این حمید ابوطالبی، مشاور سیاسی حسن روحانی، رئیس‌جمهوری سابق بود در تازه‌ترین رشته توئیت خود به بیانیه مشترک عربستان سعودی و چین علیه ایران واکنش نشان داد. در این زمینه حمید ابوطالبی نوشت: «آن‌گونه که بیانیه مشترک امروز چین و عربستان نشان می‌دهد و بنابر تصویر روشن از مواضع یکپارچه آمریکا و غرب است، چین هم به دیپلماسی جهانی علیه ایران پیوسته است. اینکه چین و عربستان: ۱) در ضرورت تحکیم همکاری مشترک برای اطمینان از ماهیت صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای ایران توافق دارند. ۲) از ایران می‌خواهند با آژانس انرژی اتمی همکاری کند و بر رژیم عدم‌اشاعه متعهد بماند. ۳) از ایران می‌خواهند به اصول حسن هم‌جواری و عدم دخالت در امور داخلی کشورها احترام بگذارد. ۴) در مسائلی همچون امنیت منطقه‌ای، یمن، سوریه، لبنان، و… مواضع مشترک معغایر با ایران- داشته و در بیانیه‌شان قید کرده‌اند. ۵) در مورد فلسطین، هر دو کشور بر راه‌حل تشکیل دو دولت اسرائیل - فلسطین تاکید کرده و چین و عربستان با واگذاری بیت‌المقدس غربی به اسرائیل موافقت کرده‌اند! آیا سردرگمی استراتژیک در سیاست خارجی و ناکارآمدی دیپلماتیک در استراتژیک خواندن روابط ایران و چین معنایی جز این دارد؟». پیش‌تر از معاون روحانی، محمد مهاجری، فعال سیاسی رسانه‌های اصولگرا در توئیترش نوشت: «آقای شی از پکن رفته ریاض و با بزرگ‌ترین متحد آمریکا در منطقه و جدی‌ترین رقیب اقتصادی و سیاسی ایران، قرارداد استراتژیک بسته و برای هم کلی نواشیه باز کرده‌اند و در همین حال ما سر کاریم و روی دیوار چین یادگاری می‌نویسیم و به پیمان شکن‌های می‌نازیم.

یک سفر مهتادار

در اتانی واکنش تهران به موضع‌گیری شی جین‌پینگ، دولت چین از سفر قریب‌الوقوع معاون نخست‌وزیر این کشور به ایران و امارات متحده عربی خبر داد. به گزارش خبرگزاری شینخوا، هو چون هوا، معاون نخست‌وزیر چین قرار است به دعوت دولت‌های ایران و امارات متحده عربی از ۱۰ تا ۱۴ دسامبر (۱۹ تا ۲۲ آذر) به این دو کشور سفر کند. اگرچه جزئیات بیشتری درباره دستور کار سفر این مقام چینی اعلام نشده است اما بدون شک پکن سعی دارد با استفاده از فرصت این سفر، به نحوی دلیک یک موازنه سیاسی و دیپلماتیک بین ریاض و تهران، مانع از ایجاد شکاف با ایران شود، هرچند تا لحظه تنظیم این گزارش هم خبری درباره انجام این سفر رسانه‌ای نشده است.

به واقعیت دانست؟ با توجه به تجربه تلخ فروش سامانه موشکی اس – ۳۰۰ از طرف روس‌ها به ایران آیا می‌توان به خرید سوخو – ۳۵ از مسکو امید داشت؟ آیا روسیه با دراختیارگرفتن پهپادهای ایرانی حاضر به دادن جنگنده سوخو – ۳۵ به تهران خواهد شد؟ محسن جلیلوند در گفت‌وگویی که با «شرق» داشت، درباره این سؤال‌ها به «مسئله توازن بین دو جنگ‌افزار پهپاد ایرانی و جنگنده سوخو – ۳۵» اشاره کرد». این استاد روابط بین‌الملل اساساً «پهپاد را یک ابزار جنگی تاکتیکی می‌داند و در مقابل جنگنده‌ها، هواپیماهای شکاری و بمبافکن‌ها سلاح‌های راهبردی ارتش در قوای دفاعی هر کشوری قلمداد می‌کند». از این منظر، جلیلوند «وزن‌دهی به این دو مسئله کاملاً اشتباه دانسته» و تاکید دارد که «بعید به نظر می‌رسد روسیه به دلیل استفاده از پهپادهای جنگی ایران خود را موظف بداند که جنگنده سوخو – ۳۵ را به ایران بفروشد یا حتی اگر مقامات ایران چنین تصویری دارند که می‌توانند با فروش و ارسال پهپاد، روسیه را متقاعد به دادن جنگنده به ایران کنند، کاملاً در اشتباه هستند». این تحلیلگر در بخش دیگری از نکات خود به سابقه و

تجربه فروش سامانه موشکی اس – ۳۰۰ توسط روسیه به ایران اشاره می‌کند و به «شرق» می‌گوید: «ما دیدیم که مسکو چه بازی‌های سیاسی و منتهایی را برای فروش این سامانه موشکی بر سر ایران پیاده کرد. با استناد به همین تجربه بعید است، تاکید دارم بعید است از اساسا سوخویی در کار باشد». این کارشناس حوزه بین‌الملل در ادامه روی نکته مهم‌تری دست می‌گذارد و یادآور می‌شود که «فروش و ارسال پهپاد یک قرارداد راهبردی و استراتژیک در معادلات جنگی نیست، در صورتی که فروش جنگنده یک قرارداد راهبردی تسلیحاتی تلقی می‌شود». با ذکر این گزاره تحلیلی، جلیلوند اعتقاد دارد که «روسیه برآورد، تلقی و خوانش استراتژیکی از روابط و مناسبات خود با جمهوری اسلامی ایران، حتی در حوزه نظامی و با وجود همکاری‌های میدانی در سوریه ندارد؛ یعنی برخلاف ارزیابی مقامات ایران که خود را متحد راهبردی روسیه و چین می‌دانند، مسکو به‌هیچ‌عنوان چنین نگاهی به تهران ندارد. به همین دلیل هم اساساً بنایی برای فروش جنگنده‌ها و دیگر سلاح‌های راهبردی مانند سوخو – ۳۵ به ایران ندارد».



نگاهی به سیاست‌های مرموز عربستان برای شکل دادن به رویکردهای تقابلی علیه ایران و هم‌زمان ایجاد بازی‌های دیپلماتیک «روباه» سعودی

با درنظرگرفتن شرایط کنونی در منطقه غرب آسیا و نیز اقتضانات داخلی ایران بدون شک عربستان سعودی «یک پروژه چندجانبه» را در قبال ایران پی گرفته است؛ مبنی بر اینکه از یک سو ذیل تجربه جنگ یمن و تداوم هزینه‌های آن از رودرویی مستقیم با تهران حذر دارد و در سایه آن به دنبال دادن پالس مثبت دیپلماتیک است، هم چنانی که فیصل بن فرحان، وزیر امور خارجه عربستان سعودی جمعه شب (۱۸ آذر) طی نشست خبری با «احمد ابوالغلط»، دبیرکل اتحادیه عرب و «نایف الحجرف»، دبیرکل شورای همکاری خلیج در پایان اجلاس سران عرب و چین در ریاض تاکید کرد: «ایران بخشی از منطقه و یک همسایه است. ریاض همچنان دست خود را برای رسیدن به یک رابطه مثبت که در خدمت ثبات منطقه و رفاه مردم ما باشد، دراز خواهد کرد». وی افزود: «حرف‌های مثبتی از ایران می‌شنویم و امیدواریم که این حرف‌ها به روابط مثبت تبدیل شود». به موازات این لفاظی‌های دیپلماتیک هم یک بازی سیاسی فرسایشی از جانب عربستان در قبال نشست بغداد با هدف احیای روابط با تهران در دستور کار قرار گرفته است اما نکته اینجاست که ریاض در این با توجه به مسائل مربوط به تعلیق دوباره برجام و همچنین ذهنیتی که برای خود نسبت به مسائل داخلی ایران پرداخته‌اند ظاهراً به‌هیچ‌وجه تمایلی به احیای روابط با تهران ندارد؛ چراکه سعودی‌ها گمان می‌برند با توجه به مسائلی داخلی و خارجی ایران، تهران در موضع ضعف قرار گرفته است و نباید با احیای روابط فرصت و فضایی را برای تنفّس منطقه‌ای تهران ایجاد کرد. بر همین اساس ریاض در خفا با ادامه کمک‌های مالی به شبکه‌های رسانه‌ای ضدایرانی و فاقد هویت مشخص رسانه‌ای و نیز تقویت جریان‌های تجربه‌طلب و ناسیونالیستی شرایط را تا زمان برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۲۴ به امید بازگشت ترامپ یا رئیس‌جمهوری از حزب جموری‌خواه به‌صورت کج‌دارومریم ادامه می‌دهد. در عین حال عربستان اجماع‌سازی منطقه‌ای با کمک شورای همکاری خلیج فارس و نیز آماده‌شدن برای ایجاد ائتلاف عربی – اسرائیلی در سایه بازگشت تانناپوا به قدرت را علیه تهران پی خواهد گرفت. در این بین تلاش ریاض برای برهم‌زدن توازن دیپلماتیک پکن هم در همین راستا قابل ارزیابی است. از این خصوص چاینا دیلی، روزنامه حزب حاکم چین نوشت: «گوخان ارلی، مسئول بخش مطالعات خلیج فارس در مرکز مطالعات خاورمیانه در ترکیه، به چاینا دیلی گفت که اجلاس سران بین چین و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به‌عنوان یکی از «جامع‌ترین، اجلاس‌های دوره اخیر بوده است». ارلی تاکید دارد: «اتخاذ موضع مشترک در مورد مسائل فعلی و گذشته، مانند مسئله جزایر بین امارات و ایران، نشان می‌دهد که روابط شورای همکاری خلیج فارس با چین بر پایه‌های دائمی‌تری استوار است». این کارشناس اضافه کرد: «درعین حال گفته شده است که امنیت شورای همکاری خلیج فارس، امنیت چین است. این هم در اجلاس مشترک بیان شد، هم بیانیه پس از آن. بنابراین، بعد شراکت استراتژیک روابط شورای همکاری خلیج فارس و چین در اینجا دیده می‌شود». بدون شک پالس‌های دیپلماتیک سعودی و مرموزی مشخصی که در سیاست خارجی خود در پیش گرفته‌اند، بیش از هر زمان دیگر باید مؤید این نکته باشد که مواجهه با عربستان و فعالیت‌هایش به هوشمندی دیپلماتیک نیاز دارد.

محمد بن سلمان، پسر و جانشین پادشاه عربستان سعودی

محمد بن سلمان، پسر و جانشین پادشاه عربستان سعودی

و ضلع سوم امور دفاعی است. این کمیسیون از مهم‌ترین کمیسیون‌های مجلس است و همه افراد در این حوزه‌هایی که ذکر کردم، گذران به کمیسیون می‌خورد. حتی دستگاه‌هایی که ارتباط چندانی با پارلمان ندارند، زمان بررسی بودجه وقت می‌گیرند برای حضور در جلسات. اما شیوه اینکه چه سخنانی مطرح می‌شود، این است که همان زمان بعد از جلسه، سخنگوی کمیسیون، مثنی از خلاصه جلسه را با هماهنگی رئیس کمیسیون در اختیار رسانه‌ها قرار می‌دهد. این سخنان را من در آن زمان اصلاً نشنیده‌ام. یک مقام مسئول به‌ویژه وقتی به خارج از کشور می‌رود، پروتکل کاملی برای دیدارها و گفت‌وگوها دارد و اصلاً موضوع دیدار با ناتو و موارد مشابه این‌گونه نیست که کسی سرخود برود و نهادهای دیگر نفهمند. او ادامه داد: این سخنان نغته‌ها دردی را دوا نمی‌کند، بلکه مسئله‌ساز هم هست. امیدوارم روزی در کشور بیاید که هیچ فردی نتواند به‌راحتی افراد را متهم کند. این سخنان به حدی زیاد شده است که افراد حتی دیگر پاسخ هم نمی‌دهند. این سخنان تأثیر منفی در جامعه دارد. معتقدم بسیاری از افرادی که چنین اتهاماتی به آنها وارد می‌شود، از بسیاری افراد که ادعای حمایت از منافع ملی را دارند، سالم‌تر هستند. فقط دعا می‌کنم زمانی برسد که نتوان به‌راحتی اتهام زد و ذخیره‌های نظام پای کار بیایند و سامانی به جامعه بدهند. در جامعه‌ای که دروغ و اتهام‌زنی زیاد می‌شود، اعتماد عمومی از بین می‌رود و در نهایت به کشور ضربه می‌زند.

در این بین، روز گذشته کاظم دلخوش، سخنگوی کمیسیون حقوقی و قضائی مجلس، در گفت‌وگو با تسنیم از تدوین طرحی برای مقابله با نشر اکاذیب

تجربه فروش سامانه موشکی اس – ۳۰۰ توسط روسیه به ایران اشاره می‌کند و به «شرق» می‌گوید: «ما دیدیم که مسکو چه بازی‌های سیاسی و منتهایی را برای فروش این سامانه موشکی بر سر ایران پیاده کرد. با استناد به همین تجربه بعید است، تاکید دارم بعید است از اساسا سوخویی در کار باشد». این کارشناس حوزه بین‌الملل در ادامه روی نکته مهم‌تری دست می‌گذارد و یادآور می‌شود که «فروش و ارسال پهپاد یک قرارداد راهبردی و استراتژیک در معادلات جنگی نیست، در صورتی که فروش جنگنده یک قرارداد راهبردی تسلیحاتی تلقی می‌شود». با ذکر این گزاره تحلیلی، جلیلوند اعتقاد دارد که «روسیه برآورد، تلقی و خوانش استراتژیکی از روابط و مناسبات خود با جمهوری اسلامی ایران، حتی در حوزه نظامی و با وجود همکاری‌های میدانی در سوریه ندارد؛ یعنی برخلاف ارزیابی مقامات ایران که خود را متحد راهبردی روسیه و چین می‌دانند، مسکو به‌هیچ‌عنوان چنین نگاهی به تهران ندارد. به همین دلیل هم اساساً بنایی برای فروش جنگنده‌ها و دیگر سلاح‌های راهبردی مانند سوخو – ۳۵ به ایران ندارد».

اخبار برگزیده

وکیل پرونده ماهان صدرات:

رئیس قوه قضائیه به عنوان قاضی‌القضات جلوی اجرای حکم را بگیرد

شبکه شرق: وکیل پرونده ماهان صدرات، یکی از بازداشت‌شدگان اعتراضات اخیر ایران که به اعدام محکوم و حکمش به اجرای احکام ارجاع شده، ابراز امیدواری کرد که رئیس قوه قضائیه در قامت قاضی‌القضات جلوی اجرای حکم را بگیرد. سید عباس موسوی، وکیل پرونده ماهان صدرات، بازداشتی اعتراضات اخیر ایران که حکم اعدامش در دیوان عالی کشور تأیید شده، در گفت‌وگو با «شبکه شرق» درباره آخرین وضعیت این پرونده اظهار کرد: «از پیامک ارسال‌شده این‌گونه برداشت می‌شود که پرونده ماهان صدرات به شعبه ۲ اجرای احکام ارجاع داده شده اما از آنجا که رأی در اختیار من قرار نگرفته است و دسترسی به آن نداریم، به نحو خیلی روشن و دقیق نمی‌توانم بگویم که سرنوشته و فرجام رسیدگی چه شده، اما پیامک ارسالی مقید این بندار است که رأی شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب به دیوان عالی کشور ابرام و درخواست فرجام‌خواهی رد شده است». او ادامه داد: «رأی صادره توسط شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب براساس شکایت دو نفر بود که هر دو آنان به صراحت از شکایت خود انصراف داده و رضایتشان را اعلام کرده‌اند». این قاضی بازنشسته دیوان عالی کشور با اشاره به جزئیات پرونده ماهان صدرات، تاکید کرد: «ما در لایحه دفاعیه هم مستدل، مستند و مفصل توضیح داده‌ایم که ماهان صدرات به‌هیچ‌عنوان مجارب نیست، چراکه سلاحي در اختیار نداشته است. تازه حتی اگر به لحاظ داشتن سلاح، مجارب هم تلقی ششود، با توجه به اینکه با کسی درگیری نداشته و رفتار او منجر به قتل کسی نشده است، بنا بر فتوای امام خمینی (ره) و بسیاری از فقها، مجازات او تبعید خواهد بود نه اعدام». موسوی درباره آنچه در دیوان عالی کشور درباره پرونده ماهان صدرات گذشته، گفت: «دیوان بررسی‌های خود را از قرار معلوم بی‌دقتی داده و این صادر کرده است. می‌دانم که در شعبه ۳۹ دیوان عالی کشور، سه قاضی محترم حضور دارند و بعید می‌دانم آنها اتفاق نظر بر تأیید رای فرجام خواسته داشته باشند». وکیل پرونده ماهان صدرات همچنین ابراز امیدواری کرد که «در فرصت باقی‌مانده مراجع محترم قضائی تدبیری بیندیشند تا این جوان بی‌گناه از محرومان قضائی تبرئ گردد». «ما همین امروز دوباره درخواست اعاده دادرسی را ثبت خواهیم کرد، البته با توجه به اینکه دسترسی به رای نداریم و مفاد رای دیوان عالی کشور را نمی‌دانیم، تنظیم اعاده دادرسی کار بسیار دشواری است اما امیدواریم شخص رئیس قوه قضائیه به عنوان قاضی‌القضات مداخله کرده و جلوی اجرای حکم اعدام ماهان صدرات را بگیرد».

محمد بن سلمان، پسر و جانشین پادشاه عربستان سعودی

گفته است: «کمیسیون قضائی مجلس طرحی را تهیه و تدوین کرده است که هرکسی در فضای مجازی اخبار نادرستی را نشر دهد یا آن را بزرگ‌نمایی کند، باید پاسخ‌گوی عملکرد خود در دادگاه باشد و این موضوع برای فرد یا رسانه‌ای تفکیک قابل نیست و همه را در بر می‌گیرد».

او ادامه داد: «در این طرح، برای افراد و رسانه‌هایی که اخبار کذب منتشر یا شایعه‌سازی می‌کنند و باعث تشویش اذهان عمومی می‌شوند، مجازات‌های سنگین در نظر گرفته شده است که دیگر مرتکب این عمل نشوند؛ زیرا این درست نیست که هرکسی با خبرسازی کاذب فضای جامعه را ملتهب کند و سپس بدون پرداخت تاوان پای خود را از ماجرا بیرون بکشد».

حال که نمایندگان مجلس با این طرح به دنبال جلوگیری از انتشار هر نوع خبر نادرست در فضای مجازی هستند، شاید نیم‌نگاهی نیز به سخنان برخی مسئولان و مدیران و حتی خود نمایندگان مجلس داشته باشند؛ زیرا افکار عمومی دیگر چشم‌پوشی بر ادعاهای کذب تا اتهام‌زنی‌هایی را که یک رویه عادی در میان تئدروهای اصولگرا شده است، نمی‌پذیرد. هر سخن، خبر و ادعای کذبی بدون در نظر گرفتن جایگاه و موقعیت گوینده آن، نیاز به رسیدگی و برخورد دارد تا شاهد تبعیض در برقراری عدالت نباشیم.

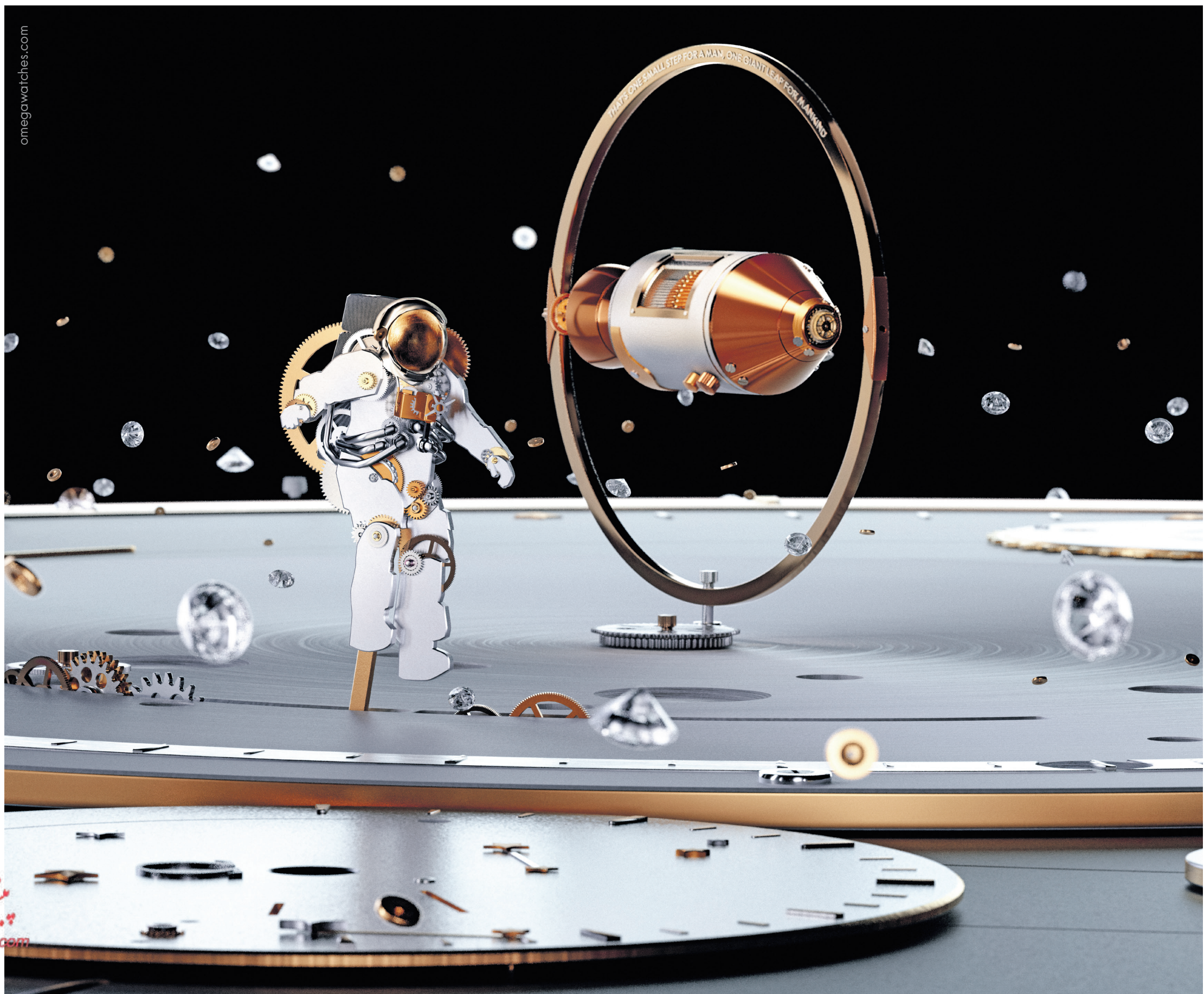
از این‌رو انتظار می‌رود قوه مقننه در تدوین و قانون‌گذاری نگاهی جامع‌تر داشته باشد و بر اجرای قوانین فعلی هم نظارت کند؛ زیرا قانون برای برخورد با اتهام‌زنی و ادعاهای کذب کم نیست، اما در مقام اجرا در مواردی به وضوح نادریده گرفته می‌شوند.

فلاح‌پیشه: دیدار خاتمی با «فرمانده ناتو» دروغ است

«اتهام‌زنی» پیگرد ندارد

«مروح فیروزآبادی در سال ۸۸ در کمیسیون امنیت ملی مجلس گفت سیدمحمد خاتمی در حوادث ۸۸ با فرمانده ناتو دیدار داشت و از آنها خواست کار ما در داخل که جلو رفت، شما وارد شوید؛» این جدیدترین ادعای جواد کریمی‌قدوسی عضو کمیسیون امنیت ملی است. البته اظهارنظرهایی از این دست از سوی تندروها کم نیست که اصلاً هم تکذیب می‌شوند؛ اما این تکذیب‌ها منجر به واقع‌گویی نشده‌اند. برای نمونه اتهامات مکرر شریعتمداری که با تکذیب‌های مکرر همچنان بیان می‌شود، «آقای خاتمی دو بار با جورج سوروس (سرمایه‌دار صهیونیست آمریکایی و پشتیبان و تأمین‌کننده مالی فتنه آمریکایی- اسرائیلی ۸۸) ملاقات داشته است»؛ این اظهارات تکراری حسین شریعتمداری، مدیرمسئول روزنامه کیهان، در رابطه با جنجال قدیمی‌اش با محمد خاتمی است. ادعایی که بارها از سوی سیدمحمد خاتمی و وکیل‌شان بی‌اساس خوانده شده، ولی حسین شریعتمداری همچنان روی این ادعا استوار است، هرچند نه مدرک و سندی تاکنون در این زمینه منتشر کرده و نه شکایت از او به جایی رسیده است. اکنون نیز ادعای کریمی‌قدوسی تکذیب شده است.

در این میان، روز گذشته کاظم دلخوش، سخنگوی کمیسیون حقوقی و قضائی مجلس، در گفت‌وگو با تسنیم از تدوین طرحی برای مقابله با نشر اکاذیب



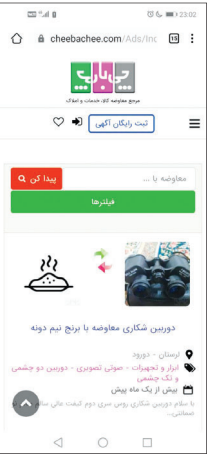
LOOKS MAGICAL. WORKS BEAUTIFULLY.

Although not your typical watch interior, our dreamlike world is not too far removed from the real thing. An OMEGA watch calibre is a tiny universe of components. Each working so wonderfully together, our precision timepieces have earned the trust of athletes, deep sea adventurers - and even astronauts.

امگا
Ω
OMEGA

SPEEDMASTER MOONWATCH
CO-AXIAL MASTER CHRONOMETER

TEHRAN WATCH
SINCE 1901



آگهی‌های خیرساز دیوار حاکی از افزایش فقر غذایی در ایران است

معامله لوازم شخصی با غذا

مفهام سلیمان بیگی؛ آگهی تعویض لوازم شخصی با غذا در سایت دیوار این روزها به چشم می‌خورد. آگهی‌هایی که حالا با تورم افسارگسیخته غذا در ایران و سقوط سرانه مصرف بسیاری از اقلام غذایی، حاکی از تشدید فقر غذایی خانواده‌های ایرانی است.

آگهی تعویض لوازم شخصی با غذا

کثانی کهنه یا به نوشته خودش کارکرده‌اش را که البته رد رفو و تعمیر روی آن به چشم می‌خورد، با برنج و روغن تعویض می‌کند. ساکن اصفهان است و در توضیحات آگهی‌اش تنها نوشته این کار را به علت نیاز مالی انجام می‌دهد. آن دیگری پیراهن‌های نخ‌ی چهارخانه‌اش را با برنج یا روغن تعویض می‌کند. صاحب آگهی در رومیه زندگی می‌کند و پنج پیراهن دست‌دوم تابستانی‌اش را مجموعاً ۲۶۰ هزار تومان قیمت‌گذاری کرده و آن را با همین مقدار مواد خوراکی تعویض می‌کند.

شخص دیگری که پدر یک خانواده ساکن در نازی‌آباد تهران است، کتاب‌های درسی‌ فرزندش را در قبال برنج، روغن، مرغ یا هر کالای خوراکی دیگری می‌دهد. وقتی به شماره آگهی زنگ می‌زنی، مردی با صدایی گرفته پاسخ می‌دهد و می‌گوید این کتاب‌ها شامل کتب سال‌های مختلف دبیرستان است و قیمتی برای آن در نظر ندارد و به همین دلیل کتاب‌ها را فقط در قبال مواد خوراکی تحویل می‌دهد. باین‌حال، او به این سؤال که کتاب‌ها را با چه مقدار برنج یا روغن تعویض می‌کند، پاسخ می‌دهد: «هر مقدار که شما بدهید، خودتان ارزش‌گذاری کنید».

مرد دیگری هم کفش‌های زمستانی و قدیمی خود و همسرش را با حبوبات یا مرغ تعویض می‌کند؛ چراکه به قول خودش چیزی جز این ندارند تا با آن شکم بچه‌هایشان را سیر و امروزشان را به فردا برسانند. شمار آگهی‌های معاوضه وسایل منزل با اقلام خوراکی که از چند هفته قبل و در مواردی انگشت‌شمار دیده می‌شد، حالا بیشتر شده و به گشش و لباس رسیده است. درواقع اگر روزهای اول تنها چند آگهی برای معاوضه کتری برقی یا بخاری با روغن و برنج در سایت دیوار وجود داشت، حالا ماجرا جدی‌تر و تعداد آگهی‌ها زیادت‌ر شده است؛ گویی همان چند آگهی اول توانسته ایده تأمین غذا برای بسیاری از خانواده‌های فقیر شود.

www.sharghdaily.com

تورم هشداردهنده غذا در ایران

طبق آخرین گزارش مرکز آمار ایران، تورم غذا در ایران از نرخ تورم عمومی عبور کرده و در آبان امسال نرخ تورم نقطه‌ای خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها به حدود ۶۸ درصد و نرخ تورم سالانه به ۶۱.۳ درصد رسیده‌است. تورم سنگین غذا در ایران موجب کاهش شدید سرانه مصرف انواع اقلام غذایی در کشور شده است؛ به‌طوری‌که مراجع مختلف در آمارهایی پراکنده این موضوع را اعلام کرده‌اند.

افشین صدردادرس، مدیرعامل اتحادیه مرکزی دام سبک کشور، سال گذشته از نصف‌شدن سرانه مصرف گوشت قرمز در ایران خبر داد و به این‌لا گفت سرانه مصرف گوشت در کشور از ۱۲ کیلوگرم در سال به شش کیلوگرم رسیده و به عبارتی با ۵۰ درصد کاهش مصرف مواجه شده است. تسنیم هم در دی سال ۹۹ به نقل از موسی شهبازی، مدیرکل وقت دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس، نوشت سرانه مصرف گوشت قرمز فقیرترین مردم ایران یعنی دهک اول تا سوم تنها به ۲۵ گرم در ماه می‌رسد؛ همچنین وزارت بهداشت از سقوط شدید مصرف لبنیات در ایران به ۶۰ تا ۷۰ کیلوگرم در سال خبر داده است. این در حالی است که سرانه مصرف لبنیات در دهه ۸۰ به ۹۰ تا صد کیلوگرم می‌رسید.

آرش نبی‌زاده، مدیرعامل اتحادیه ماهیان سردآبی هم سال گذشته از کاهش ۶۰درصدی مصرف آزیان در ایران خبر داد و گفت برخلاف آمار سازمان شیلات که سرانه مصرف آزیان را ۱۳ کیلوگرم در سال قید می‌کند، سرانه مصرف آزیان در ایران تنها هفت کیلوگرم در سال است. حسن تقی‌زاده، رئیس اتحادیه برنج‌فروشان بابل نیز در گفت‌وگو با همین خبرگزاری از کاهش ۵۰ تا ۶۰درصدی خرید برنج ایرانی به دلیل گرانی خبر داده است. کاهش سرانه مصرف اقلام غذایی در ایران در شرایطی رخ می‌دهد که ایرانیان بسیاری از اقلام اصلی هرم غذایی مانند آزیان، گوشت، تخم‌مرغ و لبنیات را بسیار کمتر از میانگین سرانه مردم جهان مصرف می‌کنند و مصرف برخی از این اقلام کاهش کمتر از نصف سرانه جهانی است.

سقوط فروش مواد غذایی

حسین فرهادی، سخنگوی اتحادیه بنکداران مواد غذایی، به «شرق» می‌گوید: با افزایش قیمت‌ها، تقاضای مواد غذایی به‌شدت کاهش داشته است؛ به‌طوری‌که اگر بیش از این یک فروشگاه یک کامیون روغن را می‌خرد و هزینه آن ۸۰۰۷۰ میلیون تومان می‌شد، حالا همان حجم روغن ۴۰۰،۳۰۰ میلیون تومان قیمت دارد و با کاهش تقاضا، فروشگاه‌ها به جای یک کامیون روغن فرضا صد یا ۵۰ کارتن خرید می‌کنند. بالطبع برای خانوار هم این اتفاق افتاده است. حتی خانواده‌ای که می‌توانسته از یک کالا دو یا چند عدد تهیه کند، حالا مجبور است به یکی بسنده کند یا مثلاً چند کیلوگرم را به نیم‌کیلوگرم برساند. به گفته او، در کالاهایی مثل روغن، تن ماهی و قند و شکر که در چند ماه اخیر گران‌تر شده‌اند، این مسئله بسیار دیده می‌شود. فرهادی می‌گوید: افرادی‌شان که توانایی مالی کمی دارند، احتمالاً تاکنون بسیاری از مواد خوراکی را از سبد غذایی‌شان حذف کرده‌اند. حالا فقط طبقه متوسط در حال مدیریت و صرفه‌جویی اوضاع است.

در همین زمینه زهرا عبداللهی، مدیرکل دفتر بهبود تغذیه وزارت بهداشت، تاکنون بارها نسبت به افزایش ناامنی غذایی به‌ویژه درباره طبقات محروم هشدار داده است. او در مصاحبه‌هایی که با این‌لا و ایسنا داشت، تأکید کرده بود افزایش ناامنی غذایی که به‌ویژه در مناطق محروم کشور مشاهده شده است، منجر به افزایش شیوع سوءتغذیه کودکان نیز پنج سال و دیگر گروه‌های آسیب‌پذیر تغذیه‌ای مانند مادران باردار و نوجوانان و کمبود زیرمغذی‌ها مانند کمبود آهن، روی، ویتامین آ و کمبود دریافت مواد پروتئینی که شواهد کمبود آن همیشه در کشور وجود داشته است، خواهد شد.

۲۶ درصد فقر رانت پوشش نهادهای حمایتی نیستند

در چنین شرایطی، ظاهراً درصد درخور توجهی از اقشار سه دهک پایین درآمدی جامعه، تحت پوشش نهادهای حمایتی نیز قرار ندارند؛ به‌طوری‌که بر اساس داده‌های پایگاه اطلاعات رفاه ایرانیان، در سال ۱۳۹۸ (گزارش آن سال گذشته منتشر شد) ۷۶ درصد یا معادل پنج‌میلیون و ۷۰۸ هزار خانوار واقع در این دهک‌ها خارج از حمایت‌های مادی و معنوی دو نهاد کمیته امداد و بهزیستی قرار داشته‌اند. بذر اینکه در میان خانوارهای دهک یک تا سه که خارج از چتر حمایتی دو نهاد کمیته و بهزیستی قرار داشته‌اند، در کمال تعجب یک‌میلیون و ۵۴ هزار خانوار حتی بارانه هم نمی‌گرفتند!

است. این شیوه خاص اطلاع‌رسانی گاه به این شائبه در سطح افکار عمومی دامن زده که گویی برخی پرورنده‌ها بدون بررسی و تفحص لازم یابگانی می‌شوند؛ درحالی‌که طبعاً چنین نیست. بی‌توجهی به ضرورت اطلاع‌رسانی درست و کامل و اقناع افکار عمومی درباره چنین پرورنده‌هایی را می‌توان مصداق همین بی‌اعتنایی به نقش مردم و ضرورت حضور نهادهای مردمی در میدان مبارزه با فساد دانست.

گفتنی است ماده ۱۰ کنوانسیون نیز ارائه گزارش‌های ادواری و دقیق به مردم درباره عملکرد دستگاه‌های دولتی و لغزش‌های مالی را جزء برنامه‌ها و تعهدات دولت‌های عضو دانسته و درواقع بر «حق دانستن» شهروندان تأکید کرده است.

مصداق‌های متعدد دیگری را نیز می‌توان برای اثبات این ادعا که متولیان امر هنوز به ضرورت همراهی نهادهای مردمی بی‌نبرده‌اند، ارائه کرد؛ اما یک مورد مهم و شایان مطالعه، نبود حمایت مالی لازم از سازمان‌های مردم‌نهاد حوزه مبارزه با فساد است. همه‌ساله در قالب بودجه سالانه، دولت متعهد می‌شود مبالغ هنگفتی را در اختیار برخی مؤسسات غیردولتی بگذارد و از فعالیت‌های آنها حمایت مالی کند. در سال‌های گذشته حتی با وجود دشواری‌های مالی و خطر بروز کسرت بودجه، دولت هیچ‌گاه از این تعهد خود شانه خالی نکرده و سهم این مؤسسات را بدون اعمال سخت‌گیری‌های مرسوم بودجه‌ای پرداخت کرده است. باین‌حال، نه در مرحله تدوین و تنظیم بودجه در دولت و نه در مرحله بررسی و تصویب آن در مجلس، توجهی به این نکته بنیادین نشده که دولت باید از فعالان حوزه مبارزه با فساد نیز حمایت بکند و بخشی از این حمایت باید به‌صورت تخصیص اعتبار انجام شود. ممکن است بسیاری از دست‌اندرکاران تشکل‌های مردمی رغبتی به دریافت کمک مالی از سوی دولت نداشته باشند و آن را نقطه شروع وابستگی به دولت و در نهایت از دست‌دادن استقلال رای خود تلقی کنند. علاوه بر این، نگارنده به خوبی به خطر تشدید فساد ناشی از تخصیص بودجه برای مبارزه با فساد واقف است؛ زیرا تجربه نشان داده به دنبال تخصیص منابع بودجه‌ای برای هدفی معین، به‌سرعت مدعیانی از راه رسیده و آن بودجه اندک را با لطایف‌الحیل به خود تخصیص داده و در مسیری متفاوت با هدف قانون بودجه به کار می‌گیرند. باین‌حال، این امر نمی‌تواند توجهی برای نادیده‌گرفتن وظیفه دولت باشد. به بیان دیگر، نباید از ترس بروز چنین مفاسدی، به‌اصطلاح صورت‌مسئله را پاک کرد.

درواقع، همان‌گونه که سمن‌ها در امر مبارزه با فساد در مقام مطالبه‌گر ظاهر شده و تلاش دارند دولت و دولتمردان را وادار به پاسخ‌گویی و رعایت اصل شفافیت بکنند، دولت هم باید از تشکل‌های مردمی حضور بیشتر و همراهی مقتدرانه را در میدان مبارزه با فساد مطالبه کند و از آنها بخواهد با اقدامات روشنگرانه خود، مردم را آماده همراهی با این مبارزه بزرگ ملی بکند و از سمن‌ها مثلاً به دلیل ضعف بنیه مالی خود امکان حضور پررنگ‌تر در میدان عمل ندارند. دولت باید با تخصیص اعتبار، آمادگی خود را برای حل این مشکل اعلام کرده و به‌اصطلاح توپ را به زمین تشکل‌های مردمی بفرستد. تشکل‌های مردمی می‌توانند و باید نقشی جدی‌تر و تعیین‌کننده‌تر در تحقق هدف والای رسیدن به جامعه‌ای عاری از فساد داشته باشند. این مهم در قدم اول در گرو باورمندی متولیان امر به ضرورت همراهی مردم در امر مبارزه با فساد و حکومتی تلقی‌نکردن این مبارزه است؛ اما این باورمندی فقط نقطه آغازین است. دولت همان‌گونه که در بسیاری از حوزه‌های دیگر خود را ملزم به حمایت از نهادهای غیردولتی می‌داند و از طریق تخصیص بودجه این حمایت را انجام می‌دهد، می‌بایست علاوه بر حمایت‌هایی از نوع تصویب قوانین تسهیل‌کننده و ایجاد حاشیه امن برای رسانه‌ها و فعالان مبارزه با فساد، حمایت بودجه‌ای را در قبال تشکل‌های مردمی فعال در عرصه مبارزه با فساد که هدفی بسیار مهم‌تر از هدف مؤسسات برخوردار از ملاطفت بودجه‌ای را دنبال می‌کنند، اعمال کند.

اخبار برگزیده

لغو ۸۵ درصد سفرهای خارجی به ایران

رئیس جامعه هتل‌داران گفت: بیش از ۸۵ درصد از گردشگران خارجی از کشورهای اروپایی، آمریکایی و آسیایی سفر خود را به ایران کنسل کردند؛ تعداد قابل توجهی از آنها در نظر داشتند بعد از اقامت در قطر چند روزی را در ایران بگذرانند که حوادث اخیر باعث شد از اقامت در ایران منصرف شوند و رزروهای خود را لغو کنند. جمشید حمزه‌زاده با بیان اینکه میانگین ضریب اشغال هتل‌ها به زیر ۲۰ درصد رسیده است، به این‌لا گفت: گزارش‌های رسیده به جامعه هتل‌داران حاکی از این مهم است که اکثر هتل‌داران توان تأمین هزینه‌های خود را ندارند و به عبارتی از جیب خرج می‌کنند؛ حتی برخی واحدها برای پرداخت دستمزد کارمندان با چالش مواجه شده‌اند. این شرایط اگر ادامه داشته باشد احتمالاً هتل‌داران اقدام به تعدیل نیرو کنند؛ یعنی همان اقدامی را که در دوران کرونا کردند، دوباره تکرار کنند. همچنین شاهرخ مه‌م‌زاده، رئیس اتحادیه همهمان‌پذیران هم از کاهش ۵۰ درصدی مسافران در تهران خبر داد و افزود: شرایط اقتصادی مردم به سمتی رفته که تمایل مردم برای سفر کاهش پیدا کرده است.

یک‌سوم واردات کشور، قاچاق است

نایب‌رئیس اتاق بازرگانی ایران با بیان اینکه یک‌سوم واردات کشور از طریق قاچاق انجام می‌شود، گفت: در این سال‌ها تنها چیزی که رقابت در آن صورت گرفته، گرفتن رانت بیشتر به‌خطر مقررات موجود بوده است.

به گزارش مهر، حسین سلاح‌ورزی در همایش مبارزه با فساد گفت: مهم‌ترین مشکل ما در حوزه مبارزه با فساد این است که در کشور ما از یک جایی یک سیاست‌گذاری با لنگرکردن نرخ ارز برای کنترل تورم همه مصیبت‌ها را تا امروز ادامه داده است؛ به عنوان مثال در زمینه واردات و وجود قوانین و مقررات متعددی که برای ممنوعیت‌های غیرتعرفه‌ای وجود دارد، اما برای حدود ۲۰۰۰ قلم کالا ممنوعیت واردات اعمال شده که این مسئله موجب توسعه قاچاق شده است که این موضوع یکی از مصادیق فساد است و آمارها نشان می‌دهد که یک‌سوم واردات کشور از طریق قاچاق انجام می‌شود.

سلاح‌ورزی ادامه داد: در یک جایی سیاست‌گذار ارزی بقیه را متقاعد کرده است که برای کنترل قیمت ارز تنها باید ممنوعیت واردات را انجام داد، بنابراین از آن طرف هم مشاهده می‌کنیم با قیمت‌های مختلفی که برای نرخ ارز وجود دارد، امضاهای طلایی، رانت و توزیع فساد ایجاد شده است. وی به اعمال مقررات دست‌وپایگر هم اشاره کرد و گفت: هم‌زمان با همه تلاش‌هایی که در بخش‌های جامعه برای کاهش مقررات صورت می‌گیرد، ماشین و موتور تولید مقررات همچنان فعال است و شاید با سرعت بیشتری هم حرکت می‌کند. نایب‌رئیس اتاق بازرگانی ایران به رشد هشت درصدی اقتصاد اشاره کرد و افزود: در شش برنامه توسعه‌ای که در سال‌های گذشته تدوین شده، همیشه یک بند مبنی بر دستیابی به رشد هشت درصدی اقتصادی ثابت بوده که قرار هم بوده یک‌سوم این رشد از محل افزایش بهره‌وری باشد، اما هم کیفیت محیط نهادی ما به شکلی بوده و هم در بخش خصوصی به‌گونه‌ای عمل کرده‌ایم که تنها چیزی که رقابت در آن صورت گرفته است، گرفتن رانت بیشتر به‌خطر مقررات موجود در کشور بوده است.

ثروت حاکمان امارات چقدر است؟

ثروت خاندان حاکم در امارات ۳۰۰ میلیارد دلار برآورد شده است که توسط شیخ طحون بن زاید، برادر رئیس امارات و مشاور امنیت ملی این کشور اداره می‌شود. به گزارش این‌لا از بلومبرگ، این رقم از تجزیه و تحلیل اموال متعلق به خانواده حاکم و براساس شاخص میلیاردهای بلومبرگ شامل ارسال پرورنده‌های مرتب، سوابق املاک و اعلام سهام شرکت‌ها به دست آمده است.

این گزارش می‌افزاید: روند تعیین ثروت خاندان‌های حاکم در امارات با توجه به فقدان خطوط مشخص بین مالکیت خانواده و آنچه متعلق به دولت بوده، همچنان دشوار است. درباره خانواده آل‌نهیان که از نیم‌قرن پیش بر امارات حکومت می‌کنند، برخی از این صندوق‌ها خصوصی هستند، درحالی‌که سایر سرمایه‌ها با بودجه دولت هم‌پوشانی داشتند. در میان وجوه متعلق به خاندان حاکم در امارات، یک شرکت سرمایه‌گذاری در پنج سال گذشته ۲۸۰۰ درصد ارزش خود را افزایش داده است. دارایی‌های آل‌نهیان همچنین شامل باشگاه بریتانیایی منچسترسی‌تی و تعدادی کاخ از جمله “Chateau de Bellon” در شمال پاریس و بیشتر میدان معتبر برکلی در لندن است. براساس گزارش USAID، با رشد ثروت آل‌نهیان، نفوذ آنها در منطقه و در سطح جهانی افزایش یافت. شیخ طحنون با سرمایه‌گذاری در کشورهایی مانند ترکیه و مصر و حمایت از تلاش‌های برادرش، رئیس‌جمهور شیخ محمد بن‌زاید، در ایجاد نفوذ ملی، محور رشد ثروت و به‌عنوان یک فرستاده سیاسی حضور دارد.

مشکل صادرات کیوی حل نشد

رئیس هیئتمدیره انجمن ملی گلخانه‌سازان کشور اعلام کرد: مشکل صادرات کیوی به هندوستان هنوز رفع نشده و وزارت کشاورزی رازینی‌های خود را برای حل این مشکل اخیر گرفته است. همچنین در آمار رسمی گزارشی از صادرات محصولات گلخانه‌ای به هند ارائه نشده است.

عبدالرحمن حسینی‌فرد به این‌لا گفت: بعد از مرجوع‌کردن فلفل دلمه‌ای ایران از روسیه، برای محصولات گلخانه‌ای QR که صادر شد؛ این که برای خریداران خارجی نوعی شناسنامه محصولات تلقی می‌شود و خریدار می‌داند که این محصول در کدام منطقه تولید و برای رشد آن از چه نوع سم و کودهایی استفاده شده است. او با بیان اینکه بسیاری از کشورها از محصولات تولیدی ایران QR که می‌خواهند، افزود: وزارت کشاورزی با همکاری نظام صنفی کشاورزی در حال گسترش است و این‌گونه میزان مصرف سم و کودهای غیرمجاز در گلخانه‌ها کاهش پیدا کرده است. بعد از اخذ این که تمام فرایند تولید از کشت و نشاکاری تا زمان برداشت ثبت می‌شود و هر روز فعالان این حوزه تلاش دارند که محصولات بیشتری موفق به دریافت این که شود.

اقبال بازار به قطعات کوچک‌تر سکه طلا

با وجود افت چند دلاری قیمت طلا در بازارهای جهانی اما در هفته گذشته بازار سکه و طلای داخلی به سبب نوسان افزایشی نرخ ارز، روندی صعودی طی کرد و قطعات کوچک‌تر سکه مانند ربع‌سکه و نیم‌سکه به رشد همراه بود؛ به گزارش ایسنا، طبق اطلاعات رسیده‌اش از اتحادیه طلا و جواهر تهران از وضعیت یک هفته اخیر بازار سکه و طلای داخلی، در این هفته، قیمت‌ها در بازار طلا و سکه با تقویت نرخ ارز، با افزایش نسبی همراه شده است؛ به گونه‌ای که قطعات کوچک‌تر سکه (ربع‌سکه و نیم‌سکه) بیشترین رشد قیمت را در پایان هفته نسبت به ابتدای هفته، تجربه کرده‌اند. این در حالی است که هر اونس طلا در یک هفته اخیر گرچه در مقطعی به کانال ۱۸۰۰ دلار هم صعود کرد؛ اما این رشد بهای طلای جهانی، مقطعی بود و در نهایت به افت در مجموع پنج دلاری در پایان هفته بسنده کرد. درحال‌حاضر (ظهر جمعه) قیمت هر اونس طلا ۱۷۹۴ دلار و ۲۴ سنت ثبت شده است. در هفته گذشته هر قطعه سکه تمام بهار آزادی طرح جدید به ۱۷میلیون و ۴۵۰ هزار تومان و سکه تمام طرح قدیم به ۱۶میلیون و ۹۰۰ هزار تومان رسید. همچنین نیم‌سکه ۱۰ میلیون تومان و ربع‌سکه هفت‌میلیون و ۱۵۰ هزار تومان دادوستد شدند.

چین، عربستان و ایران روابط «راهبردی» عملیاتی و نمادین



مهدی علیخانی مدرس دانشگاه

سفر اخیر شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهوری چین، به عربستان سعودی، با هدف پیگیری و ارتقای سطح روابط استراتژیک میان دو کشور که با امضای موافقت‌نامه جامع شرکات «راهبردی» همراه شد، در کنار دو نشست با سران کشورهای حوزه خلیج فارس و سران برخی کشورهای عربی، موجب توجه مجده به انگیزه‌های متقابل طرفین به‌ویژه سعودی‌ها به‌عنوان متحد تاریخی ایالات متحده آمریکا در منطقه شد.

در تحلیل رویکرد ریاض در قبال یکن باید به مهم‌ترین عامل

یعنی «اهمیت ذاتی چین» و همچنین «نقش ایالات متحده» و «مسئله ایران» و بر اساس ابعاد سه‌گانه اقتصادی، سیاسی و نظامی عنایت داشت.

از منظر «نقش ایالات متحده»، آغاز توجه ویژه به چین (و روسیه) متأثر از «بی‌اعتمادی» شلگرگرفته نزد سعودی‌ها نسبت به دولت اوباما و ناراضیانی از او بود. ریشه این بی‌اعتمادی نیز سیاست‌های دولت آمریکا در قبال ناآرامی‌های سال ۲۰۱۱ جهان عرب، ازجمله عدم حمایت از حسنی مبارک متحد سنتی واشنگتن و محافظه‌کاران منطقه و خروج او از

ادامه از صفحه اول

مسکن ملی از دیدگاه کارشناس و سیاست‌مدار

هرچند این روند رشد‌های منفی اقتصادی از نیمه دهه ۸۰ شروع شد؛ اما هنوز به فقر شدید مردم منجر نشده بود با دست‌کم در حد کاهش تقاضای کالاها ی لوکس و غیرضروری اثرگذار بود. در نتیجه، حتی زمانی که سهم وام از قیمت مسکن بسیار پایین بود، سرمایه‌گذار، نگران برگشت سرمایه نبود؛ چون مردم با منابع مالی خود، امکان تأمین خرید مسکن را داشتند. درواقع شاخص دسترسی به مسکن که امروزه به بالای ۶۰ رسیده است، زیر ۲۰ و در بسیاری دهک‌ها زیر ۱۰ بود؛ بنابراین اصولا هیچ ارتباطی بین منابع مالی لازم برای سرمایه‌گذاری در بخش مسکن، با بودجه دولت وجود نداشت؛ بلکه این توان اقتصادی مردم در ایجاد تقاضای مؤثر و ریسک پایین سرمایه‌گذاری بود که کار

را پیش می‌برد.

درواقع کارشناسان نیز مانند سیاست‌گذاران دولتی معتقدند نیاز به ساخت سالانه یک میلیون واحد مسکونی (و حتی بیشتر با توجه به انباشت‌های قبلی) وجود دارد؛ اما این نیاز فعلا به دلیل یک دهه رشد منفی اقتصادی و کاهش شدید قدرت خرید مردم و گسترش فقر، قابل تبدیل به تقاضای مؤثر نیست و با ساخت مسکن هم این قدرت خرید ایجاد نمی‌شود. به همین دلیل است که میزان استقبال واقعی (واریز وجوه

برای بلوچ‌شناس شهیر دکتر (محمود زندمقدم)

شوریه‌خانه پس از انقلاب بی‌مهری‌هایی ناگوار به محمود زندمقدم شد. وی از سازمان برنامه و بودجه اخراج شد. زندمقدم همیشه از بهی‌مهری بزرگ و ناخفی که به وی شده بود، گلایه داشت. از اینکه چرا مسئولان وقت سازمان برنامه و بودجه چنین حکم به اخراج وی داده بودند همیشه در رنج بود. اگرچه دکتر محمود زندمقدم از سازمان برنامه و بودجه اخراج شد، اما این شرایط موجب شد تا ارتباطش با استان سیستان‌وبلوچستان قطع شود و در ادامه فعالیت‌های علمی و پژوهشی و با خرج و هزینه‌کرد شخصی، عاشقانه همچنان به تکمیل مطالعات خود در سیستان‌وبلوچستان همت گماشت. سال‌هاها سال رفت‌وآمد به جاپهار و سیستان‌وبلوچستان موجب شده بود افرون بر لباس و دیگر نمادهای فرهنگ محلی جاپهار و جنوب استان، خلقیات دکتر زندمقدم نیز رنگ‌وبویی شبیه به ایرانیان ارجمند بلوچ به خود گیرد. منزل دکتر زندمقدم هم به صورت معمول محلی بود برای حضور شخصیت‌های فرهنگی و اجتماعی بلوچ که خانه زندمقدم را خانه خود می‌دانستند. در سال‌های ابتدایی دهه ۸۰ خورشیدی به واسطه معرفی دکتر حمید احمدی جلسات صمیمانه و مستمری با دکتر محمود زندمقدم داشتیم که در این جلسات شماری از استادان و محققان مطالعات قومی در ایران مانند استاد کاوه بیات و دکتر حمید احمدی نیز حضور داشتند. جلساتی هفتگی که در آن زندمقدم همواره جمع را از تجارب و دانش وسیع و عمیق خود درباره جنوب شرق کشور بهره‌مند می‌کرد. این ارتباط بعدها نیز استمرار داشت و برای انتشار شماره ۵۷ فصلنامه گفت‌وگو در بهار ۱۳۹۰ ویژه سیستان‌وبلوچستان افرون بر بهره‌گرفتن از راه‌نمایی‌ها و تجارب دکتر زندمقدم، فرصتی هم دست داد و مصاحبه‌ای تحت عنوان «حکایت‌های بلوچ» از ایشان در زمستان ۱۳۸۹ گرفته شد و در مجله گفت‌وگو منتشر شد. زندمقدم آثار درخوری خلق کرد. خدمات برجسته‌ای به ایران و ایرانی کرد و تا عمر داشت نگران سرنوشت مهم‌همنان خود بود. آخرین‌باری که ماه‌های پیش تلفنی جوابی احوال وی بودم، این نگرانی از بیان و کلامش دور نمی‌شد. آرزو داشت زوری که روی در نقاب خاک می‌کشد، جاپهار میزبانش باشد، آرزویی که تحققش ممکن نشد. اما جاپهار و سیستان‌وبلوچستان همچون دیگر نقاط ایران عزیز همچنان نام و یاد بزرگانی وطن‌خواه و مشفق را که مسئولانه زندگی خود را وقف دانش و تحقیق و آبادانی و توسعه ایران و به‌ویژه سیستان‌وبلوچستان کردند، گرامی می‌دارد. یاد محمود زندمقدم، بلوچ‌شناس شهیر و برجسته، گرامی باد.

فراخوان شرکت در انتخابات هیئت مدیره انجمن جامعه شناسی آموزش و پرورش
با سلام و احترام خدمت اعضای محترم انجمن جامعه‌شناسی آموزش و پرورش ایران بدینوسیله به اطلاع می‌رسانم مجمع عمومی انجمن جامعه‌شناسی آموزش و پرورش در روز پنج شنبه ۲۹ دی ماه ۱۴۰۱ ساعت ۱۷ الی ۱۹ در تهران پونک تقاطع بلوار میراباییی و عدل پلاک ۲۹ موسسه ماهر برگزار می‌گردد. لذا از کلیه اعضای محترم هیئت موسس و اعضای محترم انجمن که شرایط شرکت در انتخابات را دارند می‌توانند در دست داشتن کارت ملی و شماره عضویت انجمن هم به عنوان رای دهنده و هم به عنوان کاندیدا در انتخابات شرکت کنند.
اعضای محترم انجمن می‌توانند جهت اطلاعات بیشتر با جناب آقای دکتر کیومرث مروت ۹۱۲۹۶۶۸۲۷ تماس حاصل فرمایید.
رئیس هیات مدیره انجمن جامعه‌شناسی آموزش و پرورش ایران

شناسنامه مالکیت خودروپژو۲۰۷ اتوماتیک mc مدل ۱۴۰۱ به شماره پلاک ۲۵۷ ل ۸۷ ایران ۲۵ و شماره شاسی ۲۴۶۸۰۰ و شماره موتور ۰۰۰۳۸۰۰۰ بنام زهرا غفارزاده مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد

برگ سبز، کارت ماشین ، سند کمپانی و تسلسل اسناد خودرو سمند ایکس ۷ مدل ۱۳۸۱ به شماره پلاک ایران ۱۰_۵۷۸ ۲۱ و شماره موتور ۳۲۹۰۸۱۱۷۰۷ و شماره شاسی ۸۱۲۱۵۹۷۴ به نام زهرا منصور زعیم مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

در زمینه بحران‌های منطقه‌ای، متحدان غیردولتی و برنامه هسته‌ای ایران برود؛ مانند بیانیه مشترک عربستان سعودی و چین در جریان سفر اخیر شی که از ایران می‌خواهد در امور داخلی کشورهای منطقه دخالت نکند، به همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بپردازد و علاوه بر آن تأکید می‌شود که همکاری طرفین برای تضمین صلح‌آمیزبودن برنامه هسته‌ای ایران ادامه خواهد یافت.

نکته مهم این است که طرح روابط «راهبردی» چین با ایران در جریان سفر سال ۱۳۹۴ شی به تهران، تنها پس از اجرائی‌شدن توافق‌پیرجام و اطمینان چین از رفع تحریم‌ها اعلام شد. در نتیجه با بازگشت تحریم‌ها، چین در عمل به احتیاط در روابط اقتصادی با ایران پرداخت و از مشارکت در پروژه‌های زیرساختی اجتناب کرد. اکنون این سفر نشان می‌دهد یکن در مسیر تعریف‌شده خود برای منطقه، دلیلی برای انتظار بیشتر برای رفع تحریم‌های ایران ندارد و از این پس نیز هر نوع همراهی اقتصادی با ایران، تنها در سطح تبادلات تجاری مرسوم و نه پروژه‌های بلندمدت خواهد بود. نکات مورد اشاره به معنای مسیر کاملا هموار شرکات ریاض و یکن با جایگزین‌شدن آن با روابط ریاض و واشنگتن با پایان اهمیت روابط یکن با تهران نیست؛ چراکه نیاز متقابل چین و عربستان و شرایط بین‌المللی کنونی ایران، اقتضای چنین رویکردی را برای یکن یعنی توجه به منافع خود داشته است. به‌بازنگری به منافع خود می‌اندیشد و ایران نیز باید بر این اساس عمل کند و برای جلوگیری از از‌دست‌رفتن فرصت‌ها، با تغییر در شرایط تحریمی و بین‌المللی خود، مانع کاهش بیشتر منزلت ژئولیتیکش شده و به متوازن و متنوع‌سازی روابط خارجی خود بپردازد. باید توجه کرد که همکاری‌های راهبردی میان کشورها با «موافقت‌نامه»های کمی و زمان‌بندی‌شده دوجانبه که «عملیاتی»‌اند، به منصف ظهور می‌رسد، نه عضویت صرف در سازمان‌های مشترک منطقه‌ای یا انعقاد «تفاهم‌نامه»هایی که صرفا یکن حضور نیم‌ساعته یا حتی بدون حضور و با ارسال پیام صوتی یا موبیات به کارشناسان می‌فرمایند و می‌خواهند که کارشناسان برای ادعاهای آنها پوشینه علمی بپوشانند! و بعد از نیم‌ساعت حضور آنها، کارشناسان به خودگویی و همدیگر را تأییدکردن بپردازند!

بود واحدهای ساخته‌شده مسکن مهر را دولت بخرد! این توافق با قول، ضربه بسیار بدی بر بدنه سرمایه‌گذاری این کشور بود. امروزه، سرمایه‌گذاران هرچند با ریسک‌های بسیار بالایی مواجه هستند؛ اما حتی ریسک‌های کوچک را تحمل نخواهند کرد. وقتی دولتی باشد که هرچه و با هر کیفیتی تولید کردند را بخرد، دیگر نیازی برای بهبود کیفیت در فضای رقابتی نیست و نیازی به خلاقیت و نوآوری برای تنوع‌بخشی، زیسمازی یا کاهش هزینه خاست نیست.

مسئله این است که سیاست‌گذاران با همین تصورات نادرست انتظار دارند کارشناسان هم‌ا ایده‌ها و دستورات آنها را با زبان و قلمی کارشناسی بازگویند و چشم‌وکوش بسته از این سیاست‌های دستوری پشتیبانی کنند و خود را از شنیدن دیدگاه‌های درست کارشناسی بی‌نیاز می‌دانند. درواقع، آنان به چنان توهم دانایی دچار هستند که حتی در همایش‌ها، صرفا با یک حضور نیم‌ساعته یا حتی بدون حضور و با ارسال پیام صوتی یا موبیات به کارشناسان می‌فرمایند و می‌خواهند که کارشناسان برای ادعاهای آنها پوشینه علمی بپوشانند! و بعد از نیم‌ساعت حضور آنها، کارشناسان به خودگویی و همدیگر را تأییدکردن بپردازند!

لطفای اجرای قانون

دادگاه باید همه شواهد، دلایل و مدارک را بررسی کند، فرصت دفاع به متهم بدهد، مهلت‌های قانونی برای تدارک دفاع و اعتراض متهم به قرارها و آرای صادرشده و مانند اینها را رعایت کند و بالاخره خیلی چیزهای دیگر. وظیفه دادگاه اجمالا کشف حقیقت و اجرای قانون و عدالت است. اگر در همه دنیا، ازجمله کشور خودمان ایران، محاکمه‌های کیفری زمان زیادی طول می‌کشد، به خاطر این نیست که دادگاه «قاطعیت» ندارد، بلکه به این دلیل است که سعی می‌کند «در اجرای قانون و عدالت» قاطعیت داشته باشد. بدون رعایت همه این نکات، محاکمه به سرعت به پایان می‌رسد و رای هم صادر می‌شود، ولی آیا این سرعت می‌تواند به معنای اجرای قانون باشد؟

۵- دادگاه محیطی برای انتقام نیست. اصلا محکمه و قضاوت پدید آمده‌اند که حق و عدالت جانشین انتقام شود. کسی خط و خطایی کرده و متهم به ارتکاب جرمی شده و شخصی با جامعه‌ای از عمل او زیان دیده است؛ دادگاه باید حق را به موجب قانون در مورد او اجرا کند، نه آنکه از او انتقام بگیرد. یکی از مصادیق مبارزه با بزه، جلوگیری از فرهنگ انتقام و انتقام‌جویی است. اگر دادگاهی بخواهد خود در مسیر انتقام‌جویی گام بردارد، از دیگران چه انتظار می‌شود داشت.

۶- هیچ قاضی و دادگاهی نمی‌تواند پیش از مطالعه دقیق پرونده و برگزاری محاکمه تشخیص قضائی بدهد که سرنوشت آن پرونده و آن متهم چیست، چه رسد به کسانی که با قاضی نیستند یا اگر هم قاضی‌اند ربطی به آن پرونده و متهمش ندارد.

۷- یکی از اهداف مجازات‌ها، تنبه جامعه است؛ یعنی مردم ببینند و بدانند که اگر جرمی مرتکب شوند، عاقبت بدی در انتظار آنهاست. اما به آن معنا نیست که برای ارباب و ترساندن مردم، مجازاتی بیش از مجازات قانونی به متهم داده شود و نام آن قاطعیت گذاشته شود. جامعه زمانی از دین رای مجرم و اجرای آن متنبه می‌شود و عبرت می‌گیرد که آن را با قانون و عدالت نیز منطبق بداند. اگر تصور جامعه از یک حکم این باشد که عادلانه نیست، درس بی‌عدالتی می‌آموزد. بر بستر فضای بی‌عدالتی هر خشم، خشونت و کینه‌ای رشد می‌کند.

۸- بازگردیم به جمله کوتاه آقای رئیس قوه قضائیه که اگر چه در آن ضمیر من آمده است، اما ناظر است بر تمام دستگاه قضا و دادرها و محاکم و مخاطبی عمومی دارد: «از من اجرای قانون را بخواهید». لطفای قانون را اجرا کنید.

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۱۳قانون وماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف

وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۵۹۶/۱۳۰۰۰۳۰۱۶۰۱۴۰۱هیات اول /موضوع قانون

تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کن تهران تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای /خبراله نصیر پور فرزند محمدعلی بشماره شناسنامه ۲۱ صادره از سراب در شش‌دانگ یک قطعه زمین با بنای احدائی به مساحت ۲۰۰ متر مربع پلاک ۲۳۷ فرعی از ۱۱۸ اصلی واقع در بخش ۱۱ تهران خریداری از مالک رسمی آقای عبدالحسین مرشد محرز گردیده است .لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

م الف ۱۴۲۵
رئیس ثبت اسناد و املاک کن تهران

ادامه از صفحه اول

چین؛ واسطه استراتژیک

به‌ویژه آنکه دیگر ظرفیت دیپلماسی عمومی و بهره‌برداری از بسیج توده‌ای خارجی نیز برای ایران تمام شده است؛ مگر بخش‌هایی اندک از چند کشور آفریقایی، چرا کرد این نکته برای تصمیم‌گیران سیاست خارجی ایران دشوار است که روابط بین‌الملل یک بازی چندجانبه با ظاهری دیپلماتیک و رقابت شدید است؟ چندین و چند زمین بازی وجود دارد که به هم پیوسته است. بازی در زمین غرب و شرق از یکدیگر ناگسستگی است. این مهم در قالب موازنه مثبت و موازنه منفی در سیاست خارجی کشورهای مانند ایران که از موقعیت خاصی برخوردارند، سابقه داشته است. در مثالی ساده، روابط بین‌الملل مانند یک مسابقه جام جهانی فوتبال است که در چند زمین جریان دارد. اگر قرار است در بازی بمانید، باید در چند زمین و به تالواب بازی کنید؛ یعنی ارتباطات عمیقی با طرفین داشته باشید؛ یعنی چرخ دندانه استراتژیک و اقتصادی شما و بازی‌های معاملات شما با این دو جبهه متصل باشد. حیرت‌آور است که درک ساده‌لوحانه‌ای درباره ارتباط با شرق گریبان برخی را در ایران گرفته است. شکست و پیروزی در این «بازار سیاسی جهانی» بستگی به حضور بین‌المللی و سپس بسته به قدرت نظامی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی شماس. برخی تئوریسین‌های ژورنالیست که نقش پدرخوانده را برای دیپلمات‌های ما بازی می‌کنند، منافع ملی را به بازی جهالت گرفته‌اند و با اعتمادبه‌نفسی مثال‌زدنی مخالفان خود را غرورزده و واداده می‌خوانند. آن تئوریسین ژورنالیست به‌درستی می‌گوید که: «این ایران نیست که روابط تجاری (آن‌چنان‌که منافع کشور در آن حاصل شود) با اروپا و آمریکا را قطع کرده، بلکه این آمریکا و اروپا هستند که با تحریم‌ها و عدم همکاری راه را مسدود کرده‌اند». این سخن البته پهرای از واقعیت دارد؛ اما اگر «ظرفیت تاریخی» ایجاد شده بود، وضعیت این‌گونه نبود. تلاش چندساله دیپلماتیک ایران در دولت یازدهم دقیقاً کارکردی برای فائق‌آمدن بر همین بن‌بست داشت تا راه‌حلی تدریجی برای این معضل جست‌وجو کند و جایی برای ایران در موازنه جهانی بیابد. دراین‌میان «برجام» اساسا موضوعیتی فرعی داشت. راه‌گشایی تاریخی و تدریجی و دیپلماتیک هیچ ربطی به غریب‌زدگی و غریب‌باوری ندارد که بهانه‌ای برای هوچی‌گری ژورنالیستی پدید آورد. نیازی نیست که همه چیز را از منظر تنگ رقابت‌های جناحی ببینیم. ایجاد این ظرفیت تاریخی ما را از تله واسطه استراتژیک می‌راند و سبب می‌شود تا از افتادن به تله وابستگی به روسیه و چین بپرهیم و بتوانیم منافع ملی خود را دنبال کنیم. ایجاد ظرفیت تاریخی یک استراتژی مرحله‌ای است که به ترتیب ذیل باید دنبال شود:

۱- این استراتژی با قدرت ملی، با توسعه سیاسی و با استفاده از نیروهای خوشنام ملی در دیپلماسی و و مهار نیروهای خودسرد داخلی آغاز می‌شود. وفاق ملی را قربانی شمار معدودی ژورنالیست «خودپدرخوانده» یا سیاسیون بی‌مسئولیت نکنید. تردیدی نیست که سیاست داخلی کنونی راهی خسارت‌آمیز و برخلاف این استراتژی را دنبال می‌کند. ما نیاز به «جراحی فکری» داریم تا بتوانیم از همه نیروهای ملی استفاده کنیم.

۲- در گام بعدی باید هم خود را بر غلبه بر ایران‌هراسی مصروف کنید و سعی کنید تا بهانه‌ها و نگرانی‌های غرب را یک به یک و در گفت‌وگویی مبتکرانه، انتقادی، باز و بین‌المللی رفع و رجوع کنید. پرونده هسته‌ای و گوام (FATF) را به سرانجام برسانید. واضح است که در این دو پرونده زمان به نفع ایران نیست. البته کاری است دشوار و حتما با سنگ‌اندازی‌های غربیان و اسرائیلیان و اعراب مواجه خواهیم شد؛ اما راهی است که باید صبورانه پیموده شود.

۳- چند پروژه مشترک بزرگ اقتصادی با غرب و شرق را در قالب قراردادهای متقن دنبال کنید و خود و مردم را با تفاهم‌نامه‌های صوری نفریبیم.

سلب‌ریتی‌ها همین‌اند که می‌نمایند

همین که به سلب‌ریتی‌ها حمله می‌کنیم یعنی قبول داریم که تأثیرگذارند. خُب وقتی آنها و تأثیرشان را از بین برديم، سلب‌ریتی‌های جدیدی داریم که مورد پذیرش بخش‌هایی از جامعه باشند؟ اگر عقلاانه و مدبرانه از سلب‌ریتی‌ها صیانت می‌کردیم، به جای ناسز-گفتن تحویلشان می‌گرفتم و از احساساتشان برای منطقی‌شدن جامعه کمک می‌گرفتم، خیلی کارها را می‌شد توسط آنها با هزینه کمتر انجام داد. سلب‌ریتی مثل هر فرد دیگری در معرض خطاست. این هم قبول که به دلیل شهرت و محبوبیتی که دارد، خطایش ضریب می‌خورد. ما می‌توانستیم با رفتار درست، خطاهای آنها را کاهش دهیم و در همان حال کارهای خوشان را ضریب بدهیم. سلب‌ریتی‌ها در زیست معمولی و متعادلشان، همان‌گونه که در سه، چهار دهه گذشته شاهد بوده‌ایم، برخطا نبوده‌اند، هرچند مفکری و محسوبی کامل نداشته‌اند. آنها همین‌اند که می‌نمایند، آیا ما آن‌گونه که می‌نماییم، هستیم. تردید دارم آنها که به سلب‌ریتی‌ها حمله می‌کنند، نیز خیر داشته باشند. اگر هم داشته باشند خروجی‌شان جز زیان برای کشور و بدبین‌کردن بخش‌هایی از جامعه به نظام نیست.

ابطال قرارداد پیش فروش ۵ برکه با عنایت به صدور دادنامه ۲۲۹۳۱۵/۱۳۰۰۰۳۰۱۶۰۱۴۰۱ مورخ ۱۴۰۱/۰۱/۲۰ شعبه ۲ دادگاه عمومی حقوقی شهرستان پردیس و دستور قاضی مبنی بر انتقال یک واحد مسکن مهر واقع در فاز ۵ پروژه پرهام پارینا در بنام (علی لبافی) در حق خانم اعظم طالبی گرگانی که دادگاه به شماره (۲۲۹۴۴۲/و) مورخ ۱۴۰۱/۰۹/۰۷ در دبیر خانه شرکت عمران شهر جدید پردیس ثبت و ابلاغ گردیده است. اصل قرارداد پیش فروش متقاضی نفر اول به شماره ۱۴۰۱/۰۹/۲۷/۱۰۸ مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۰۸ و تغییر نام به نام سمانه حسن پور و لیلا پورویزی طبق شماره نامه دادگاه باطل و فاقد اعتبار می باشد.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کرمان
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۵۹۷/۱۰۸۰۰۰۳۰۱۶۰۱۴۰۱ هیات دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه دو کرمان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم مرضیه دادخداپور به شناسنامه شماره ۳۷۸۴ کدملی ۳۱۷۹۹۴۰۰۸۱ صادره بردسیر فرزند ماشاله در شش‌دانگ یکباب خانه /کانبری عرصه خدماتی) به مساحت ۲۵۴٫۴ مترمربع پلاک شماره ۳۸۵۵۳ فرعی از۲۷۸۷/ اصلی واقع در بخش۳ حوزه ثبت ملک منطقه دو کرمان آدرس کرمان بلوار رسالت کوچه ۱۱ خریداری از مالک رسمی آقای حسن ودیعیتی محرز گردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
م الف ۱۴۵۵۹
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱/۰۹/۰۵
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱/۰۹/۲۰
محمدمهدی زاده
رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه ۲۲ کرمان



عکس فضای از فیلم «خاکستین‌ها، ساخت بهرام بهرام‌پور»



عکس فضای از فیلم «خاکستین‌ها، ساخت بهرام بهرام‌پور»

بررسی سیر تاریخی محدودیت‌های ساخت فیلم سیاسی در گفت‌وگو با جواد طوسی، منتقد سینما

چرا نمی‌توانیم از زندگی مصدق فیلم بسازیم

بهزاد شیرپانی، اینکه دقیقا به چه فیلمی می‌توان عنوان سیاسی اطلاق کرد و آیا اساسا زمینه ظهور و بروز چنین فیلم‌هایی در سینمای ایران وجود دارد یا خیر؟ بحث محل و نظر بسیاری است. جواد طوسی از منتقدان باسابقه سینمای ایران معتقد است در تمام سال‌های گذشته عدداً از فیلم‌های اجتماعی، خوانش‌های سیاسی صورت گرفته و مثلا وقتی داریوش مهرجویی برای ساخت فیلم «کاو» (براساس دغدغه‌های فلسفی‌اش) به سراغ «عزاداران ییل» غلامحسین سعادی می‌رود، در وهله اول قرار است نگاهی نفاذانه و روان‌گاوانه داشته باشد. یا بهترین فیلمی که با نگرش اجتماعی ساخته شده و از آن برداشت و داوری سیاسی شده، «کوزن‌ها» مسعود کیمیایی است. ولی نمی‌توانیم از آن به عنوان فیلمی سیاسی نام ببریم. اینکه مرز بین سینمای سیاسی و اجتماعی در ایران چطور تعریف می‌شود و کدام‌یک از فیلم‌سازان در بیان مفاهیم سیاسی در آثارشان موفق بوده‌اند، محوریت گفت‌وگوی ما با جواد طوسی است.

چرا نمی‌توانیم از زندگی مصدق فیلم بسازیم

کرده‌اند؟ طبیعی است که مسیر سختی پیش‌روشان بوده و به همین دلیل باید آهسته‌آهسته به دوران مدیریتی آنها روی‌بورو شویم. اگر معتقدیم در آن دوران بیشتر افشارگرانه بوده است که قاعداً بر سرزنی‌های خودش را از بطن جامعه اخذ می‌کند اما قصد ندارد به فیلم‌ش برچسب سیاسی بزند. بهترین فیلمی که با نگرش اجتماعی ساخته شده و از آن برداشت و داوری سیاسی شده، «کوزن‌ها» مسعود کیمیایی است ولی نمی‌توانیم از آن به‌عنوان فیلمی سیاسی نام ببریم. همگنی را حلال مقدم می‌سازد. فیلم سال ۱۳۳۷ ساخته می‌شود، اما سه چهار سال توقیف می‌شود و در نهایت ادراک سانسور اجازه می‌دهد با یک پایان خوش به نمایش درآید و آن نگاه رئالیستی تلخ‌اندیشانه که مدنظر حلال مقدم فیلم‌نامه‌نویس و فرخ غفرانی کارگردان بود، عملاً به چیز دیگری تبدیل می‌شود. این نخستین فیلمی بود که یک طبقه اجتماعی را انتخاب کرده بود و مصائب و واخوردگی آنها در زندگی روزمره‌شان را به نمایش می‌گذاشت و قصد داشت به نوعی نگاه نفاذانه اجتماعی برسد، اما آمیزش شکله اصلی این فیلم را به هم ریخت. همین موضوع باعث شد افراد دیگری هم که قصد داشتند از امثال فرخ غفرانی تبعیت کنند و چنین فیلم‌هایی بسازند، متصرف شوند و عطای آن آدم اصلی و منتخب کیمیایی یعنی قدرت، از پشت پنجره به آن محیط پلارده و آدم‌های شورشی‌شان می‌نگرد و هرازگاه مونولوگ‌های خودش را به‌عنوان یک مانیفست اجتماعی بیان می‌کند. همه این تک‌نویس‌ها و بیان و لحن معتزانه، متوجه جامعه‌ای است که در آن زیست می‌کند ولی ما به‌طور هم‌زمان برخی از مناسبات اخلاقی، حسی و انسانی را نیز بین دو رفیق قدیمی می‌بینیم. در زیر سقف همین اتاقی که قدرت در آن مخفی شده، زن زجرکشیده‌ای را می‌بینیم به‌عنوان یک فیلم‌ساز معتزلی اجتماعی‌نگر معرفی‌کنند که به نظر به هیچ‌کدام از این دو هدف نمی‌رسد و نهایتاً فیلم با وجود برخی ارزش‌های ساختاری و بصری‌اش، مخاطب‌شناسی گسترده‌ای پیدا نمی‌کند. در ادامه در دوره‌ای بعد از «انقلاب سیدفیل» یا (با به قول معروف) «انقلاب شاه و ملت» که قرار است سالیان بعد خوش‌بینی‌هایی به جامعه تزریق شود، از سمت فیلم‌سازی‌تان می‌سپارم یا بسیمی سبک بنای «انقلاب» را به‌عنوان فیلم‌ساز می‌شود. در فیلم‌هایی مثل «فره‌مان قهرمانان»، «آقای قرن بیستم»، «کلیس قارون» و «حاتم طائی» کاملاً این آشنایی‌پذیری طبقاتی را شاهد هستیم. در این فیلم‌ها قشر فرودست جامعه شهری را می‌بینیم که همچنان در بطن سنت و نوعی اخلاقی‌گرایی عوامانه خنثی‌شور کرده و به مرور با یک سری ریش‌نشان‌های روایتی مدرنیزت نیز روی‌بورو می‌شود. این بی‌رغم فیلم به یک فرازون در آن شباهت‌نگاری محمدهلی دردین.

لنگه و نمونه نامعاریار چنین قهرمان محبوب و سیمپاتی‌گست است و تا مدتی این تپ، ارتباط خوبی (در جهت هدف‌اندافتن خومدان را با مجموعه‌ای از فیلم‌ها در دهه ۴۰ یا شاید شروع در دهه ۳۰) را به خود اختصاص می‌دهد. اما در نهایت به‌عنوان یک فیلم‌ساز می‌شود. در این دوران، در این کشور، قشر کارگر و افرادی که از نظر به‌عنوان اقتصادی شرایط خوبی ندارند (میان دریا و رزق و رزق) و اما همین فیلم‌ها و این‌گونه مضامین ظرفیت کوتاه تاریخی سه، چهار ساله دارند و از اواخر دهه ۴۰ یا شاید گریزی جزایی به اسم «موج نو»، نگاهی متفاوت و گشترش‌مان را شاهد هستیم که از دل آن می‌توانیم نمونه‌هایی از فیلم‌ها را معرفی کنیم. یا به‌عنوان فیلم‌ساز می‌توانیم به این فیلم‌ها اشاره کنیم که سرباز شهیدان یا بر اساس نگاه شخصی خودش، به حوزه‌های اجتماعی وارد می‌شود و با نزدیک‌شدن به دنیای مردی تنها که در منطقه‌ای پرت از شمال یا پسر جوان‌نواشان از طریق فروش ماهی قاچاق روزگارشان را می‌گذراند (یک اتفاق خاص) به پرداخت به زندگی یک‌نواشان سوزناپذیری می‌دهد. در آسانه‌ها بازنتنگی (طبیعت می‌بجان)، این سوال را به‌طور ضمنی و بدون توسل به هرگونه شعاری مطرح می‌کند که این قبیل آدم‌ها چه جایگاه و نقطه اتکای قرض و محکمی دارند؟

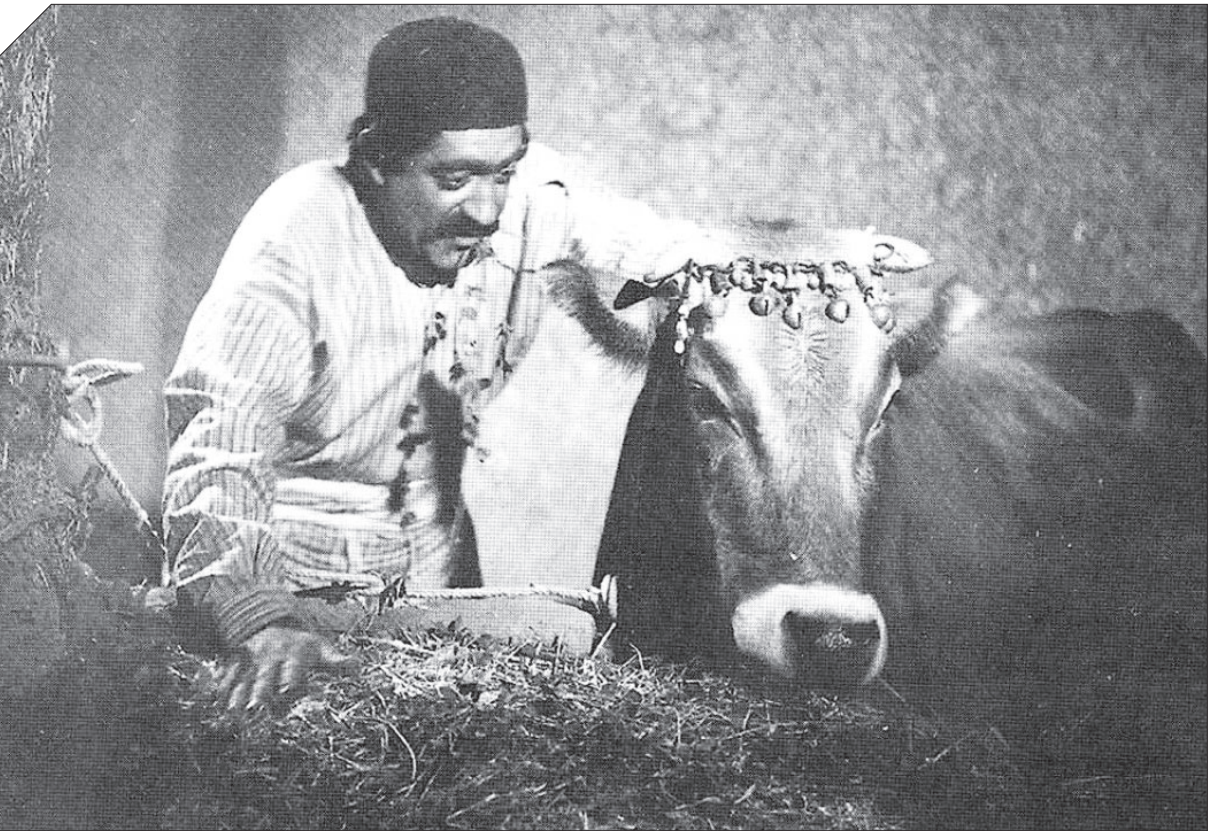
● **چرا از این فیلم‌ها خوانش سیاسی شد؟**
معتزانه یا مطرح می‌کند که جایگاه هم به‌عنوان یک زن گجاست و از متوجه جامعه‌ای است که در آن زیست می‌کند ولی ما به‌طور هم‌زمان برخی از مناسبات اخلاقی، حسی و انسانی را نیز بین دو رفیق قدیمی می‌بینیم. در زیر سقف همین اتاقی که قدرت در آن مخفی شده، زن زجرکشیده‌ای را می‌بینیم به‌عنوان یک فیلم‌ساز معتزلی اجتماعی‌نگر معرفی‌کنند که به نظر به هیچ‌کدام از این دو هدف نمی‌رسد و نهایتاً فیلم با وجود برخی ارزش‌های ساختاری و بصری‌اش، مخاطب‌شناسی گسترده‌ای پیدا نمی‌کند. در ادامه در دوره‌ای بعد از «انقلاب سیدفیل» یا (با به قول معروف) «انقلاب شاه و ملت» که قرار است سالیان بعد خوش‌بینی‌هایی به جامعه تزریق شود، از سمت فیلم‌سازی‌تان می‌سپارم یا بسیمی سبک بنای «انقلاب» را به‌عنوان فیلم‌ساز می‌شود. در فیلم‌هایی مثل «فره‌مان قهرمانان»، «آقای قرن بیستم»، «کلیس قارون» و «حاتم طائی» کاملاً این آشنایی‌پذیری طبقاتی را شاهد هستیم. در این فیلم‌ها قشر فرودست جامعه شهری را می‌بینیم که همچنان در بطن سنت و نوعی اخلاقی‌گرایی عوامانه خنثی‌شور کرده و به مرور با یک سری ریش‌نشان‌های روایتی مدرنیزت نیز روی‌بورو می‌شود. این بی‌رغم فیلم به یک فرازون در آن شباهت‌نگاری محمدهلی دردین.

● **چرا از این فیلم‌ها خوانش سیاسی شد؟**
معتزانه یا مطرح می‌کند که جایگاه هم به‌عنوان یک زن گجاست و از متوجه جامعه‌ای است که در آن زیست می‌کند ولی ما به‌طور هم‌زمان برخی از مناسبات اخلاقی، حسی و انسانی را نیز بین دو رفیق قدیمی می‌بینیم. در زیر سقف همین اتاقی که قدرت در آن مخفی شده، زن زجرکشیده‌ای را می‌بینیم به‌عنوان یک فیلم‌ساز معتزلی اجتماعی‌نگر معرفی‌کنند که به نظر به هیچ‌کدام از این دو هدف نمی‌رسد و نهایتاً فیلم با وجود برخی ارزش‌های ساختاری و بصری‌اش، مخاطب‌شناسی گسترده‌ای پیدا نمی‌کند. در ادامه در دوره‌ای بعد از «انقلاب سیدفیل» یا (با به قول معروف) «انقلاب شاه و ملت» که قرار است سالیان بعد خوش‌بینی‌هایی به جامعه تزریق شود، از سمت فیلم‌سازی‌تان می‌سپارم یا بسیمی سبک بنای «انقلاب» را به‌عنوان فیلم‌ساز می‌شود. در فیلم‌هایی مثل «فره‌مان قهرمانان»، «آقای قرن بیستم»، «کلیس قارون» و «حاتم طائی» کاملاً این آشنایی‌پذیری طبقاتی را شاهد هستیم. در این فیلم‌ها قشر فرودست جامعه شهری را می‌بینیم که همچنان در بطن سنت و نوعی اخلاقی‌گرایی عوامانه خنثی‌شور کرده و به مرور با یک سری ریش‌نشان‌های روایتی مدرنیزت نیز روی‌بورو می‌شود. این بی‌رغم فیلم به یک فرازون در آن شباهت‌نگاری محمدهلی دردین.

دیدگاه‌ها و نخله‌های فکری و مناسبت‌ها و ضرورت‌های تاریخی معاصرشان مشحور نبود، نمی‌توانی صرفاً به اتکای بعضی منابع با این موضوعات و رویدادها روی‌بورو شوی. اگر به اواخر دهه ۴۰ یا دهه حاس ۵۰ می‌پردازیم، باید به اتفاقات آن زمان واقع‌بینانه و مبتنی بر نگرش عمیق جامعه‌شناسانه مواجه شد. نمی‌توانیم از یک سیستم حکومتی و مدرنیسم غرابین آن تعریف کنیم و متقابلاً بسدو ارائه دلیل متقن. «جنبش چپ» را در آن شرایط تاریخی (فارغ از تئب تند گرایش‌های چپ در جامعه جهانی) مخرب و ضربه‌زننده بدایم و آن را برپاخانه داوری کنیم و با زبان بی‌زبانی بگوییم که هر بدبختی که اکنون بر سر ما آید، از ذوق‌زدگی احساسی یک گروه انسان چپ مثل جلال آل‌احمد و شریعتی و گل‌سرخ‌ی و... بوده است. چه بسا اگر همکار عزیز منتقد من حسن حسینی با رخدادها و مناسبات تاریخی، اجتماعی و سیاسی دهه‌های ۳۰ و ۴۰ رودرو شده بود و در کورن گسترش آرمان‌خواهی قرار می‌گرفت، مقداری تحلیل و ارزیابی‌اش را نسبت به آثار اجتماعی آن دوران و حرکت «موج نو» در‌بست‌تر و عمیق‌تر ارائه می‌داد. من هیچ کاردی در برابر «مدرنیته» ندارم، ولی وقتی این مدرنیته نسخه‌ای دست‌ساز و رویتایی باشد و از دل این جامعه اخذ نشود، دست‌سازد نهایی آن را در نیمه دوره دهه ۵۰ و آن وضعیت ملت‌بپ سیاسی و لحن اجتماعی به گونه‌ای پرسوناهم‌روایت می‌کند و به‌همین خاطر از سوی بخش میزبانی، در یک حد حذف نامعطف قرار می‌گیرند و توقیف می‌شوند. این فیلم‌ها بسیار بد و کلیشه‌ای از این مضامین روی‌بورو می‌شوند. یک‌سری کانون پرورش کودکان و نوجوانان ساخته شد، به لحاظ مضامین نامانین خود و ازجمله «گفت هر سه نفرشان» و «آقای هیروکلیم» ساخته غلامعلی عرفان که نه به نمایش درمی‌آیند و نه خود سازنده‌اش می‌تواند به حیات فرهنگی و فیلم‌سازی‌اش ادامه دهد. چنین فیلم‌هایی، دست‌مایه‌ای نیستند و در آن شکل و روایتی عده‌ای آدم چپ بود که نه تحلیل داشتند و نه زمینه مطالعاتی درست آنرا شنیدنی می‌بینیم. در واقع، سیستم حکومتی وقت، در باغ سبزی نشان می‌دهد و روی آن عنوانی رفرمیستی (از زاویه دید خود) می‌گذارد. اما توجه داشته باشیم که این سیستمی که آن‌قدر در فریدت خود سنگ اسطوره‌های فیلم‌ها «مضمون‌گرا» تولید شدند و خبر چندان‌ای از تولید فیلم سیاسی نبود با اگر هم ساخته می‌شود، دندان‌گیر نبود. می‌توان آن را این‌طور تحلیل کرد که در آن زمان چرخه تولید توجیه منطقی خودش را داشته است. البته در برخی مواقع هم، تعداد بین فرم و محتوا وجود داشته یا موارد استثنا مثل فیلم «خط قرمز» را داریم که درست با شرایط سیاسی آن مقطع حساس تاریخی منطبق است و حرفی برای گفتن دارد که متأسفانه به نمایش عمومی در نمی‌آید.

● **سیدمحمد بهشتی معتقد است برای اینکه در دهه ۶۰ سینما سیاسی شود، سیاسی رفتار شده و این شکل از مدیریت باعث محافظت بیشتر از سینما شد.**
آن دوران با فیلم‌سازی‌انی مواجه بودیم که بعد از یک رویداد تاریخی، اجتماعی و سیاسی بزرگ حرف‌های تازه‌ای برای گفتن داشتند و اتفاقاً تولیدات سینمای ایران به‌طور چشمگیری افزایش داشت. در کنار گیت چشمگیر تولیدات در دهه ۶۰، کمی دربارۀ کیفیت این آثار و موضوعات سیاسی که در فیلم‌ها مطرح شد، صحبت کنید.

پیش از پاسخ به این پرسش‌ن باید به نکته‌ای اشاره کنم. در یک مقایسه تطبیقی با تاریخی باید بپذیریم که وضعیت موجود جامعه‌ما از جنبه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی و سیاسی قابل‌مقایسه با جوامع اروپایی، ازجمله ایتالیا نیست. از این جهت سینمای ایتالیا را مثال می‌زنم، چون سینمای «سیاسی» در آن کشور کاملاً جا افتاده و در دوره‌های مختلف تاریخی، اجتماعی حضور پررنگ داشته است. اما چرا در سینمای ما این گزاره ممکن نمی‌شود؟ این دلیل که تا آن‌ایدولژی وقت درصدد برمی‌آید به یک تعریف تنوریک اصولی و قاعده‌مند برسد، اتفاقی دیگر باعث می‌شود این موضوع کلاً فراموش شود. به همین دلیل اساسا خود فیلم‌ساز، داستان‌نویس و نمایش‌نامه‌نویس قادر نیست از دل این وضعیت پارادوکسیکال، دست‌سازدی درست داشته باشد و خوراک مناسب هم‌زمان خود را پیدا کند. از طرفی، منتقدان و نظریه‌پردازان و افرادی که قصد دارند خوانش‌نی تاریخی از وقایع معاصر داشته باشند، باید واقع‌بینانه با این مقاطع و رخدادها، فرهنگی آن روی‌بورو شوند. قصد اسانه ادب ندارم و هر نسلی می‌تواند استعدادهای اشکاف‌های کارلبدی و نگاه حرفه‌ای و روزنامه‌نگاری و علاقه‌ان خود را داشته باشد. اما وقتی با تاریخ رودرو می‌شویم، نمی‌توانیم آن را یک سبدهو و براساس میاحت و اطلاعات صرفاً تنوریک و سلیاق شخصی آنرا بسنجیم. اگر در آن دوران موردنظر حضور عینی و فیزیکی نداشتی و



عکس فضای از فیلم «خاکستین‌ها، ساخت بهرام بهرام‌پور»

قرار گرفت و توقیف شد و سال ۱۳۷۷ امکان نمایش عمومی پیدا می‌کند. «پاز‌جوسی یک جنایت»، فیلم خوش‌ساخت دیگری است که در این دوران ساخته می‌شود و براساس نگاه پرسرگر و عدالت‌خواه شخصیت بازپرس فیلم (حبیب اسماعیلی) و مکاشفات قضائی او می‌توانیم از این اولین تجربه بلند محمدهلی سجادی تفسیر سیاسی هم داشته باشیم. «نقطه ضعف» محمدرضا اعلامی براساس داستان آنتونیوس سامارکلیس، به در اوایل دهه ۶۰. همچنان با آزمون و خطا روی‌بورو هستیم و فیلم‌هایی با نگاه ایدئولوژیک این زمانه به آسیب‌شناسی یک دوره سری‌شده می‌پردازند و فرادوسلیم و ظلم و ستم رباب و کارفرمای استثمارگر را به نمایش می‌گذارند یا خشونت ساواک را به نقد می‌کشند. البته از دل این موضوعات، فیلم‌سازی‌انی مثل زنده‌باد خسرو سببایی در فیلم «هولای درون» و زنده‌باد رضا میرلوحی در «اشباح» نگاه متفاوتی به مأموران ساواک دارند؛ ولی بخش در‌خور‌توجهی از این فیلم‌ها بسیار بد و کلیشه‌ای از این مضامین روی‌بورو می‌شوند. یک‌سری کانون پرورش کودکان و نوجوانان ساخته شد، به لحاظ مضامین نامانین خود و ازجمله «گفت هر سه نفرشان» و «آقای هیروکلیم» ساخته غلامعلی عرفان که نه به نمایش درمی‌آیند و نه خود سازنده‌اش می‌تواند به حیات فرهنگی و فیلم‌سازی‌اش ادامه دهد. چنین فیلم‌هایی، دست‌مایه‌ای نیستند و در آن شکل و روایتی عده‌ای آدم چپ بود که نه تحلیل داشتند و نه زمینه مطالعاتی درست آنرا شنیدنی می‌بینیم. در واقع، سیستم حکومتی وقت، در باغ سبزی نشان می‌دهد و روی آن عنوانی رفرمیستی (از زاویه دید خود) می‌گذارد. اما توجه داشته باشیم که این سیستمی که آن‌قدر در فریدت خود سنگ اسطوره‌های فیلم‌ها «مضمون‌گرا» تولید شدند و خبر چندان‌ای از تولید فیلم سیاسی نبود با اگر هم ساخته می‌شود، دندان‌گیر نبود. می‌توان آن را این‌طور تحلیل کرد که در آن زمان چرخه تولید توجیه منطقی خودش را داشته است. البته در برخی مواقع هم، تعداد بین فرم و محتوا وجود داشته یا موارد استثنا مثل فیلم «خط قرمز» را داریم که درست با شرایط سیاسی آن مقطع حساس تاریخی منطبق است و حرفی برای گفتن دارد که متأسفانه به نمایش عمومی در نمی‌آید.

● **سیدمحمد بهشتی معتقد است برای اینکه در دهه ۶۰ سینما سیاسی شود، سیاسی رفتار شده و این شکل از مدیریت باعث محافظت بیشتر از سینما شد.**
آن دوران با فیلم‌سازی‌انی مواجه بودیم که بعد از یک رویداد تاریخی، اجتماعی و سیاسی بزرگ حرف‌های تازه‌ای برای گفتن داشتند و اتفاقاً تولیدات سینمای ایران به‌طور چشمگیری افزایش داشت. در کنار گیت چشمگیر تولیدات در دهه ۶۰، کمی دربارۀ کیفیت این آثار و موضوعات سیاسی که در فیلم‌ها مطرح شد، صحبت کنید.

پیش از پاسخ به این پرسش‌ن باید به نکته‌ای اشاره کنم. در یک مقایسه تطبیقی با تاریخی باید بپذیریم که وضعیت موجود جامعه‌ما از جنبه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی و سیاسی قابل‌مقایسه با جوامع اروپایی، ازجمله ایتالیا نیست. از این جهت سینمای ایتالیا را مثال می‌زنم، چون سینمای «سیاسی» در آن کشور کاملاً جا افتاده و در دوره‌های مختلف تاریخی، اجتماعی حضور پررنگ داشته است. اما چرا در سینمای ما این گزاره ممکن نمی‌شود؟ این دلیل که تا آن‌ایدولژی وقت درصدد برمی‌آید به یک تعریف تنوریک اصولی و قاعده‌مند برسد، اتفاقی دیگر باعث می‌شود این موضوع کلاً فراموش شود. به همین دلیل اساسا خود فیلم‌ساز، داستان‌نویس و نمایش‌نامه‌نویس قادر نیست از دل این وضعیت پارادوکسیکال، دست‌سازدی درست داشته باشد و خوراک مناسب هم‌زمان خود را پیدا کند. از طرفی، منتقدان و نظریه‌پردازان و افرادی که قصد دارند خوانش‌نی تاریخی از وقایع معاصر داشته باشند، باید واقع‌بینانه با این مقاطع و رخدادها، فرهنگی آن روی‌بورو شوند. قصد اسانه ادب ندارم و هر نسلی می‌تواند استعدادهای اشکاف‌های کارلبدی و نگاه حرفه‌ای و روزنامه‌نگاری و علاقه‌ان خود را داشته باشد. اما وقتی با تاریخ رودرو می‌شویم، نمی‌توانیم آن را یک سبدهو و براساس میاحت و اطلاعات صرفاً تنوریک و سلیاق شخصی آنرا بسنجیم. اگر در آن دوران موردنظر حضور عینی و فیزیکی نداشتی و

● **چرا از این فیلم‌ها خوانش سیاسی شد؟**
معتزانه یا مطرح می‌کند که جایگاه هم به‌عنوان یک زن گجاست و از متوجه جامعه‌ای است که در آن زیست می‌کند ولی ما به‌طور هم‌زمان برخی از مناسبات اخلاقی، حسی و انسانی را نیز بین دو رفیق قدیمی می‌بینیم. در زیر سقف همین اتاقی که قدرت در آن مخفی شده، زن زجرکشیده‌ای را می‌بینیم به‌عنوان یک فیلم‌ساز معتزلی اجتماعی‌نگر معرفی‌کنند که به نظر به هیچ‌کدام از این دو هدف نمی‌رسد و نهایتاً فیلم با وجود برخی ارزش‌های ساختاری و بصری‌اش، مخاطب‌شناسی گسترده‌ای پیدا نمی‌کند. در ادامه در دوره‌ای بعد از «انقلاب سیدفیل» یا (با به قول معروف) «انقلاب شاه و ملت» که قرار است سالیان بعد خوش‌بینی‌هایی به جامعه تزریق شود، از سمت فیلم‌سازی‌تان می‌سپارم یا بسیمی سبک بنای «انقلاب» را به‌عنوان فیلم‌ساز می‌شود. در فیلم‌هایی مثل «فره‌مان قهرمانان»، «آقای قرن بیستم»، «کلیس قارون» و «حاتم طائی» کاملاً این آشنایی‌پذیری طبقاتی را شاهد هستیم. در این فیلم‌ها قشر فرودست جامعه شهری را می‌بینیم که همچنان در بطن سنت و نوعی اخلاقی‌گرایی عوامانه خنثی‌شور کرده و به مرور با یک سری ریش‌نشان‌های روایتی مدرنیزت نیز روی‌بورو می‌شود. این بی‌رغم فیلم به یک فرازون در آن شباهت‌نگاری محمدهلی دردین.

● **چرا از این فیلم‌ها خوانش سیاسی شد؟**
معتزانه یا مطرح می‌کند که جایگاه هم به‌عنوان یک زن گجاست و از متوجه جامعه‌ای است که در آن زیست می‌کند ولی ما به‌طور هم‌زمان برخی از مناسبات اخلاقی، حسی و انسانی را نیز بین دو رفیق قدیمی می‌بینیم. در زیر سقف همین اتاقی که قدرت در آن مخفی شده، زن زجرکشیده‌ای را می‌بینیم به‌عنوان یک فیلم‌ساز معتزلی اجتماعی‌نگر معرفی‌کنند که به نظر به هیچ‌کدام از این دو هدف نمی‌رسد و نهایتاً فیلم با وجود برخی ارزش‌های ساختاری و بصری‌اش، مخاطب‌شناسی گسترده‌ای پیدا نمی‌کند. در ادامه در دوره‌ای بعد از «انقلاب سیدفیل» یا (با به قول معروف) «انقلاب شاه و ملت» که قرار است سالیان بعد خوش‌بینی‌هایی به جامعه تزریق شود، از سمت فیلم‌سازی‌تان می‌سپارم یا بسیمی سبک بنای «انقلاب» را به‌عنوان فیلم‌ساز می‌شود. در فیلم‌هایی مثل «فره‌مان قهرمانان»، «آقای قرن بیستم»، «کلیس قارون» و «حاتم طائی» کاملاً این آشنایی‌پذیری طبقاتی را شاهد هستیم. در این فیلم‌ها قشر فرودست جامعه شهری را می‌بینیم که همچنان در بطن سنت و نوعی اخلاقی‌گرایی عوامانه خنثی‌شور کرده و به مرور با یک سری ریش‌نشان‌های روایتی مدرنیزت نیز روی‌بورو می‌شود. این بی‌رغم فیلم به یک فرازون در آن شباهت‌نگاری محمدهلی دردین.

● **چرا از این فیلم‌ها خوانش سیاسی شد؟**
معتزانه یا مطرح می‌کند که جایگاه هم به‌عنوان یک زن گجاست و از متوجه جامعه‌ای است که در آن زیست می‌کند ولی ما به‌طور هم‌زمان برخی از مناسبات اخلاقی، حسی و انسانی را نیز بین دو رفیق قدیمی می‌بینیم. در زیر سقف همین اتاقی که قدرت در آن مخفی شده، زن زجرکشیده‌ای را می‌بینیم به‌عنوان یک فیلم‌ساز معتزلی اجتماعی‌نگر معرفی‌کنند که به نظر به هیچ‌کدام از این دو هدف نمی‌رسد و نهایتاً فیلم با وجود برخی ارزش‌های ساختاری و بصری‌اش، مخاطب‌شناسی گسترده‌ای پیدا نمی‌کند. در ادامه در دوره‌ای بعد از «انقلاب سیدفیل» یا (با به قول معروف) «انقلاب شاه و ملت» که قرار است سالیان بعد خوش‌بینی‌هایی به جامعه تزریق شود، از سمت فیلم‌سازی‌تان می‌سپارم یا بسیمی سبک بنای «انقلاب» را به‌عنوان فیلم‌ساز می‌شود. در فیلم‌هایی مثل «فره‌مان قهرمانان»، «آقای قرن بیستم»، «کلیس قارون» و «حاتم طائی» کاملاً این آشنایی‌پذیری طبقاتی را شاهد هستیم. در این فیلم‌ها قشر فرودست جامعه شهری را می‌بینیم که همچنان در بطن سنت و نوعی اخلاقی‌گرایی عوامانه خنثی‌شور کرده و به مرور با یک سری ریش‌نشان‌های روایتی مدرنیزت نیز روی‌بورو می‌شود. این بی‌رغم فیلم به یک فرازون در آن شباهت‌نگاری محمدهلی دردین.

عکس فضای از فیلم «خاکستین‌ها، ساخت بهرام بهرام‌پور»



عکس فضای از فیلم «خاکستین‌ها، ساخت بهرام بهرام‌پور»

عمیق طبقاتی و در عین حال سیاسی می‌بینیم. بخش عمده‌ای از فیلم‌های یادشده و فیلم‌های دیگر ساخته‌شده در آن سال‌ها مانند «کلوزاپ» (نمای نزدیک) «عیاس کارستمی» «خارج از محدوده» و «زرد قناری» و «ترکس» «رشتان بی‌ناعتقاد» «غروب» «بهروز افخمی و...» «حیب اسماعیلی» و مکاشفات قضائی او می‌توانیم از این اولین تجربه بلند محمدهلی سجادی تفسیر سیاسی هم داشته باشیم. «نقطه ضعف» محمدرضا اعلامی براساس داستان آنتونیوس سامارکلیس، به در اوایل دهه ۶۰. همچنان با آزمون و خطا روی‌بورو هستیم و فیلم‌هایی با نگاه ایدئولوژیک این زمانه به آسیب‌شناسی یک دوره سری‌شده می‌پردازند و فرادوسلیم و ظلم و ستم رباب و کارفرمای استثمارگر را به نمایش می‌گذارند یا خشونت ساواک را به نقد می‌کشند. البته از دل این موضوعات، فیلم‌سازی‌انی مثل زنده‌باد خسرو سببایی در فیلم «هولای درون» و زنده‌باد رضا میرلوحی در «اشباح» نگاه متفاوتی به مأموران ساواک دارند؛ ولی بخش در‌خور‌توجهی از این فیلم‌ها بسیار بد و کلیشه‌ای از این مضامین روی‌بورو می‌شوند. یک‌سری کانون پرورش کودکان و نوجوانان ساخته شد، به لحاظ مضامین نامانین خود و ازجمله «گفت هر سه نفرشان» و «آقای هیروکلیم» ساخته غلامعلی عرفان که نه به نمایش درمی‌آیند و نه خود سازنده‌اش می‌تواند به حیات فرهنگی و فیلم‌سازی‌اش ادامه دهد. چنین فیلم‌هایی، دست‌مایه‌ای نیستند و در آن شکل و روایتی عده‌ای آدم چپ بود که نه تحلیل داشتند و نه زمینه مطالعاتی درست آنرا شنیدنی می‌بینیم. در واقع، سیستم حکومتی وقت، در باغ سبزی نشان می‌دهد و روی آن عنوانی رفرمیستی (از زاویه دید خود) می‌گذارد. اما توجه داشته باشیم که این سیستمی که آن‌قدر در فریدت خود سنگ اسطوره‌های فیلم‌ها «مضمون‌گرا» تولید شدند و خبر چندان‌ای از تولید فیلم سیاسی نبود با اگر هم ساخته می‌شود، دندان‌گیر نبود. می‌توان آن را این‌طور تحلیل کرد که در آن زمان چرخه تولید توجیه منطقی خودش را داشته است. البته در برخی مواقع هم، تعداد بین فرم و محتوا وجود داشته یا موارد استثنا مثل فیلم «خط قرمز» را داریم که درست با شرایط سیاسی آن مقطع حساس تاریخی منطبق است و حرفی برای گفتن دارد که متأسفانه به نمایش عمومی در نمی‌آید.

● **سیدمحمد بهشتی معتقد است برای اینکه در دهه ۶۰ سینما سیاسی شود، سیاسی رفتار شده و این شکل از مدیریت باعث محافظت بیشتر از سینما شد.**
آن دوران با فیلم‌سازی‌انی مواجه بودیم که بعد از یک رویداد تاریخی، اجتماعی و سیاسی بزرگ حرف‌های تازه‌ای برای گفتن داشتند و اتفاقاً تولیدات سینمای ایران به‌طور چشمگیری افزایش داشت. در کنار گیت چشمگیر تولیدات در دهه ۶۰، کمی دربارۀ کیفیت این آثار و موضوعات سیاسی که در فیلم‌ها مطرح شد، صحبت کنید.

پیش از پاسخ به این پرسش‌ن باید به نکته‌ای اشاره کنم. در یک مقایسه تطبیقی با تاریخی باید بپذیریم که وضعیت موجود جامعه‌ما از جنبه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی و سیاسی قابل‌مقایسه با جوامع اروپایی، ازجمله ایتالیا نیست. از این جهت سینمای ایتالیا را مثال می‌زنم، چون سینمای «سیاسی» در آن کشور کاملاً جا افتاده و در دوره‌های مختلف تاریخی، اجتماعی حضور پررنگ داشته است. اما چرا در سینمای ما این گزاره ممکن نمی‌شود؟ این دلیل که تا آن‌ایدولژی وقت درصدد برمی‌آید به یک تعریف تنوریک اصولی و قاعده‌مند برسد، اتفاقی دیگر باعث می‌شود این موضوع کلاً فراموش شود. به همین دلیل اساسا خود فیلم‌ساز، داستان‌نویس و نمایش‌نامه‌نویس قادر نیست از دل این وضعیت پارادوکسیکال، دست‌سازدی درست داشته باشد و خوراک مناسب هم‌زمان خود را پیدا کند. از طرفی، منتقدان و نظریه‌پردازان و افرادی که قصد دارند خوانش‌نی تاریخی از وقایع معاصر داشته باشند، باید واقع‌بینانه با این مقاطع و رخدادها، فرهنگی آن روی‌بورو شوند. قصد اسانه ادب ندارم و هر نسلی می‌تواند استعدادهای اشکاف‌های کارلبدی و نگاه حرفه‌ای و روزنامه‌نگاری و علاقه‌ان خود را داشته باشد. اما وقتی با تاریخ رودرو می‌شویم، نمی‌توانیم آن را یک سبدهو و براساس میاحت و اطلاعات صرفاً تنوریک و سلیاق شخصی آنرا بسنجیم. اگر در آن دوران موردنظر حضور عینی و فیزیکی نداشتی و

● **چرا از این فیلم‌ها خوانش سیاسی شد؟**
معتزانه یا مطرح می‌کند که جایگاه هم به‌عنوان یک زن گجاست و از متوجه جامعه‌ای است که در آن زیست می‌کند ولی ما به‌طور هم‌زمان برخی از مناسبات اخلاقی، حسی و انسانی را نیز بین دو رفیق قدیمی می‌بینیم. در زیر سقف همین اتاقی که قدرت در آن مخفی شده، زن زجرکشیده‌ای را می‌بینیم به‌عنوان یک فیلم‌ساز معتزلی اجتماعی‌نگر معرفی‌کنند که به نظر به هیچ‌کدام از این دو هدف نمی‌رسد و نهایتاً فیلم با وجود برخی ارزش‌های ساختاری و بصری‌اش، مخاطب‌شناسی گسترده‌ای پیدا نمی‌کند. در ادامه در دوره‌ای بعد از «انقلاب سیدفیل» یا (با به قول معروف) «انقلاب شاه و ملت» که قرار است سالیان بعد خوش‌بینی‌هایی به جامعه تزریق شود، از سمت فیلم‌سازی‌تان می‌سپارم یا بسیمی سبک بنای «انقلاب» را به‌عنوان فیلم‌ساز می‌شود. در فیلم‌هایی مثل «فره‌مان قهرمانان»، «آقای قرن بیستم»، «کلیس قارون» و «حاتم طائی» کاملاً این آشنایی‌پذیری طبقاتی را شاهد هستیم. در این فیلم‌ها قشر فرودست جامعه شهری را می‌بینیم که همچنان در بطن سنت و نوعی اخلاقی‌گرایی عوامانه خنثی‌شور کرده و به مرور با یک سری ریش‌نشان‌های روایتی مدرنیزت نیز روی‌بورو می‌شود. این بی‌رغم فیلم به یک فرازون در آن شباهت‌نگاری محمدهلی دردین.

● **چرا از این فیلم‌ها خوانش سیاسی شد؟**
معتزانه یا مطرح می‌کند که جایگاه هم به‌عنوان یک زن گجاست و از متوجه جامعه‌ای است که در آن زیست می‌کند ولی ما به‌طور هم‌زمان برخی از مناسبات اخلاقی، حسی و انسانی را نیز بین دو رفیق قدیمی می‌بینیم. در زیر سقف همین اتاقی که قدرت در آن مخفی شده، زن زجرکشیده‌ای را می‌بینیم به‌عنوان یک فیلم‌ساز معتزلی اجتماعی‌نگر معرفی‌کنند که به نظر به هیچ‌کدام از این دو هدف نمی‌رسد و نهایتاً فیلم با وجود برخی ارزش‌های ساختاری و بصری‌اش، مخاطب‌شناسی گسترده‌ای پیدا نمی‌کند. در ادامه در دوره‌ای بعد از «انقلاب سیدفیل» یا (با به قول معروف) «انقلاب شاه و ملت» که قرار است سالیان بعد خوش‌بینی‌هایی به جامعه تزریق شود، از سمت فیلم‌سازی‌تان می‌سپارم یا بسیمی سبک بنای «انقلاب» را به‌عنوان فیلم‌ساز می‌شود. در فیلم‌هایی مثل «فره‌مان قهرمانان»، «آقای قرن بیستم»، «کلیس قارون» و «حاتم طائی» کاملاً این آشنایی‌پذیری طبقاتی را شاهد هستیم. در این فیلم‌ها قشر فرودست جامعه شهری را می‌بینیم که همچنان در بطن سنت و نوعی اخلاقی‌گرایی عوامانه خنثی‌شور کرده و به مرور با یک سری ریش‌نشان‌های روایتی مدرنیزت نیز روی‌بورو می‌شود. این بی‌رغم فیلم به یک فرازون در آن شباهت‌نگاری محمدهلی دردین.

● **چرا از این فیلم‌ها خوانش سیاسی شد؟**
معتزانه یا مطرح می‌کند که جایگاه هم به‌عنوان یک زن گجاست و از متوجه جامعه‌ای است که در آن زیست می‌کند ولی ما به‌طور هم‌زمان برخی از مناسبات اخلاقی، حسی و انسانی را نیز بین دو رفیق قدیمی می‌بینیم. در زیر سقف همین اتاقی که قدرت در آن مخفی شده، زن زجرکشیده‌ای را می‌بینیم به‌عنوان یک فیلم‌ساز معتزلی اجتماعی‌نگر معرفی‌کنند که به نظر به هیچ‌کدام از این دو هدف نمی‌رسد و نهایتاً فیلم با وجود برخی ارزش‌های ساختاری و بصری‌اش، مخاطب‌شناسی گسترده‌ای پیدا نمی‌کند. در ادامه در دوره‌ای بعد از «انقلاب سیدفیل» یا (با به قول معروف) «انقلاب شاه و ملت» که قرار است سالیان بعد خوش‌بینی‌هایی به جامعه تزریق شود، از سمت فیلم‌سازی‌تان می‌سپارم یا بسیمی سبک بنای «انقلاب» را به‌عنوان فیلم‌ساز می‌شود. در فیلم‌هایی مثل «فره‌مان قهرمانان»، «آقای قرن بیستم»، «کلیس قارون» و «حاتم طائی» کاملاً این آشنایی‌پذیری طبقاتی را شاهد هستیم. در این فیلم‌ها قشر فرودست جامعه شهری را می‌بینیم که همچنان در بطن سنت و نوعی اخلاقی‌گرایی عوامانه خنثی‌شور کرده و به مرور با یک سری ریش‌نشان‌های روایتی مدرنیزت نیز روی‌بورو می‌شود. این بی‌رغم فیلم به یک فرازون در آن شباهت‌نگاری محمدهلی دردین.

تعهد دولت در جبران خسارت اشخاص از منظر قانون



خسارت است. بر مبنای این مسئولیت بین زیان زنده و زیان دیده، ارتباطی خاص که همان لزوم جبران خسارت است، به وجود می‌آید؛ بنابراین مسئولیت مدنی در معنی عام و وسیع آن، شامل همه مسئولیت قراردادی و مسئولیت خارج از قرارداد است. هر چند در باب مسئولیت قراردادی و مسئولیت خارج از قرارداد بحث زیاد می‌شود، در یک بیان کلی هرگونه جبران خسارت را شامل می‌شود.

اما وقتی صحبت از مسئولیت مدنی اشخاص حقوقی عمومی به‌ویژه دولت می‌شود، مراد بحث عبارت از دو مفهوم کلی است: مفهوم اول، مسئولیت مدنی دولت ناشی از اراده یا عمل حاکمیتی یا تصدیگری نهاد دولت است. مفهوم دوم، مسئولیت مدنی دولت ناشی از اراده یا عمل یا ترک عمل کارکنان ارگان‌های دولت به سبب اقداماتی است که از سوی این کارکنان به اشخاص وارد می‌شود. مسئولیت مدنی دولت عبارت است از اصل پاسخ‌گویی و لزوم جبران خسارت از سوی دولت و مقامات آن در مقابل اشخاص حقیقی یا حقوقی که باید به استناد شرح در مقدمه اسلام، منطبق بر قاعده لاضرر، با تأکید بر نظریات پیشین‌تقدیر به بنیاد اسطر ۴۰ قانون اساسی و قانون مسئولیت مدنی جبران شود.

کسب مشروعیت و بقای خود می‌کند و به تمام افراد صرف‌نظر از میزان استحقاق آنها، حمایت‌های اجتماعی عرضه می‌کند. صرف‌نظر از نظریات پیش گفته، قانون مدنی ایران در ماده ۳۳۸ نظریه خطا را درباره اتلاف پذیرفته و در محبت تسبیب معمولاً از نظریه تقصیر پیروی می‌کند (صرف‌مدان ۱۳۸۶، ص ۲۳۳). به هر حال برای اثبات مسئولیت مدنی وجود سه شرط لازم است: ۱- وجود ضرر، ۲- ارتکاب فعل زیان‌بار و ۳- رابطه سببیت. همچنین برای تحقق مسئولیت کیفری سه عنصر مادی، روانی و قانونی لازم و ضروری است. در مسئولیت کیفری مانند مسئولیت مدنی باید دیگری را اتحام دهد تا انجام عمل خودداری کند که موجب ضرر دیگری شود. دریافت از مورد خودداری مدنی، ضرر وارده متوجه یک شخص خصوصی است. در مسئولیت کیفری ضرر متوجه جامعه می‌شود؛ بنابراین مسئولیت کیفری این است که ما بتوانیم جرمی را به کسی نسبت دهیم و آن شخص قابلیت و تحمل این انتساب را داشته باشد. با این وصف، مسئولیت مدنی دولت از جمله استیضاح حقوق عمومی مبین مسئولیتی است که دولت در معنی این حکم در برابر خیرات مبنی که ایجاد کرده، ناگزیر از جبران خسارت است. اصولاً مسئولیت مدنی به معنای مسئولیت پرداخت

قاعده مسئولیت نگاهي عميق وجود دارد. در نظام‌های حقوقی، قواعدی که مشابه با این قاعده وجود دارد، به‌طور خاص در بحث تعهدات مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این باب لازم است که به‌تأیید عبارت لاضرر و لاضرار به‌خوبی می‌تواند این دو معنا را هم به ذهن متبادر کند که احکام اسلام نیز در زمینه مباحث ضرری در شریعت اسلامی است و از طرف دیگر تصریح می‌کند که هرگونه ضررزدن خارجی حتی به‌وسیله حاکم یا قانون نفی می‌شود. بالطبع با چنین رویکردی می‌توان جبران خسارت را بر مبنای این نفی استوار کرد. لفظ مسئول پنج بار در قرآن کریم به کار رفته و در روایات نیز به‌واژه مسئول اشاره شده است. پیامبر اکرم (ص) در حدیث مشهور که مسئولین اجتماعی است، می‌فرماید: «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیت»^۱ و این امر نزدیک به مفهومی است که امروزه از مسئول به ذهن می‌آید. لفظ مسئولیت، معادل لفظ responsibility انگلیسی است و به تعبیر نویسندگان عبارت است از ضرورت پاسخگویی از سوی شخص که از تعهدات و وظایف خود تخلف کرده است؛ به این معنی تعهدات حقوقی باشند و چه جنبه اخلاقی و معنوی داشته باشند. مبنای قانونی مسئولیت باطنی و قانون اساسی ایران، قانون مسئولیت مدنی مصوب اول ۱۳۳۹، همچنین ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی و قانون مدنی پیش‌بینی شده است. نکته مهم این است که در باب مبنای مسئولیت نظرات مختلفی ارائه شده که عمده‌ترین آن نظریه «تقصیر یا مسئولیت شخص» است و نظریه «تقصیر شخص مسئول است و دیگری نظریه «خطر» و «نظریه تصدیع حق» و «نظریه برابری در مقابل قانون» و «نظریه نفع دولت» است.

مسئولیت مدنی صرفاً در صورتی قابل طرح و انتساب است که واردکننده خسارت در انجام عمل خسارت‌بار و نیز آزار، مزاحمت یا تقصیر شرکت داشته باشد. ملاحظه می‌گردد که مسئولیت، جنبه اخلاقی رفتار مباشر خسارت است که اگر از نظر اجتماع، انحراف و تجاوز از رفتاری باشد که برای حفظ حقوق دیگران لازم است، می‌لزم به ترمیم خسارت است و اگر از نظر اخلاقی رفتار وی عاری از تعارض باشد، ضمانتی بر او نیست. طبق «نظریه تقصیر»، تنها زمانی که می‌تواند مسئولیت کسی را نسبت به جبران خسارت توجیه کند، وجود رابطه علت بین تقصیر و ضرر واردارشده است؛ اما امروزه چنین عقیده‌ای مقبول نیست. نظریه دوم که مبتنی بر مهمی نیز دارد، به «نظریه خطر» معروف است؛ بر این مبنی، خسارت دعوی خودی بدون تقصیر و رفتار قابل سرزنش، مسئول است؛ به عبارت دیگر برای



مسئولیت دارای مفهومی پیچیده و در عین حال گسترده است که می‌توان آن را از دیدگاه‌های مختلف بررسی کرد که هر یک از آنها کاربردهای مخصوص خود را دارد؛ نظیر مسئولیت سیاسی، مسئولیت حقوقی، مسئولیت دینی، مسئولیت اداری و امثال آن. با این حال، قدر مشترک تمامی موارد داشته، نوعی تقسیم است؛ وظیفه‌ای که بر عهده شخصی یا گروهی خاص قرار داده می‌شود تا کاری را انجام داده یا از انجام امری خودداری کنند.

واژه مسئولیت از دیدگاه‌های مختلف تعریف می‌شود و در اصطلاح حقوقی دو مفهوم و دو معنای اعم و اخص دارد. در معنای اعم، مسئولیت مدنی عبارت است از وظیفه حقوقی‌ای که شخص در برابر دیگری به انجام یا ترک عمل دارد؛ اعم از اینکه منشأ آن عمل حقوقی یا مادی باشد. مسئولیت منشأ مادی، مقررات قانونی باشد. مسئولیت ممکن است ناشی از عمل مادی یا منتهی‌الافاق و تسبیب یا ناشی از قرارداد مثل تعهد به انجام عمل باشد یا ممکن است ناشی از مقررات قانونی باشد.

مبنای مسئولیت دولت به‌عنوان یکی از مضامین اشخاص حقوق عمومی، از منظر شرعی قاعده «الاضرر» و اصل لزوم جبران است. عبارت «الاضرر والاضرار...» که ناشی از حدیث مشهور نبوی است، دلالت بر نفی هرگونه ضرر در اسلام دارد. قاعده اضرار از قواعد مشهوره فقهی است که در بیشتر ابواب فقه کاربرد دارد و مضمون آن این است که ضرر در اسلام ممنوعیت ندارد و هرگونه ضرر و اضرار در اسلام نفی نشده است. بر این اساس است که قاعده دیگری مثل لزوم جبران خسارت تعاقباً می‌تواند. بر این مبنا، هرکس به هر نحو عاملی، فعلی، ترک فعل یا به جهت سببیت یا مباشرت، دیگری را به ضرر و اضرار مادی یا معنوی وارد کند، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل یا ترک عمل خویش است؛ خواه عمل ناشی از اقدام اشخاص حقیقی یا اشخاص حقوقی باشد و خواه این شخص یک نهاد تابع حقوق خصوصی باشد یا تابع نهاد حقوق عمومی. با چنین وضعی است که می‌توان قائل بود که در اغلب نظام‌های حقوقی و از جمله حقوق اسلامی، به

اخبار برگزیده

مصوبه فرجادرباره آموزشگاه‌های رانندگی ابطال شد

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، نامه رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی درباره ایجاد مجتمع آموزشی برای صدورواهنامه پایه سوم و موتورسیکلت برای یگان های نظامی، انتظامی، امنیتی و خانواده آنان را باطل کرد.

به نقل از روابطعمومی دیوان عدالت اداری، به دنبال شکایت نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و درخواست ابطال نامه شماره ب/۱۷/۱۳/۱۲۰۳ مورخ ۱۳۹۸/۴/۱۹ رئیس پلیس راهمایی و رانندگی که آن مقرر کرده بود به منظور خدمت به یکان های نظامی، انتظامی، امنیتی و خانواده آنان، انجام مأموریت برای اذ آزمون در داخل یادگان ها و مراکز، توانمندسازی کارکنان وظیفه و حفظ اطلاعات پرسنلی نئونبه مراکز و برای جلوگیری از تبعات امنیتی ناشی از ثبت نام روی کارکنان نیروهای مسلح در سامیر شوگاهها، دستور مریاد نمایندید خدمات منابع فرهنگی اطلاعاتی استان جهمت برای ایجاد آزاره فعالیت و اذ معرفتی نامه ایجاد یک باب مجتمع ورزشی پایه سوم و مونورسیکلت به نام پرورش در مراکز

استان‌ها به مرکز صدور گواهینامه پلیس راهور ناجا تاسیس شود. این مقدره در هیئت موسسه پس از بحث و بررسی ابلاغ شد. در رای مزبور آمده که بر اساس ماده ۱۲۲ قانون برنامه چهارم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۲/۶/۱ «پس از موافقت فرماندهی کل نیروهای مسلح، به وزارت کشور اجازه داده می‌شود از طریق نیروی انتظامی نسبت به اعطای مجوز فعالیت به متقاضیان تشکیل مؤسسات غیردولتی خدمات حفاظتی و مراقبتی و واگذاری برخی از خدمات انتظامی و حفاظتی به مؤسسات مذکور با حفظ کنترل و نظارت دقیق و بر اساس آیین‌نامه اجرائی که به پیشنهاد وزارت کشور و تأیید فرماندهی کل نیروهای مسلح به تصویب شورای امنیت کشور می‌رسد، اقدام نماید» و بر این اساس و به موجب ماده ۲۹ آیین‌نامه اجرائی مؤسسات خدمات حفاظتی و مراقبتی و دفاتر خدمات الکترونیک منتخب مقرر شده است که: «ناجایم است است تریبانی اتخاذ نماید خزانة الصدور گسترش جغرافیایی مؤسسات در کشور بر مبنای نیاز مناطق (به‌گونه‌ای که رقابت

سالم ایجاد شود) صورت پذیرد».

با توجه به احکام مقرر در موازین حقوقی مذکور و با عنایت به اینکه بر اساس نامه مورد اعتراض مقرر شده است که «... در فرایند نمایندگی ذمه‌داران منابع فرماندهی انتظامی استان جهت دریافت اجازه فعالیت و اخذ معرفی‌نامه برای ایجاد یک باب مجتمع آموزشی-هنر» به مرکز صدور گواهینامه پلیس راهور ناجا مراجعه نماید» و این حکم متضمن الزام به صدور مجوز برای آموزشگاه‌های رانندگی بدین معنی است که «... در صورتیکه به نوعی اعمال/انجام می‌تواند باشد»؛ لذا نامه شماره ۱۳۰۳/۱۳۰۳/۱۰۱/۰۱ مورخ ۱۳۹۸/۰۹/۱۹ رئیس جمهوری و انجمنی و رانندگی با بند ۹ اصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبنی بر رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی و همچنین در ماده ۲۹ این قانون مبنی بر «... هر حفظ رقابت سالم مغایر بوده و مستند به بند ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رشد ۶ درصدی استفاده قضات خراسان
شمالی از مجازات جایگزین حبس

ایسنا: رئیس کل دادگستری استان از رشد شش درصدی میزان استفاده قضات استان از تأسیسات حقوقی و مجازات جایگزین حبس در آبان سال جاری خبر داد.

حجت الاسلام والمسلمین رضا براتی زاده در حاشیه نهمین نشست شورای مدیران قضائی در سال جاری، اظهار کرد: در آبان سال جاری، ۶۸ فقره از مجموع دوهزار و ۱۲۸ دادنامه گشایشی صادره از سوی قضات رسیدگی کننده مشمول تائیدات سیستم حقوقی شده است، به طوری که این نسبت از ۲۷ درصد در مرداد سال ۱۴۰۱ به ۳۳ درصد در آبان امسال افزایش یافته و با این وصف رشد شش درصدی را نشان می دهد.

وی از تعلیق و تخفیف مجازات به عنوان بیشترین

	᠑	᠒	᠓		᠔		
	᠕	᠖					
		᠗		᠘		᠙	
				᠐		᠑	᠒
᠓	᠔			᠕			
	᠖		᠗			᠘	᠙
		᠕		᠗		᠘	᠙
		᠕		᠗		᠘	᠙

	۴							۸
		۶		۵	۷			
۹	۲			۸		۷	۵	
		۸	۲	۶	۴			
۴				۹				۷
			۳	۷	۸	۱		
	۹	۵		۱			۸	۲
			۸	۴		۶		
۷							۹	

حل سوداگو سخت

۱	۲	۷	۴	۵	۳	۶	۸	۹
۴	۸	۵	۲	۶	۹	۳	۷	۱
۳	۶	۹	۷	۸	۱	۴	۲	۵
۷	۹	۲	۳	۱	۵	۸	۴	۶
۵	۴	۶	۸	۲	۷	۹	۱	۳
۸	۳	۱	۶	۹	۴	۲	۵	۷
۶	۵	۳	۱	۴	۸	۷	۹	۲
۲	۱	۸	۹	۷	۶	۵	۳	۴
۹	۷	۴	۵	۳	۲	۱	۶	۸

حل سوئو کو ۳۳۸

۴	۸	۹	۶	۷	۱	۲	۵	۳
۶	۱	۷	۳	۵	۲	۴	۹	۸
۲	۵	۳	۹	۴	۸	۷	۱	۶
۳	۷	۴	۸	۲	۵	۱	۶	۹
۵	۹	۱	۷	۶	۴	۸	۳	۲
۸	۲	۶	۱	۹	۳	۵	۷	۴
۱	۳	۵	۴	۸	۶	۹	۲	۷
۷	۶	۸	۲	۱	۹	۳	۴	۵
۹	۴	۲	۵	۳	۷	۶	۸	۱

[illegible][illegible]

♦ جدول ۴۳۸۶ ♦ طراح: بیژن گورانی

افقی:

- ۱- دارای آواز دلنشین- وحشت‌زده
 - ۲- هفتم- جبار و غیرقابل فهم ۳- وسیله
 - ۴- رودی سخت، در جمهوری آذربایجان- سبله
 - ۵- گناهکار- طوقه خیز خودرو- تحت
 - ۶- فیلم نقاشی متحرک- خراب‌های دریا ۷- از
 - ۸- طرف طبخ آبگوشت- میهمان ناخوانده ۹- هزار کیلو- ارگانیک- از
 - ۱۰- پیامبران بنی اسرائیل ۱۱- ماه دهم قمری- مدرسه
 - ۱۲- گرگان- قطعه موسیقی ۱۳- شیرینی ماه
 - ۱۴- رمضان- قوی‌هیگل- زندان مسعود سعد سلمان
 - ۱۵- از نیروهای ساسکاانه ارتش- سمت چپ- چند
 - ۱۶- رای ۱۱- حداقل- دماسنج ۱۲- ترمیم پارگی پارچه-
 - ۱۳- جویونده راه- جوانه دانه غلات ۱۴- زیاده‌گو-
 - ۱۵- فاصله بین دنیا و آخرت- غذای مخصوص تالش
 - ۱۶- اوستارا ۱۴- نمایشنامه‌ای از یوجین اونیل، نویسنده
 - ۱۷- آمریکایی- نوزاد حشره ۱۵- مخترع برق- غمگین
- عمودی:**

۱- تنگ

- ۲- رئیس ۲- سپوند شباهت- لباس تازه دوخته شده-
۳- جغد- ۴- رانده کردن- از پیامبران
۵- حرکت- زنگ گردن چه چارپایا- ۶- دشمن
۷- نوسی اباق برقی- کدر کردن- ۸- دشمن
۹- از شاگردان میرعماد خوشنویس- ماهر
۱۰- غریبان- مراعات آداب و رسوم-
۱۱- غیرمتاهل- مرطوب- منسوب به چمن- چند
۱۲- روزی ۹- جلا استاین- عرضانی در دستگاه
۱۳- گوارش- جدی و سختگیر- ۱۴- برحسب قیمت-

◆ سودو کو سخت ۳۳۸۲

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

نهای حل جدول سودوکو:

سطر و ستون باید اعداد یک شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود. هر مربع 3×3 اعداد یک تا نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

◆ سودوکو ساده ۳۳۸۲

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو
Sudoku یک واژه ترکیبی
به معنای عدد‌های بی تکرار
و امروزه به جدولی از اعداد
می‌شود که به عنوان یک
رایج در نشریات کشورهای
مختلف به چاپ می‌رسد.

دلیلی برای استعفای کی‌روش وجود ندارد



عکس: Reuters

اقدامی کرده است یا نه. فدراسیون هم که مطابق با رویه غلطی که از مدت‌ها پیش داشته، در این زمینه سکوت کرده تا حالا آنها هم به نوعی شریک شکست سنگینی باشند که کارلوس برای ایران در جام جهانی رقم زده است. حالا چنین باشد یا نه، یعنی چه فدراسیون با کارلوس به توافق رسیده کی‌روش حتی تا همین جام جهانی هم به درد فوتبال ایران می‌خورد، بدون‌تردید از امروز به بعد حتی به اندازه سر سوزنی هم برای این فوتبال چه در جایگاه مدیر فنی و چه سرمربی دستاوردی نخواهد داشت. درست است که او شخصیت فوتبال ملی ایران را شکل و ارتقا داده؛ ولی مشخصا در عرصه نتایج، شکست خورده بزرگی است.

مباحث، خوشایند دولتمردان ایرانی حرف زده و حالا همین موضوع باعث شده تا آنها با چشم‌پ بستن روی حقایق فنی و منفی کارلوس کی‌روش درصدد حفظ این سرمربی باشند. اگر این شایعه صحت داشته باشد، بزرگ‌ترین خطر برای فوتبال ایران و نسلی است که به روزهای بهتر امید دارد. اگر کارلوس کی‌روش حتی تا همین جام جهانی هم به درد فوتبال ایران می‌خورد، بدون‌تردید از امروز به بعد حتی به اندازه سر سوزنی هم برای این فوتبال چه در جایگاه مدیر فنی و چه سرمربی دستاوردی نخواهد داشت. درست است که او شخصیت فوتبال ملی ایران را شکل و ارتقا داده؛ ولی مشخصا در عرصه نتایج، شکست خورده بزرگی است.

کی‌روش پنج جام مهم یعنی سه جام جهانی و دو جام ملت‌ها را به‌عنوان سرمربی تیم ملی ایران تجربه کرده که با وجود قرارداد مالی خوب، در هیچ‌کدام از آنها دستاوردی نداشته است. در جام ملت‌های آسیا که مغلوب رقیبایی مانند

رقابت‌های جام جهانی فوتبال ۲۰۲۲ در قطر در شرایطی به مرحله نیمه‌نهایی رسیده که موج استعفای مربیان شکست‌خورده در این جام یکی پس از دیگری از راه می‌رسد. بعد از لونیس انریکه، سرمربی نام‌آشنای اسپانیایی که نتوانست با تیمش به یک چهارم نهایی برسد، این بار تیته، پروفیسور فوتبال برزیل، پس از شکست‌خوردن تیمش مقابل کرواسی در جام جهانی از هدایت این تیم کناره‌گیری کرد. اهمیت استعفای این دو در مقایسه با سایر مربیان از این نظر است که هر دو مربیان موفقی در عرصه باشگاهی و ملی نشان داده بودند؛ ولی از آنجا که نتوانست به اهداف ملی‌شان برسند، لحظه‌ای درنگ نکرده و با نوشتن استعفا‌یشان راه را برای ورود چهره‌ای جدید باز کردند. به غیر از این دو، مربیان دیگری هم هستند که بعد از ناکامی در جام جهانی استعفا داده‌اند؛ پائولو بنتو سرمربی پرتغالی کره جنوبی یکی از آنهاست. خارالدو مارتینو که هدایت مکزیک را برعهده داشت و روبرتو مارتینس که سرمربی بلژیک بود، هم همین‌طور یا حتی لونی فان‌خال بزرگ، مربی اروگوئه و غنا هم چنین کرد تا مشخص شود آنها به دلیل ناکامی در ترسیم اهداف، ترجیح دادند جای فرد دیگری را اشغال نکنند. بسیاری از همین چهره‌ها بعد از کسب نتایج دور از انتظار که گاهی حتی با اختلاف اندکی حاصل شد، صمیمانه و به‌طور کامل واقعی عذرخواهی هم کردند. باوجوداین سؤالی که در روزهای اخیر در بسیاری از محافل خبری مطرح شده، این است که چرا کارلوس کی‌روش، سرمربی ایران، در جام جهانی استعفا نمی‌دهد یا اینکه عذرخواهی نمی‌کند؟ ایران با کارلوس کی‌روش به غیر از قطری که به‌واسطه میزبانی، حضور در جام جهانی را تجربه می‌کرد، ضعیف‌ترین تیم آسیا بود؛ ولی حتی محتمل‌شدن سنگین‌ترین شکست تاریخ فوتبال ایران و تحقیری عجیب در جام جهانی هم باعث نشد تا این مرد پرتغالی از مردم ایران عذرخواهی کند. درباره عذرخواهی کردن یا نکردن، یک موضوع شخصی است که بسته به محیط و آموزش‌های کسب‌شده، این موضوع متغیر است؛ ولی درباره استعفا، یک کار حرفه‌ای است که اینجا اتفاقا درباره کارلوس کی‌روش صدق نمی‌کند. مسئله اینجااست که کارلوس کی‌روش نباید استعفا دهد؛ چون اصولا او قراردادی با فدراسیون فوتبال ایران ندارد که بخواهد استعفا‌یش را بنویسد و برود. قرارداد او طبق چیزی که مهدی تاج، رئیس فدراسیون فوتبال ایران عنوان کرده تا پایان جام جهانی بوده و حالا که جام برای ایران تمام شده، قرارداد کارلوس هم تمام شده است. پس قاعتا مطرح‌شدن بحث استعفا برای فردی که قراردادی با یک نهاد ندارد، امری باطل است. دراین‌میان پرسش‌های مکرر به قوت خود باقی است. مثلا مشخص نیست که آیا فدراسیون فوتبال ایران در بحث تمدید قرارداد کارلوس در بازه جام جهانی، به‌ویژه زمانی که سرخوش از شکست‌دادن تیم ملی ولز بودند،

ایران بدون یزدانی در آمریکا به دنبال چیست؟

تیم ملی کشتی آزاد ایران در شرایطی راهی آمریکا شده تا در مسابقات جام جهانی این کشور شرکت کند که اگر اتفاق غیرمنتظره‌ای رخ ندهد، امشب باید در دیدارهای پایانی به مصاف رقیبا برود. ایران که همواره در این جام که صدا‌لبته جام چندان معتبری محسوب نمی‌شود، از مدعیان جدی بوده، شب گذشته کارش را با کشتی برابر تیم زاین شروع کرده و قرار است بامداد امروز از ساعت ۵:۳۰ به مصاف منتخب جهان برود. این مسابقات در دو گروه سه‌تیمی برگزار می‌شود و تیم‌های صدرنشین هرگروه مستقیما به بازی فینال و نیم‌های دوم هر گروه هم در دیدار رده‌بندی شرکت می‌کنند. واضح است که با توجه به تعداد تیم‌های شرکت‌کننده در این جام، نمی‌توان چندان عنوان جام جهانی را برازننده این رقابت یا رقابت‌های این‌چنینی دانست، ولی به‌هرروی، از آنجا که امتیازات کسب‌شده در این مسیر می‌تواند راه رسیدن به المپیک را هموار کند، شرکت‌کردن در آن بهتر از شرکت‌نکردن است.

احتمالا به همین خاطر است که تیم ملی ایران از مدت‌ها قبل تلاش داشت هرطور شده خودش را به آمریکا برساند تا در این جام حاضر باشد. هرچند اتفاقات جدیدی در این دوره از رقابت‌ها برای تیم ملی رقم خورده که نمی‌توان به‌سادگی از کنار آن عبور کرد. اولین و شاید مهم‌ترین اتفاق در این زمینه، مربوط به داسدن صدور ویزا برای تیم ملی کشتی آزاد ایران است. درحالی‌که به نظر می‌رسد با توجه به رسمی‌بودن این مسابقه و البته اعلام رسمی علیرضا دبیر، رئیس فدراسیون کشتی ایران مبنی بر عدم حضور در آمریکا، کار صدور ویزای کشتی‌گیران آمریکایی بدون دردسر صورت پذیرد، این موضوع چندان ساده به دست نیامد. گو اینکه سختی چندانی هم شکل نگرفت تا نهایتا عده‌ای از کشتی‌گیران یک شب زودتر از سه کشتی‌گیر باقی‌مانده‌ای که ویزایشان صادر نشده بود، راهی آمریکا شوند. مشکل سسه نفر باقی‌مانده هم در ادامه حل شد تا ایران با ترکیب کاملی از کشتی‌گیرانش راهی آمریکا شود. به نظر می‌رسد در این بین، عدم درخواست ویزا برای علیرضا دبیر در میسرشدن امور نقش داشته است. ایران قرار بود سال گذشته برای دیداری دوسه‌تانه با آمریکا راهی این کشور شود که اظهارات ضدآمریکایی علیرضا دبیر باعث شد تا برای او و چند نفر دیگر از اعضای تیم ملی کشتی ایران ویزا صادر نشود. دبیر هم درنهایت با اعلام اینکه چون برای خودش و چند نفر دیگر ویزا صادر نشده، حاضر نشد تیم کشتی آزاد را به آمریکا بفرستد. امسال ولی شرایط متفاوت بود و او از یکی، دو ماه قبل اعلام کرد قصد سفر به آمریکا و اقدام برای درخواست ویزا را ندارد تا مشکلی جدی سر راه کشتی‌گیران قرار نگیرد.

غیبت بحث‌برانگیز حسن یزدانی

اعضای تیم ملی کشتی آزاد که از چند روز قبل راهی آمریکا شده‌اند، یکی، دو غایب نام‌آشنا دارند؛ اولی، حسن یزدانی است و دیگری امیرحسین زارع. درباره حسن یزدانی حرف و حدیث زیاد است. بسیاری می‌گویند اظهارات پدر حسن یزدانی علیه علیرضا دبیر باعث شده تا رئیس فدراسیون قید حضور این



کشتی‌گیر را در این رقابت‌ها بزند. البته منطق چندانی پشت این ادعا وجود ندارد و به نظر می‌رسد برای خراب‌نشدن بیشتر روحیه حسن یزدانی، او به این مسابقات فرستاده نشده است. یزدانی شکست‌های متعددی برابر دیوید تیلور در رقابت‌های مختلف داشته که آخرین آنها یکی از سنگین‌ترینش بوده است. در نتیجه با توجه به فاصله کوتاه دو مسابقه، حسن یزدانی به این مسابقات فرستاده نشده تا تجدید قوا کند. البته آمریکایی‌ها هم وقتی متوجه شدند قرار نیست حسن یزدانی

واکنش کامران قاسمپور به سؤال خبرنگار صدای آمریکا

دو ملی‌پوش شاخص و عنوان‌دار کشتی ایران در جام جهانی آمریکا، بر عزم ملی‌پوشان ایران برای شادکردن دل مردم ایران با کسب عنوان قهرمانی تاکید کردند. به گزارش ایسنا، در نشست خبری رقابت‌های جام جهانی کشتی آزاد در آمریکا، خبرنگار صدای آمریکا درحالی درباره اتفاقات اخیر ایران از کامران قاسمپور سؤال کرد که اتحادیه جهانی کشتی مطرح‌کردن مسائل سیاسی در نشست خبری را ممنوع کرده بود.
باین‌حال کامران قاسمپور درباره سؤال مطرح‌شده گفت: این موضوعات در هر کشوری پیش می‌آید و در کشور ما هم یک‌سری مسائل پیش آمده است. وظیفه ما ورزشکاران ورزش‌کردن است، ما اگر اینجاییم نماینده مردم ایران هستیم و برای این اینجا آمده‌ایم که برای لحظه‌ای دل مردم را شاد کنیم.
دارنده دو مدال طلای جهان افزود: ما هم از جنس مردم هستیم و جزء میلیون‌ها ایرانی حساب می‌شویم. اگر خوبی و خوشی یا بدی و اتفاقی هست، برای کل مردم ایران است. ان‌شاءالله که همه

عراق و زاین شد و در جام جهانی هم که اصلا موفق نشد ایران را به دور دوم برساند. او در همین جام جهانی قطر هم به این دلیل انتخاب شد تا ایران را در گروهی سیاسی با کسب نتایجی آبرومند راهی مرحله بعدی کند؛ ولسی هیچ‌کدام از این موارد حاصل نشد. شکست تلخ برابر انگلیس و آمریکا از یک‌سو و صعودنکردن مجدد با ایران به دور دوم، به کارنامه عجیب کی‌روش با فوتبال ایران، در این جام پایان داد. حال اگر جملات به‌ظاهر قشنگ این سرمربی در کنفرانس‌های خبری باعث دلبری‌کردن از دولتمردان شده، به حدی که آنها چشم را به روی واقعیت‌ها بسته، این موضوع دیگر بحثی تازه و نوین است که کارایی، اثر و اقتدار نداشته فدراسیون فوتبال را زیر سؤال می‌برد. اگر هم که تصمیم برعهده فدراسیون فوتبال گذاشته شده، بعید است حتی فردی که یک سال بر صندلی مدیریت نشسته باشد، تردیدی در قطع همکاری با کارلوس کی‌روش به خودش راه دهد.

نگاه ما به المپیک است و دیگر رقابت‌ها را در در اولویت بعدی قرار داده‌ایم. در تیم چند آزادکار جوان حضور دارد و به دنبال پشتوانه‌سازی برای آینده کشتی ایران هستیم. در ضمن یزدانی زارع در جام تختی کشتی خواهند گرفت».
جام جهانی همان‌طور که در بالا عنوان شد، چندان درجه معتبری ندارد، ولی در کنار این موضوع، غیبت چندین ستاره ازجمله زارع، یزدانی و تیلور، ممکن است روی کیفیت آن نیز تأثیرگذار باشد.

جام جهانی کشتی آزاد: چطور شکل گرفت؟

سنگ‌بنای جام جهانی کشتی آزاد درحالی از سال ۱۹۷۳ و با پیشنهاد آمریکایی‌ها و موافقت اتحادیه جهانی کشتی (فیایا سابق) در شهر تولیدو آمریکا گذاشته شد که مسابقات هرساله به‌طور منظم برگزار شد اما این رقابت‌ها در سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ به دلیل شیوع کرونا برگزار نشد تا امسال بعد از وقفه‌ای دوساله میزبانی به شهر آیووا برسد. در تاریخ ۴۸‌ساله برگزاری جام جهانی کشتی آزاد، بیشترین میزبانی مسابقات به نام آمریکایی‌ها ثبت شده و آنها که بنیان‌گذار این مسابقات هستند، رکورد ۳۱ میزبانی را در کارنامه دارند. شهرهای تولیدو (۱۷ میزبانی)، چاتانوکا (دو میزبانی)، استیل‌واتر (دو میزبانی)، اسپوکن (دو میزبانی)، فیرفاکس (یک میزبانی)، اسپوکن (یک میزبانی)، بالتیمور (یک میزبانی)، بویزی (یک میزبانی)، لس آنجلس (سه میزبانی) و آیووا (دو میزبانی)، میزبانان این رقابت بوده‌اند و در این بین، شهر تولیدو در ایالت اوهایو یکی از شهرهای کشتی‌خیز آمریکاست و بیشترین آمار میزبانی را به خود اختصاص داده است.

مشخص است که چنین جامی برای ارتقای سطح فنی کشتی‌گیران آمریکایی بنا نهاده شده و بیشتر قهرمانی‌ها در همین مسیر هم به کشتی‌گیران این کشور تعلق گرفته است. درحال حاضر که قرار است چهل‌وهشتمین دوره این رقابت‌ها برگزار شود، آمریکا و ایران فرصت این را دارند که بتوانند یک بار دیگر در فینال حاضر شوند.
درواقع با توجه به غیبت اجباری روسیه در این تورنمنت، بیشترین بخت قهرمانی به ایران و آمریکا تعلق می‌گیرد. اگر بی‌خیال شوری سابق شویم، آمریکا روسیه و ایران در زمره پرافتخارترین تیم‌های جام جهانی کشتی آزاد هستند. ۱۵ قهرمانی به نام اتحاد جماهیر شوروی سابق ثبت شده و ۱۴ بار آمریکایی‌ها روی سکوی قهرمانی مسابقات ایستاده‌اند. پس از این دو، روسیه، ایران، جمهوری آذربایجان و کوبا به ترتیب هشت، هفت، دو و یک بار مقام قهرمانی در این مسابقه‌ها را به نام خود سند زده‌اند. به‌این‌ترتیب، ایران دست‌کم این فرصت را دارد تا در صورت کسب قهرمانی، در تعداد افتخارات در این زمینه به روسیه برسد و برای هشتمین بار جام را بالای سر ببرد.
ضمن اینکه در این دوره از رقابت‌ها تیم‌های آمریکا، ایران، ژاپن، گرجستان، مغولستان و منتخب جهان در دو گروه سه‌تیمی به رقابت می‌پردازند. ایران در گروه B با تیم‌های ژاپن و منتخب جهان هم‌گروه است و تیم‌های آمریکا، مغولستان و گرجستان نیز در گروه دیگر این مسابقات قرار دارند.

اخبار برگزیده

هفتمین دربی بدون تماشاگر آیا باز هم تساوی در راه است؟

دربی رفت لیک ۲۲ بدون تماشاگر برگزار خواهد شد. به گزارش فوتبال ۳۶۰، با اعلام سازمان لیگ دربی رفت لیک بیست‌ودوم در استادیوم خالی از تماشاگر برگزار خواهد شد. این در حالی است که با توجه به حضور بانوان در ورزشگاه‌ها در ابتدای فصل به نظر می‌رسید برای نخستین‌بار پس از انقلاب، جدال سنتی فوتبال ایران با حضور تماشاگران خانم انجام شود. دربی که به‌صورت معمول پرتماشاگرترین بازی فصل فوتبال ایران محسوب می‌شود، بازهم از نعمت حضور هواداران بی‌بهره است. این دربی که بر اساس آمار صدمین دربی خواهد بود برای هفتمین بار بدون تماشاگر است.

۵تساوی در دربی

دربی بدون تماشاگر برای نخستین بار در سال ۷۳ اتفاق افتاد. پس از حوادث جنجالی که در دربی رفت آن سال رخ داد، تصمیم بر آن شد که بازی برگشت در شهر بندرعباس و بدون تماشاگر برگزار شود. این دیدار کم افت و خیز که در غیاب چند مهره کلیدی دو تیم انجام شد، با تساوی بدون گل به پایان رسید. پس از آن همه دربی‌ها با حضور پرشور تماشاگران بود و در بسیاری از شهرآوردها ساعت‌ها قبل از آغاز بازی ظرفیت ورزشگاه تکمیل می‌شد. در اواسط لیگ نوزدهم و با شیوع ویروس کرونا، بازی‌های لیگ بدون تماشاگر برگزار شد. دربی برگشت دو تیم آخرین دیداری بود که در ورزشگاه آزادی با حضور تماشاگر برگزار شد و پس از آن مدت‌ها خبری از حضور هواداران در ورزشگاه نبود.

در همان فصل، اولین دربی دوران کرونا در جام حذفی برگزار شد و پرسپولیس و استقلال در جام حذفی به تساوی دست یافتند و استقلال در ضربات پنالتی به پیروزی رسید. در لیگ بیستم با توجه به وضعیت بیماری کرونا، استادیوم‌ها همچنان خالی باقی ماند و در دربی رفت در یک بازی جذاب دو تیم به تساوی ۲-۲ رسیدند و دربی برگشت با برتری پرسپولیس به پایان رسید و استقلال باز هم در جام حذفی در ضربات پنالتی بر حریف چیره شد. در لیگ بیست‌ویکم با توجه به کاهش چشمگیر آمار مبتلایان به کرونا به نظر می‌رسید هرچیزودت تماشاگران به استادیوم‌ها بازگردند ولی این اتفاق در دربی رفت که بدون گل تمام شد، نیفتاد تا اینکه در دربی برگشت که حساس‌ترین بازی فصل بود، طلسم بی‌تماشاگربودن دربی‌ها شکسته شود ولی این روند ادامه پیدا نکرد و با تصمیم مسئولان بازهم خبری از حضور سکوهای پُر نخواهد بود.

تأییدنشدن صلاحیت ۱۰کاندیدای ریاست فدراسیون جودو

دبیر فدراسیون جودو گفت: از مجموع ۱۳ کاندیدای ریاست فدراسیون جودو، سه نفر توسط کمیسیون تطبیق تأیید شدند. به گزارش سایت فدراسیون جودو، صدیقه کعبی‌زاده، دبیر مجمع انتخابات فدراسیون جودو، گفت: فرایند ثبت‌نام از داوطلبان ریاست فدراسیون جودو برابر مجوز وزارت ورزش و جوانان با فراخوان مورخ ۱۸ آبان آغاز و ثبت‌نام از متقاضیان از ۲۱ آبان به مدت ۱۰ روز کاری انجام شد و آرش میراسماعیلی، وحید زارع‌نژاد، محمد بلوطی، پیمان ترکاشوند، عباس سلگی، علی مؤیدی، محمدصادق تیرانداز، فرشاد نجفی‌پور، محمدعلی رستگار سرخه، محمدرضا عمادی، منصور عبدی، مجید زارعبان و سعید القاصی‌مهر جمعا ۱۳ نفر برای حضور در انتخابات ثبت‌نام کردند و در دوم آذر زمان ثبت‌نام به پایان رسید. دبیر فدراسیون جودو در ادامه افزود: در ادامه جلسه کمیسیون تطبیق براساس بندهای «الف» و «ب» ماده ۱۵ دستورالعمل شرایط اختصاصی نامزدهای دارای وثاقت و صلاحیت، خواسته ثبت‌نام و رای‌گیری برای داوطلبان پست‌های هیئت‌رئیس و فدراسیون‌های ورزشی در تاریخ ۱۴ آذر سال ۱۴۰۰ در محضرت اداره کل امور مشترک فدراسیون‌های ورزشی و سایر اعضای کمیسیون به‌منظور بررسی مدارک کاندیدهای احراز راست فدراسیون جودو، تشکیل و پس از بررسی دقیق مدارک متقاضیان از بین ۱۳ نفر داوطلب، آرش میراسماعیلی، وحید زارع‌نژاد و محمد بلوطی مورد تأیید قرار گرفتند. کعبی‌زاده در پایان خاطرنشان کرد: با این حساب از روز ۱۹ آذر ۱۴۰۱ ابلاغیه کتبی به سایر داوطلبان، برای اطلاع از نتیجه کمیسیون تحویل خواهد شد و حق اعتراض برای داوطلبانی که مورد تأیید هستند، محفوظ است.

جزئیات درگیری مسی با وگهورست

یک روزنامه‌نگار مدعی شده که درگیری بین مسی و وگهورست در پی یک سوءتفاهم به وجود آمده است. به گزارش ایسنا، تیم ملی فوتبال آرژانتین در چارچوب مرحله یک‌چهارم نهایی جام جهانی ۲۰۲۲ قطر در دیداری جنجالی توانست هلند را در ضربات پنالتی حذف کند و به نیمه‌نهایی این رقابت‌ها برسد. درگیری‌ها در این دیدار، پس از پایان بازی هم ادامه داشت و مسی زمانی که وگهورست را در جریان مصاحبه تصویری‌اش دید، خطاب به زننده دو گل هلند گفت: «به چه چیزی نگاه می‌کنی احمق؟ برو آن طرف». واکنش مسی در حالی رخ داد که به‌ندرت چنین رفتاری از این فوق‌ستاره آرژانتینی دیده شده بود. اما درگیری وگهورست و آرژانتینی‌ها به همین‌جا ختم نشد و به داخل تونل هم کشیده شد. Ole ویدئویی منتشر کرده که در آن، وگهورست با آگنور جر و بحث می‌کند درحالی‌که آگنور و سعی می‌کند، شرایط را آرام کند. در ادامه لائوتارو مارتینز وارد ماجرا می‌شود تا با وگهورست درگیر شود اما دوباره آگنور در صحنه ظاهر می‌شود و سعی می‌کند لائوتارو را از آن مکان دور کند. باین‌حال وگهورست به سراغ مارتینز می‌رود و درگیری لفظی بین این دو بازیکن درمی‌گیرد. در همین حین، لیساندرو مارتینز بحث داخل تونل را با گفتن «بیا، ما تیم بهتری از هلند هستیم» پایان داد. ریکاردو روتزی، روزنامه‌نگاری که در جریان درگیری‌ها بوده درباره چگونگی وقوع این اتفاقات توضیح می‌دهد. گفته می‌شود که وگهورست مورد درخواست پیراهن مسی و دست‌دادن با او به سمت ستاره آرژانتینی می‌رود اما مسی تصور می‌کند که مهاجم هلند قصد حمله‌کردن به او را دارد که این اتفاق منجر به شروع درگیری‌ها شد. وگهورست پس از رفتار عجیب مسی، در مسیر بازگشت به رختکن از کنار فوق‌ستاره آرژانتینی عبور کرده و گفته: «آن مرد احق در تاریخ خواهد ماند».

اعلام وضعیت قرمز در بیمارستان‌ها

حبیب احسنی‌پور، بیمارستان‌های کشور در چند هفته اخیر با کمبود تجهیزات و ملزومات پزشکی مصرفی مواجه شده‌اند و به نظر می‌رسد اگر مسئولان وزارت بهداشت و سازمان غذا و دارو دیر بجنبند، تجهیزات پزشکی هم به سرزنشت کمبود دارو دچار خواهند شد. اظهارات و مصاحبه‌های رؤسای انجمن‌های پزشکی و گزارش‌های میدانی از سطح بیمارستان‌های کشور، از بروز کمبود در تأمین تجهیزات پزشکی مصرفی حکایت دارد. این درحالی است که وزارت بهداشت همچنان درگیر رفع کمبودهای دارویی است و اوضاع هنوز عادی نشده است. ازاین‌رو وزیر بهداشت نباید نسبت به تأمین کمبود اقلام پزشکی مصرفی در بیمارستان‌ها بی‌اعتنا باشد؛ زیرا اگر امروز به فکر رفع کمبودها نباشد، فردا دیر خواهد بود و احتمال دارد که بحران کمبود دارو در حوزه تجهیزات پزشکی هم تکرار شود. اما سوآلی که

وزیر بهداشت و رئیس سازمان غذا و دارو باید برای آن پاسخ قانع کننده‌ای داشته باشند، این است که تضاد منافع در حوزه تجهیزات پزشکی، تا چه اندازه به کمبودها دامن زده است. اساسا گفته می‌شود بوروکراسی حاکم بر اداره کل تجهیزات پزشکی سازمان غذا و دارو، نقش اساسی در بروز کمبودها دارد؛ زیرا خیلی از تولیدکنندگان و تأمین‌کنندگان تجهیزات پزشکی، از تبعیض‌ها در روند صدور مجوزها و حمایت‌ها، گلایه دارند و معتقدند سیاست‌های حاکم بر اداره کل تجهیزات پزشکی نیازمند اصلاحات اساسی است. آقای وزیر! تا دیر نشده بجنبید و اجازه ندهید بیماران به خاطر نبود ملزومات پزشکی در بیمارستان‌ها، دچار ترس و دلهره شوند. سلامت مردم شوخی‌بردار نیست و نمی‌توان نسبت به آن بی‌اعتنا بود؛ زیرا سلامت اگر از کف برود، به‌سختی باز خواهد گشت و شاید هرگز بازنگردد؛ بنابراین بهتر

سیاه‌نمایی یا تلنگر؟

دفاع از اتوبوس خوابی برای دیده‌نشدن خبریخ‌زدگی در خیابان



سمیه جاهدعائیان: تمام طول شب نزدیک درهای بسته مترو محاله شده و کارتن سیاه و کثیفی همراه با پتوی چرک آلودی زیر و رویش را پوشانده بود. ساعت‌های طاقت‌فرسای نیمه‌شب را به امید شروع‌شدن ساعت کاری مترو سپری کرده است. درست مثل تشنه‌ای که سراب دیده، نسیم گرمای ایستگاه بازشده مترو را روی پوست زخمش حس کرده. توانسته لحظاتی هرچند کوتاه چشم بر هم بگذارد و حتی احساس کند که شب و زمان استراحت رسیده است. سراغش می‌روم که هم‌کلامش شوم، بالای سرش می‌ایستم. خواب است. دهان بی‌دندان‌ش پف و از باد خالی می‌شود. نزدیکش که می‌شوم چشم‌هایش را سریع باز می‌کند. انگار می‌ترسد. وقتی زنی را بالای سرش می‌بیند می‌خندد... آرام و بی‌جان از روی زمین و سنگ سرد بلند می‌شود. کسی چه می‌داند شاید یاد مادر، همسر، خواهر یا حتی دخترش افتاده است. یا حتی برای لحظه‌ای او را به یاد آنها انداخته باشم. حال و احوالش را می‌پرسم که می‌گوید: «خانم چه شده که حال یک‌لابیایی مثل من را می‌پرسید؟» می‌گویم:

« خبرنگارم»

می‌خندد که دیگر بدتر. مگر خبرنگارها سراغ کارتن‌خواب‌ها هم می‌آیند؟

♦ **از چه ساعتی داخل مترو آمدین، می‌گذاردن اینجا بخوابید؟**

«فکر کنم حوالی ساعت شش صبح بود. ساعت دقیق را که نمی‌دانم. چون همین ساعت‌ها مترو باز می‌شود. خداوکیلی ما را بی‌جا و مکان نکتی. بعد از پارک و خیابان تنها ایمن‌دمان اینجااست. اینجا تنها جای امن من است که مسافران همیشه تشر می‌زنند یا مأموران را خبر می‌کنند. بارها هم مأمور مترو بیرونم کرده اما من دوباره برگشتم تا شاید چند دقیقه بخوابم. مدتی است که مأمور مترو هم سراغم نمی‌آید. فکر کنم بی‌خیال شده یا دلش به حالم سوخته است. (می‌خندد) حالا که مأمور مترو نمی‌آید، خبرنگار آمده است... اینجا انزده‌های تاکسی و دستفروش‌ان آن‌قدر برای مسافر و فروش بیشتر داد می‌زنند که خواب را زهرمارم می‌کنند...! یک نفر دیگر هم تا چند شب پیش همین‌جا می‌آمد و یک ساعتی از خواب بیهوش می‌شد اما نمی‌دانم چرا دیگر نیامد...». به او اطمینان می‌دمم که خطری برایش ندارم، تا اینکه از هزاران مشکل و درد حرف می‌زنند. از اعتیادی می‌گوید که وقتی دچارش شد، دار و نِدار و زندگی‌اش را هم دود کرد. از زنی می‌گوید که وقتی زندان بود، غیابی طلاق گرفت و حالا هیچ خبری از او ندارد، دلش نمی‌خواهد

از ادامه انتشار روزنامه «جهان صنعت» جلوگیری شد

شرق؛ فعالیت روزنامه «جهان صنعت» پس از انتشار سه شماره از زمان رفع توقیف موقت، مجددا متوقف شد. بنا بر گزارش رسانه‌ها، این توقف فعالیت بابت «عدول سرپرست مجتمع قضائی شهید بهشتی از موافقت» و «اظهارنظر ریاست محاکم عمومی و انقلاب تهران مبنی بر مخالفت با اجرای دستور موقت» بوده است. ماجرا از این قرار است که ۳۰ آبان گذشته، روزنامه «جهان صنعت» از سوی هیئت نظارت به دلیل «تخطی از مصوبه شورای عالی امنیت ملی و عدم رعایت حدود مطبوعات» توقیف شد. این در حالی است که برخی از حقوق‌دان‌ها معتقدند به این تصمیم هیئت نظارت، اشکال و ایراد وارد است.

کامیاز نوروزی، حقوق‌دان و روزنامه‌نگار، در این زمینه به «شرق» گفته: «تصمیم هیئت نظارت درباره روزنامه «جهان صنعت» جای نقد حقوقی دارد. تصور نمی‌کنم این روزنامه شایسته توقیف بوده باشد. مطلبی هم که هیئت نظارت بر مطبوعات برای توقیف این روزنامه به آن استناد کرده، دلالت بر نشر اکاذیب نداشته است». ۱۵ آذر و پس از ارائه دادخواست مدیرمسئول این روزنامه به شعبه رسیدگی‌کننده، قاضی شعبه ۲۴ دادگاه عمومی مجتمع قضائی شهید بهشتی اجازه انتشار موقت «جهان صنعت» تا زمان رسیدگی در دادگاه را صادر کرد. این دستور قضائی که باید پس از تأیید سرپرست مجتمع قضائی شهید بهشتی ابلاغ می‌شد، روند قانونی خود را طی کرد و در نهایت منجر به بازگشایی دوباره تحریریه روزنامه «جهان صنعت» شد.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کرمان هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۰۹۷۱۹۰۷۸۰۰۳۱۹۰۱۶۰۱۴۰ هیات دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه دو کرمان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی **آقای علی نورالدینی** به شناسنامه شماره ۳۵۴ کدملی ۱۴۸۳۰۹۷۱۶۰۳۰ صادره زرد فرزند اکبر در شش‌دانگ یکباب خانه مشتمل بر طبقات فوقانی به مساحت ۲۰۰ مترمربع که موازی ۲۷ متر مربع از عرصه شش‌دانگ آن متعلق بوقف است و اداره مالک متن می باشد. پلاک شماره۹۳۸۲۶۶ فرعی از ۱۷۸۳ اصلی واقع در بخش۳ حوزه ثبت ملک منطقه دو کرمان آدرس کرمان بلوار جهاد خیابان صبا حد فاصل کوچه۴۵۴ خریداری از مالک رسمی آقای سید حسین طباطبائی مرز گریدیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به مدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراج قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذكور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف ۱۴۲۲۹۵۹

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱/۰۹/۲۰

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱/۱۰/۰۵

محمودمهدی زاده

ریس ثبت اسناد و املاک منطقه ۲کرمان

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کرمان هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۰۹۶۵۸۰۰۳۱۹۰۷۸۰۰۱۶۰۱۴۰ هیات دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه دو کرمان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی **آقای نوروز ذوالعلی** به شناسنامه شماره ۷۹ کدملی ۳۱۷۹۰۵۷۰۶۰۳۱۷۱۶۰۳۱ صادره بردسیر فرزند میرزا در شش‌دانگ یکباب خانه ومغازه (کاربری عرصه مسکونی) به مساحت ۱۰۷۲ مترمربع پلاک شماره ۳۰۹۷ فرعی از ۲۹۴۲ اصلی واقع در بخش ۳ حوزه ثبت ملک منطقه دو کرمان ادرس کرمان خیابان گل‌دشت روبروی دانشگاه سوره کوچه ۴۴ سمت چپ روبروی تعمیر گاه پژو خریداری از مالک رسمی آقای عبدالمعید هدایت مرز گریدیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به مدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراج قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذكور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف ۱۴۲۲۹۰۷۰۱۴۲۲۹۳۶

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱/۰۹/۲۰

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱/۱۰/۰۵

محمودمهدی زاده

ریس ثبت اسناد و املاک منطقه ۲کرمان

است به فکر پیشگیری باشیم تا دچار بحران نشویم. کمبود تجهیزات و ملزومات پزشکی مصرفی، کم از دارو ندارد؛ زیرا همان‌قدر که یک قلم دارو می‌تواند جان بیماری را نجات دهد، یک قلم تجهیزات پزشکی هم می‌تواند نجات‌دهنده بیمار بستری در بیمارستان باشد. کمبود اقلام پزشکی مصرفی در حوزه قلب و عروق، مغز، ارتوپدی، چشم و... منجر به تهدید جان بیمار خواهد شد. این در حالی است که تولیدکنندگان و تأمین‌کنندگان این قبیل کالاهای پزشکی، در دسترس هستند و هیچ مشکلی برای تأمین نیاز بیمارستان‌ها ندارند؛ اما برخوردهای تبعیض‌آمیز با آنها، شرایط را قدری سخت و دشوار کرده است. رئیس سازمان غذا و دارو! تولیدکنندگان و تأمین‌کنندگان تجهیزات پزشکی در کشور، نیاز به حمایت دارند تا با دلگرمی بیشتری پای کار باشند. این افراد نسبت به سیاست‌های حاکم بر اداره کل



می‌شود؛ یک سال از گورخوابی گفته و تصاویرشان رسانه‌ای می‌شود، سال دیگری زیر پل خوابی، ماشین خوابی، اتوبوس خوابی، کانال‌خوابی و... به روایت‌هایی تلخ برای فصول سرد سال اضافه می‌شوند. حالا هم ممکن است پدیده دیگری از کارتن‌خوابی در تهران یا شهرهای دیگری آغاز شده باشد که هنوز در رسانه‌ها و میان افکار عمومی در فضای مجازی افشا نشده باشد. یادمان هست که زمزمه استفاده از حسینه‌ها، صحن و شبستان مساجد برای افراد بی‌خانمان و کارتن‌خواب یکی از راهکارهای مطرح‌شده بعد از افشای وجود بی‌آرتی خوابی در تهران بود که چوب مخالفت و انتقاد روی آن زده شد. به‌جز مصلایی در اصفهان،

درهای دیگری از این اماکن در تهران و شهرهای دیگر به روی افراد فقیر، بی‌خانمان و کارتن‌خواب باز نشد و پرونده نیمه‌گشوده آن خیلی زود در تمام شهرها مسکوت ماند. همچنان وضعیت اسکان موقت افراد بی‌خانمان در استان‌های دیگر نامشخص است و برنامه‌های پایتخت به دلیل اعمال فشار رسانه‌ها در این حوزه تا حدودی شفافتر است، اگرچه هنوز بی‌خانمان‌ها یا افراد دارای اعتیادی هستند که شب‌های سرد را در خیابان سپری می‌کنند و نمی‌خواهند به مراکز ماده ۱۶ و

نخستین شماره این روزنامه پس از ابلاغ دستور مذکور، روز ۱۶ آذر منتشر شد. اما پس از گذشت سه شماره، فعالیت این روزنامه دوباره متوقف شد. **ناکهان مخالفت!** عصر چهارشنبه یعنی پس از انتشار نخستین شماره «جهان صنعت» پس از توقیف، قاضی شعبه ۲۴ مجتمع قضائی شهید بهشتی در نامه‌ای با موضوع «استعلام» به دبیر هیئت نظارت بر مطبوعات از تغییر تصمیم در صدور دستور موقت خبر داد. در این نامه آمده که با توجه به «عدول سرپرست مجتمع از موافقت اجرای دستور موقت» و همچنین «اظهارنظر ریاست محاکم عمومی و انقلاب تهران مبنی بر مخالفت با اجرای دستور موقت» از «اجرای دستور موقت خودداری» شده و «فعالیت روزنامه جهان صنعت تابع نظر هیئت مطبوعات خواهد بود».

این نامه در ساعات پایانی اداری روز چهارشنبه به هیئت نظارت رفت و این هیئت نیز روز شنبه ۱۹ آذر در ابلاغیه‌ای به «جهان صنعت» دستور به عدم انتشار روزنامه داد: «با توجه به نامه قاضی شعبه ۲۴ دادگاه عمومی و حقوقی تهران از اجرای دستور موقت و انتشار روزنامه خودداری کنید». کامیاز نوروزی با اشاره به دستور رفع توقیف موقت این روزنامه و توقف اجرای دستور برای انتشار تا زمان دادگاه، گفت: «قاضی محترم برای این روزنامه دستور موقت داده بود که تا زمان دادگاه منتشر نشود، اما در کمال تعجب این دستور «رفع

اثر» شد و مجددا از انتشار «جهان صنعت» ممانعت به عمل آمد».

اعمال این نوع فشارها از لحاظ حقوقی ایراد دارد

نوروزی با بیان اینکه «در شرایطی که وضعیت رسانه‌ای ضعیف شده و مرجعیت رسانه‌ای از کشور خارج شده و همین‌طور فضای مجازی و رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور نقش مهمی در گردش اطلاعات دارند»، تأکید کرد: «این رفتارها و جلوگیری از فعالیت یک رسانه حرفه‌ای، وضعیت فعلی را ضعیف‌تر می‌کند. الان در وضعیت خاصی قرار داریم و در این شرایط، جلوگیری از انتشار رسانه‌های حرفه‌ای داخلی، برای گردش اطلاعات در جامعه مسئله خوبی نیست». او افزود: «اعمال این نوع فشارها از لحاظ حقوقی ایراد دارد و از لحاظ مصلحت رسانه‌ای کشور نیز به صلاح نیست».

این حقوق‌دان درباره تأثیر چنین رفتارهایی بر اهالی رسانه نیز گفت: «سال‌هاست نشریات در ایران ثبت ندارند و در خوف و رجا به سر می‌برند. درحالی‌که در سال‌های اخیر کمتر توقیف مطبوعات را داشته‌ایم، اما هر توقیفی که می‌شود، نگرانی‌ها و ناامنی در فضای مطبوعاتی افزایش پیدا می‌کند که برای نشریات حرفه‌ای و مستقل مسئله خوبی نیست».

ادعای توقیف مجدد روزنامه «جهان صنعت» کذب محض است

در همین حال یک مقام آگاه در هیئت نظارت بر مطبوعات ادعای برخی رسانه‌ها

تجهیزات پزشکی، گلایه دارند و معتقدند باید از نظرات و دیدگاه‌های آنها در سیاست‌گذاری‌های حوزه تجهیزات پزشکی بهره‌مند شد؛ زیرا برای تعیین سیاست‌ها و خط‌مشی امور، باید از اندیشه‌های افراد مجرب و متخصص حوزه تجهیزات پزشکی استفاده کرد. رئیس

سازمان غذا و دارو نباید اجازه دهد شبانه‌های تضاد منافع، حوزه تجهیزات پزشکی را تحت‌الشعاع قرار دهد؛ زیرا شنیده می‌شود که مافیا در این حوزه نیز جولان می‌دهد و همین موضوع، چالش اصلی سازمان غذا و دارو در حوزه تجهیزات پزشکی است. صدای کمبود تجهیزات و ملزومات پزشکی مصرفی در بیمارستان‌ها به گوش می‌رسد. درواقع، اعلام وضعیت قرمز در حوزه تجهیزات پزشکی، باید مدیران وزارت بهداشت و سازمان غذا و دارو را هوشیار کند تا اتفاق کمبودهای دارویی در حوزه تجهیزات پزشکی تکرار نشود.

پیش‌بینی می‌شود. امروز در نیمه شمالی به‌ویژه ارتفاعات شمال شرق استان در بعضی ساعات بارش پراکنده باران و برف همچنین روز سه‌شنبه (۲۲ آذر) در نیمه شمالی به‌ویژه ارتفاعات بارش پراکنده برف پیش‌بینی می‌شود. تا روز دوشنبه (۲۱ آذر) شاهد تغییر محسوس دمای هوا نخواهیم بود و برای سه‌شنبه و چهارشنبه کاهش سه تا پنج درجه‌ای دما خواهیم داشت. براساس اعلام اداره کل هواشناسی استان تهران، ایستگاه فیروزکوه آلودگی-امین‌آباد با کمینه دمای ۱۰- درجه سانتیگراد سردترین نقطه استان تهران در ۲۴ ساعت گذشته گزارش شده است. آسمان شهر تهران امروز (۲۰ آذر) قسمتی ابری و غبارآلود با حداقل دمای چهار و حداکثر دمای ۱۰ درجه سانتیگراد و طی دوشنبه (۲۱ آذر) کمی ابری و غبارآلود به‌تدریج افزایش ابر و در بعدازظهر وزش باد ملایم با حداقل دمای چهار و حداکثر دمای ۱۰ درجه سانتیگراد پیش‌بینی می‌شود.

آلودگی هوا اورژانس را به ۳ میدان تهران کشاند

رئیس مرکز اورژانس تهران از استقرار نیروهای اورژانس در میادین پرتردد پایتخت در پی آلودگی هوا خبر داد.

به گزارش ایسنا یحیی صالح‌طبری، با اشاره به وضعیت آلودگی هوای پایتخت گفت: با توجه به میزان آلودگی هوا در شهر تهران، از امروز ناوگان مرکز اورژانس تهران در میادین اصلی شهر مستقر شد.

وی درباره اینکه این آمبولانس‌ها در کدام مناطق و میادین مستقر شده‌اند، گفت: سه دستگاه اتوبوس آمبولانس اورژانس در میدان آزادی، میدان شهرری و میدان تجریش مستقر هستند. علاوه بر آن تمامی پایگاه‌های اورژانس نیز در آماده‌باش قرار دارند.

باین مواد غذایی از آسیب‌های آلودگی هوا در امان بمانید

رئیس مرکز اورژانس تهران به شهروندان توصیه‌هایی هم کرد و گفت: شهروندان در صورت احساس تنگی نفس، دوبینی، سردرد، سرگیجه، تهوع و... به عوامل اورژانس مراجعه کنند تا به مشکل آنها رسیدگی و اقدامات لازم انجام شود، همچنین در صورت نیاز به خدمات بیشتر، عوامل اورژانس شهروندان را به مراکز درمانی انتقال خواهند داد.

مینی بر توقیف مجدد روزنامه «جهان صنعت» از سوی هیئت نظارت بر مطبوعات یا معاونت امور مطبوعاتی را تکذیب کرده است. او افزود: «با توجه به اظهارنظر ریاست

محاکم عمومی و انقلاب تهران مبنی بر مخالفت با اجرای دستور موقت دادگاه شعبه ۲۴ مجتمع قضائی شهید بهشتی، این روزنامه همچنان توقیف است». مطابق آخرین ابلاغ مقام قضائی، دستور موقت صادرشده مبنی بر امکان فعالیت روزنامه جهان صنعت، کان لم یکن تلقی و خواسته شده از فعالیت مجدد آن رسانه خودداری شود.

این در حالی است که «توقیف مجدد» محل بحث نبوده و اساسا تغییر رأی دادگاه درباره دستور موقت محل سؤال است. در شرایطی که قاضی دادگاه «دستور موقت» صادر و سرپرست مجتمع قضائی هم آن را تأیید کرده است، مشخص نیست چگونه و بر چه اساسی و با چه منطق حقوقی‌ای، رئیس مجتمع قضائی شهید بهشتی از موافقت خود «عدول» کرده است. این سؤال پیش‌پای قوه قضائیه است که یک رسانه پس از دستور قضائی اقدام به فعالیت می‌کند، چگونه پس از گذشت ۲۴ ساعت نظرات تغییر می‌کند؟ چنین رفتاری نمی‌تواند در راستای گفت‌وگویی باشد که رئیس قوه قضائیه بر آن تأکید داشته و دارد. از سوی دیگر این‌گونه رفتارها باعث ایجاد ناامنی بیش از پیش در اهالی رسانه می‌شود، آن‌هم درحالی‌که مرجعیت رسانه‌ای در کشور، روز به روز ضعیف و ضعیف‌تر می‌شود.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کرمان هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۰۹۶۶۸۰۰۳۱۹۰۷۸۰۰۱۶۰۱۴۰ هیات دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه دو کرمان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی **آقای محمدرضا علی پورشهادی** به شناسنامه شماره ۲۳۳ کدملی ۳۱۷۹۹۲۹۵۶۷۰۳۱۷۱۶۰۳۱ صادره شهداد فرزند حسن در شش‌دانگ یکباب خانه مشتمل بر طبقه فوقانی به مساحت۱۴۶۴ مترمربع پلاک شماره ۴۴۱ فرعی از ۴۲۱۹ اصلی واقع در بخش۲ حوزه ثبت ملک منطقه دو کرمان ادرس کرمان خیابان سرباز کوچه ۳۴ خریداری از مالک رسمی آقای حبیب الله ثمره فیلسوفی مرز گریدیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به مدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراج قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذكور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف ۱۴۲۲۹۴۰

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱/۰۹/۲۰

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱/۱۰/۰۵

محمودمهدی زاده

ریس ثبت اسناد و املاک منطقه ۲کرمان

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کرمان هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۰۹۶۹۲۰۰۳۱۹۰۷۸۰۰۱۶۰۱۴۰ هیات دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه دو کرمان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی **آلهه بر خوردار پورانی** به شناسنامه شماره ۸۴ کدملی ۳۱۱۲۴۱۴۸۳۰۳۱۱۱۶۰۳۱ صادره بم فرزند عیاس در شش‌دانگ یکباب خانه مشتمل بر آپارتمان در حال ساخت به مساحت ۱۹۰۶ مترمربع پلاک شماره۹۶۰۹۶۰۴۵ فرعی از ۲۷۸۷ اصلی مقروز و مجزی شده از پلاک ۲۵۵۰۱ فرعی از اصلی مذکور واقع در بخش۳ حوزه ثبت ملک منطقه دو کرمان آدرس کرمان شهرک ایر انمنش خیابان ثار الله ۱۲ کوچه سوم سمت چپ خریداری از مالک رسمی خانم نیره بابیده مرز گریدیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به مدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراج قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذكور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف ۱۴۲۲۹۳۶

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱/۰۹/۲۰

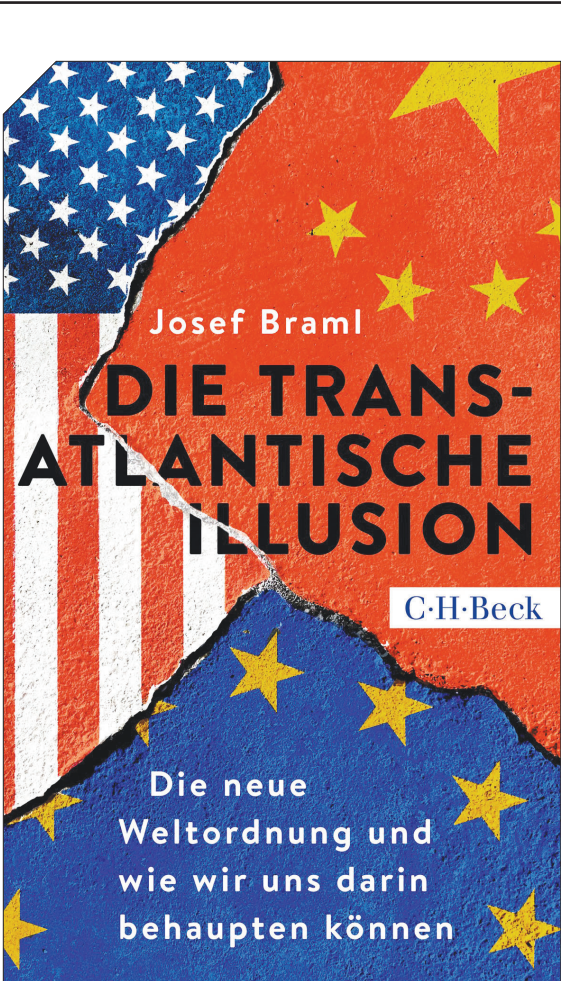
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱/۱۰/۰۵

محمودمهدی زاده

ریس ثبت اسناد و املاک منطقه ۲کرمان

مینی بر توقیف مجدد روزنامه «جهان صنعت» از سوی هیئت نظارت بر مطبوعات یا معاونت امور مطبوعاتی را تکذیب کرده است. او افزود: «با توجه به اظهارنظر ریاست

محاکم عمومی و انقلاب تهران مبنی بر مخالفت با اجرای دستور موقت دادگاه شعبه ۲۴ مجتمع قضائی شهید بهشتی، این روزنامه همچنان توقیف است». مطابق آخرین ابلاغ مقام قضائی، دستور موقت صادرشده مبنی بر امکان فعالیت روزنامه جهان صنعت، کان لم یکن تلقی و خواسته شده از فعالیت مجدد آن رسانه خودداری شود.



پیتر شوارتز، ترجمه گلناز منتظری

در ماه می گذشته، پارلمان آلمان با اکثریت آرا با تخصیص صد میلیارد یورو «بودجه ویژه برای نیروهای مسلح» موافقت کرد، که این خود بودجه تسلیحاتی این کشور را به یکباره سه‌برابر می‌کند. به گفته صدراعظم، اولاف شولتز، به این ترتیب «بوندس‌ور» [نیروهای مسلح آلمان] به «بزرگ‌ترین ارتش متعارف در سیستم اروپایی ناتو» بدل خواهد شد.

اما دلیل این تقویت توان تسلیحاتی چیست؟ در اظهارنظرهای رسمی، واکنش به جنگ اوکراین به عنوان دلیل مطرح می‌شود. توجیهی که شبانه‌روز از طریق تمام کانال‌های موجود منتشر می‌شود. این است که روسیه جنگ را به اروپا بازگردانده و آلمان و ناتو ناگزیرند که از «دموکراسی» و «ارزش‌های غرب» در برابر «نظام‌های استبدادی» همچون روسیه با ابزار نظامی دفاع کنند. اما این پروپاگانداست. جنگ اوکراین بهانه خوبی است اما دلیل تبدیل‌شدن دوباره آلمان به یک قدرت بزرگ نظامی پس از بیشتر از ۷۵ سال محدودیت تحمیلی نیست. طرح‌هایی از این دست مدت‌هاست که مورد بحث بوده و اکنون دوباره مورد توجه قرار گرفته‌اند. این واقعیت به‌طور خاص در کتاب «توهم فراآتلانتیک»، نوشته یوزف برمل، مشهود است، کتابی که نگارشش کمی پیش از حمله روسیه به اوکراین به اتمام

رسید و در اواسط مارچ توسط انتشارات سی‌اچ‌پک^۲ منتشر شد. برمل یک دانشمند سیاسی

شناخته‌شده و دارای ارتباط با مراکز تصمیم‌گیری] است. او از سال ۲۰۰۶ برای شورای روابط خارجی آلمان کار کرده و مدیر بخش قاره آمریکا در این مرکز بوده است. و همچنین در دو سال گذشته دبیرکل گروه آلمانی کمیسیون سه‌جانبه بوده است. وی پیش از این با مؤسسه امور بین‌الملل و امنیت آلمان و مؤسسه بروکینگز همکاری داشت و نیز به عنوان دستیار قانون‌گذاری در مجلس نمایندگان آمریکا فعالیت داشت. بنابراین او از جایگاه یک غیرخودی نمی‌نویسد. در رسانه‌ها کتاب برمل تنها مورد تمجید قرار گرفته است. به نوشته روزنامه زدویچه‌سایتونگ «توصیه‌های دوراندیشانه او برای نفوق کامل اروپا با توجه به جنگ اوکراین بیش از هر زمان دیگری موضوعیت دارد». و به نوشته روزنامه فرانکفورتر آلگماینه‌زایتونگ این کتاب «پیش‌بینی برنامه تقویت [دفاعی] صدمیلیاردی‌ای است که اکنون دولت ائتلافی اعلام کرده است».

روسیه در کتاب برمل تنها نقشه تائوی دارد. او با نگرانی خاطر نشان می‌کند که «بزرگ‌ترین کشور بر روی زمین از حیث مساحت… درعین حال صاحب بزرگ‌ترین ذخایر مواد خام جهان است». با این حال، از دیدگاهی اروپایی، هدف «همراه و آرام‌کردن روسیه بود و نه سوق دادن کامل آن به سمت چین». برای این منظور، او سیاستی را پیشنهاد می‌کند که «تغییر از طریق عادی‌سازی دیپلماتیک» را با «بازدارندگی نظامی قابل اطمینان» ترکیب می‌کند. برمل صراحتاً تصدیق می‌کند که ناتو روسیه را به سوی جنگ سوق داد. به گفته او پایتخت‌های غربی هم می‌دانستند که «ادامه توسعه ناتو به سمت شرق تا به امروز و احتمال عضویت گرجستان و اوکراین و نیز همکاری نظامی ایالات متحده و ناتو با کشورهای ایجادشده پس از فروپاشی شوروی، از سوی کرملین به عنوان تهدید تلقی می‌شود». او می‌نویسد «برعکس این وضعیت را فرض کنیم: اگر مرکزیک یک پیمان نظامی با چین می‌بستند آیا واشنگتن بازهم به آزادی انتخاب متحdan احترام می‌گذاشت؟». برمل نتیجه می‌گیرد که درحال‌حاضر اروپا به هیچ وجه در موقعیتی نیست که «سیاستی مستقل در رابطه با روسیه اتخاذ کند». او می‌گوید تنها واشنگتن می‌تواند تضمین‌هایی را ارائه کند که «برای کرملین مهم است». همچنین، او بعید نمی‌داند که در آینده آمریکا با روسیه متحد شود و در نتیجه اروپا را با مشکلات «کاملاً متفاوتی» مواجه کند.

چالش‌به‌نام آمریکا

برمل بزرگ‌ترین چالش پیش‌روی سیاست خارجی آلمان را نه در مسکو یا پکن بلکه در واشنگتن می‌بیند. در اصلی کتاب او این است که آلمان باید بار دیگر به طور مستقل منافع اقتصادی و ژئوپلیتیکی خود را دنبال کند – نه تنها در برابر روسیه و چین بلکه (و بیش از هر کشور دیگری) در برابر ایالات متحده. او می‌گوید: «اگر قرار است اتحادیه اروپا یک «بازنگر جهانی» باشد و نه بازیچه سایر قدرت‌ها، آلمان بیش از هر کشوری باید قاطعانه سیاست خارجی خود را در قبال آمریکا نیز اصلاح کند». منافع آلمان «همیشه یکسان یا سازگار با

بررسی کتاب «توهم فراآتلانتیک» نوشته یوزف برمل

دست خالی اروپا

چرا آلمان توان تسلیحاتی خود را تقویت می‌کند؟

منافع سایر کشورها نبوده، حتی با منافع قدرت ظاهرا حمایت‌گر، ایالات متحده». برمل (که هرگاه از اروپا نام می‌برد منظورش منافع آلمان است) معتقد است که آلمان و اروپا «دیگر نباید به این توهم فراآتلانتیک تن دهند که آمریکا، به عنوان «قدرت حمایت‌گر»، به تضمین امنیت و رفا اروپا کمک می‌کند. در غیر این صورت، امکان دارد که ناخواسته قربانی کنشکش جهانی میان قدرت رو به افول آمریکا و درحال ظهور چین شوند». به علاوه، «منافع راهبردی و اقتصادی متحdan اروپایی اکنون دیگر در بسیاری از زمینه‌ها با منافع آمریکا، به عنوان قدرت پیشرو، همخوانی ندارد». او می‌گوید، «اگر کار به تضادهای جدی منافع با قدرت اصلی غرب بکشد، دست اروپا از نظر استراتژیک کاملاً خالی است». و این واقعیت نگران‌کننده‌ای است که در جریان نقض یک جانبهٔ توافقی هسته‌ای با ایران توسط دولت ترامپ احساس شد.

کتاب تا چندین صفحه به این بحث می‌پردازد. به گفته برمل، در دوره ریاست‌جمهوری جو بایدن روابط میان اروپا و آمریکا تا حدی بهبود یافته اما «تحولات سیاسی داخلی آمریکا» می‌تواند ترامپ را به قدرت برگرداند. علاوه بر این، «دموکرات‌ها نیز بنا بر اقتضانات سیاست داخلی، سیاست «اول آمریکا»^۱ را د پیش گرفته‌اند». برمل همچنین با نگاهی به گذشته، سیاست خارجی آمریکا را به‌شدت مورد انتقاد قرار می‌دهد. او می‌نویسد واشگتن «برای پنهان‌کردن سیاست قدرت مبتنی بر منافع خود گرازا از ارزش‌های اصیل مایه گذاشته». به گفته او، این واقعیت در دهه‌های اخیر بیش از هرجا در خاورمیانه مشهود بوده است. «جنگ عراق در سال ۲۰۰۳ جنگی تجاوزکارانه و ناقض قوانین بین‌المللی بود». او می‌گوید آمریکا بارها و بارها دشمنانش را به دست خود ایجاد کرده و همان‌طورکه در مورد ایران اتفاق افتاد «متعاقباً مجبور شده هزینه زیادی را صرف مبارزه با آنها کند». برمل این‌گونه خلاصه می‌کند که «ایالات متحده در کسوت قدرت اخلاقی پیشرو [از این وضعیت] جان سالم به در نثر»د. «در دولت جرج دابلیو بوش، واشنگتن راه خود را کم کرد و تا به امروز هم آن را باز نیافته است». به دلیل دیگر نیز «واشنگتن درحال‌حاضر به‌عنوان ضامن نظم جهانی لیبرال، که آلمان و اروپا بدان وابسته‌اند، شکست خورده است». البته برمل به این اتهام که آمریکا نمی‌تواند در آینده «قدرت حمایت‌گر» اروپا باشد پسنده نمی‌کند. او واشنگتن را متهم می‌کند که سعی دارد مشکلات خود را با هزینه اروپایی‌ها حل کند. او ادامه می‌دهد که این بدان معنا نیست که «آمریکا از [عرصه سیاسی] جهان کنار خواهد کشید. برعکس، واشنگتن حتی بیشتر تلاش خواهد کرد که مناطق دارای اهمیت ژئواستراتژیک همچون اروپا، خاورمیانه و آسیا را با سیاست عمل‌گرایانه کنترل کند و این رویکرد خود را در پس ارزش‌های والا پنهان کند». بنابراین به گفته او، اروپا باید در موقعیتی قرار گیرد که «خود مشکلاتش را حل کند».

برمل معتقد است که با توجه به تشدید مناقشات با چین می‌توان حدس زد که «ایالات متحده بیش از پیش تلاش خواهد کرد تا وابستگی نظامی متحدانش را به حمایت از منافع ژئواکونومیک خود تبدیل کند». بنابراین آلمان و دیگر کشورهای اروپایی- «در آینده برای حفاظت از منافع اقتصادی، تجاری و پولی خود در برابر قدرت به اصطلاح حمایت‌گرشان، به

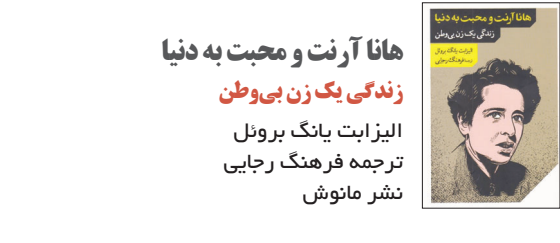
ویژه در رابطه با چین، با دشواری بیشتری مواجه خواهند بود». آمریکا «از هر وسیله‌ای برای مهار یا حتی عقب‌انداختن رشد چین استفاده خواهد کرد. این می‌تواند برای اروپا عواقب سختی داشته باشد، خصوصاً که اقتصاد ما با چین ارتباط تنگاتنگی دارد». در «رقابت فراگیر جدید بین چین و آمریکا» اروپا در معرض خطر تبدیل‌شدن به «بازنده اصلی» است، مگر اینکه «به‌سرعت بتواند برای دفاع از منافع خود دست به تصمیم‌گیری و اقدام زند». به عقیده برمل، اتحاد با آمریکا تا وقتی جذابیت داشت که آمریکا «بر حفظ یک نظم بین‌المللی لیبرال تمرکز داشت». «تجارت آزاد را تضمین می‌کرد» و «مراقب امنیت و ثبات بود»؛ به عبارت دیگر تا زمانی که اقتصاد آلمان در سایه ارتش آمریکا دسترسی بدون مانع به مواد خام، بازارهای فروش و فرصت‌های سرمایه‌گذاری جهانی داشت. اما به گفته او دیگر این‌طور نیست. «منافع استراتژیک و اقتصادی قدرت حاکم بر آمریکا و متحdan اروپایی‌اش دیگر در طیف وسیعی از زمینه‌ها با هم همخوانی ندارند». او صراحتاً هشدار می‌دهد که نباید بیش از این در این «توهم فراآتلانتیک غرق شد که ایالات متحده محاسن گذشته‌اش را باز خواهد یافت و همچنین از منافع اروپا محافظت خواهد کرد». او می‌گوید «عکس این تصور واقع‌گرایانه‌تر است». «اینکه آمریکا بتواند قدرت یا سلطه گذشته‌اش را باز یابد در دنیای چندقطبی امروز تنها در صورتی امکان‌پذیر است که دیگران، به‌ویژه اروپا، هزینه آن را بپردازند. رهبران آمریکا برای جلوگیری از فروپاشی قریب‌الوقوع و حفظ سلطه خود بر جهان هر کاری که در توان دارند خواهند کرد تا منافع خود را هرچه بی‌رحمانه‌تر به کرسی بنشانند و به دوست و دشمن تحمیل کنند».

تبدیل‌شدن به یک قدرت هسته‌ای

البته برمل تا آنجا پیش نمی‌رود که خواستار انحلال ناتو یا خروج از ائتلاف نظامی شود. او این کار را در شرایط فعلی «خودکشی سیاست امنیتی» می‌داند. او می‌گوید آنچه اهمیت دارد این است که «در مسیر توانمندسازی دفاعی اروپا، مستقل از ایالات متحده و با هدف بلندمدت اتحادی درباره‌بر، اقدام قدم بگذاریم». به گفته او آلمان باید- «روی اروپایی قوی و توانمند تمرکز کند»، از نظر اقتصادی و فناوری قوی‌تر شود و «یورو را به ابزار قدرت ژئواکونومیک» تبدیل کند. اما در سراسر کتاب واضح است که برمل در بلندمدت منتها کسست بلکه تعارض نظامی آشکار با ایالات متحده را اجتناب‌ناپذیر می‌داند. به همین دلیل اصرار دارد که آلمان نه‌تنها به بزرگ‌ترین قدرت نظامی اروپا بلکه به قدرتی هسته‌ای تبدیل شود. او طرفدار مشارکت آلمان در نیروی هسته‌ای فرانسه، موسوم به «فورس دُ فُرت» [نیروی ضریب] است. او در توجیه خواسته‌اش توضیح می‌دهد که بازدارندگی هسته‌ای فرانسه «نیز از همان ابتدا از جاه‌طلبی» این کشور برای «حفظ جایگاه خود به‌عنوان قدرتی بزرگ و رهاکردن خود از وابستگی نظامی- استراتژیک به ایالات متحده» نشئت گرفت. بر اساس قوانین بین‌المللی «برای آلمان این امکان کاملاً مهیاست که در ساخت تسلیحات هسته‌ای فرانسه به منظور مشارکت در سپر دفاعی این کشور سرمایه‌گذاری کند» و امانوئل مکررون رئیس‌جمهور فرانسه برای این همکاری تمایل نشان داده است. همچنین برمل بر اهمیت بالای «زنگیک‌ترین همکاری ممکن میان صنایع دفاعی [کشورهای اروپایی] تأکید دارد، خصوصاً سیستم فرانسوی- آلمانی طراحی‌شده موسوم به «سیستم نبرد هوایی آینده» که به‌واسطه آن «اروپایی‌ها نه‌تنها وابستگی نظامی، بلکه وابستگی تکنولوژیک خود به ایالات متحده را کاهش خواهند داد و اقتدار خود را به رخ خواهند کشید».

پی‌نوشت‌ها:

- Die Transatlantische Illusion
- Josef Braml
- C.H. Beck. از معتبرترین شرکت‌های انتشاراتی آلمان که در سال ۱۷۶۳ تأسیس شده است.
- کمیسیون سه‌جانبه یک سازمان بین‌المللی غیردولتی است که در جولای ۱۹۷۳ توسط دیوید راکفلر، بانکدار آمریکایی، با هدف تقویت همکاری‌ها میان اروپای غربی، آمریکای شمالی و ژاپن تأسیس شد.
- "America First" policy



در دو حوزه مورد بررسی قرار داد: یکی «حیات فعالیت» که در کتابی با همین عنوان در زبان آلمانی و با عنوان مشهورتر وضع بشر در دیگر زبان‌ها نشر داد و دیگری «حیات ذهن» که در کتابی با همین عنوان مورد بحث قرار داد. آرنست در این دو کتاب مرتب از تمایزات ظریف در زندگی آدمی صحبت می‌کند. در وضع بشر، از تمایز کلان میان سه فعالیت «رحمت کار و عمل» یاد می‌کند که برای برخورداری از یک زندگی بازگیرانه و کنشگرانه لازم هستند، مشروط بر اینکه حد و حدود و محله‌های اشتراک و نزاع میان آنها دریافت شود. برای این کار فهم ظرافت‌های تمایز در سه‌گانه‌های دیگر مانند «امر خصوصی، امر جمعی و امر همگانی» یا «خانوار، جامعه و سامان جمعی»، یا عرصه‌های «خصوصی، گروهی و عمومی» باید درک شود. کتاب حیات ذهن که بر اهتمام اندیشه‌پورزانه آدمی تمرکز است نیز از سه‌گانه عمده «تفکر، اراده و داوری» بحث می‌کند که هرکدام به جای خود با تمایزات سه‌گانه دیگر توضیح داده می‌شود. به طور نمونه باید از تمایز میان «تفکر، تعمق و تدبر» یا میان «مشاهده‌گری، ذهن‌پاز و بی‌طرفی» آگاه بود.

ابتدال‌شر

وقتی هانا آرنست به‌شدت مشغول تعمق در «حیات تلاش» بود، حتی اگر از درگیری‌اش در جنبش مدنی سایه‌پوستان آمریکا با فعالیت ضد جنگ ویتنام حرفی نزنیم، «برونده آیشمن» مطرح شد. آدولف آیشمن (۱۹۶۲-۱۹۰۶) افسر نازی و از بازیگران اصلی درگیر در طرح نازی به‌عنوان «را‌حل نهایی یهودیان» در آلمان بود که پس از جنگ در آرژانتین پناه گرفت اما توسط مוסاد کشف شد و به اسرائیل بازگردانده شد. دادگاهی برای وی تشکیل شد که از ۱۱ آوریل تا ۱۵ اگوست ۱۹۶۱ (یعنی به مدت تقریباً چهار ماه) به طول انجامید. دادگاه آیشمن اولین بار به مرگ محکوم کرد. به ادعای دادستان و با حمایت رژیم وقت اسرائیل آیشمن باید اعدام شود، چون مقصر اصلی و شیطان مسلم اعلام شده بود. در این دادگاه هانا آرنست از سوی مجله ادبی، فرهنگی، انتقادی و بسیار وزین نیویورک که از سال ۱۹۴۵ تاکنون نشر می‌شود، به عنوان خبرنگار شرکت داشت و در نهایت گزارش‌اش نوشت که در چنین بخش در مجله چاپ شد. عنوان اصلی گزارش «آیشمن در اورشلیم» و زیر عنوان آن «ابتدال شر» بود. این گزارش برحالی ۱۰ ساله در زندگی آرنست ایجاد کرد چون هم‌گروه‌های یهودی را عصبانی کرد. کتاب لایه‌های متعدد در اخلاق روزنامه‌نگاری، دانشوری، سیاسی و حتی حقوق را به چالش کشیده بود. برخلاف موضع رسمی دادگاه، آرنست مدعی شد که اولاً «شر مطلق» معنا ندارد و ثانیاً یک انسان را مصداق شر مطلق دانستن با استدلال علمی، انسانی و اخلاقی مغایرت دارد. البته درنهایت او نیز آیشمن را مجرم خواند و حتی با حکم نهایی دادگاه موافقت کرد اما نه با منطق و استدلال دادگاه اسرائیلی. گناه اصلی به گمان آرنست این بود که آیشمن از فکرکردن یا به بیان دیگر گفت‌وگویی صامت با خویشش خویشش خودداری کرده بود و به خود اجازه داده بود که قضاوت نهایی درمورد سرنوشت انسان بنشیند. آخرین فقره از کتاب مهم است و ارزش یادآوری دارد: «در دست همان‌گونه که شما از سیاست حمایت کرده و آن را به اجرا گذاشتید که اعلام کرده بود نمی‌خواهد زندگی روی زمین را با یهودیان و تعدادی دیگر از ملیت‌ها شریک بشود -تو گویی شما و بالادستی‌های جاب‌عالی از این حق برخوردارند که تصمیم بگیرند چه کسانی حق دارند یا حق ندارند روی زمین زندگی کنند- ما درمی‌یابیم که نباید از هیچ‌کس و از هیچ‌یک از اعضای بنی نوع بشر انتظار داشته باشیم بخواهند زندگی روی زمین را با شما شریک شوند. این است که تنها علت اینکه شما باید اعدام شوید». البته این رای نهایی برای کسانی که حقیقت‌دوستی و انسان‌ورزی را برنمی‌تابیدند، کافی نبود. هانا آرنست این تصور را القا کرده بود که در این بیت مولانا نهفته است: «موسی و فرعون در هستی توست/ باید این دو خصم را در خویش جست» (دفتر سوم: ۱۲۵۳). او از نگرش محبت‌ورزانه به خود، به دیگری و به دنیا دست نکشید و تا آخرین نفس در سال ۱۹۷۵ به‌نمایش‌گذاران آن راه‌ها شد. امر به معروف نداشت و تربیت‌شده‌اش خاتم الیزابت یانگ برولن عنوان کتاب را «محبت به دنیا» خواند، آرنست را رو برد.

گزارشی از نشست نقد و بررسی کتاب «هانا آرنست و محبت به دنیا» نوشته الیزابت یانگ برولن

زندگی یک بی‌وطن

کتاب «هانا آرنست و محبت به دنیا» نوشته الیزابت یانگ برولن با ترجمه فرهنگ رجایی منتشر شده است. یانگ برولن که در دوره دکترا شاگرد آرنست بود، با مهارت و دقت دانشوری، زندگی‌نامه‌ای از زندگی شخصی آرنست، از تولد تا مرگ و تحول بنای اندیشگی او از فلسفه و کلام به نظریه سیاسی و بالاخره به فلسفه را روایت می‌کند. فرهنگ رجایی در نشست بررسی این کتاب که در روز هشتم آذر در مرکز فرهنگی شهر کتاب برگزار شد، هانا آرنست را با وجود مشکلات و فرازوفرودهایی که داشته؛ به‌ویژه احساس بی‌وطنی، نمونه‌ای روشن از کسی می‌داند که در دوره زندگی‌اش انسان‌ورزی کرد؛ بنابراین می‌تواند هم مصداق حضور و هم مصدق بازیگری باشد. هانا آرنست شهروند آلمان بود و بعد هم در سال ۱۹۵۱ شهروند آمریکا شد. باوجوداین تا آخر عمر خود را بی‌وطن یا به بیان خودش «طردشده» (پرایا) می‌دانست. درعین حال، این احساس بی‌وطنی عمراًنه مانع از انسان‌ورزی و بازیگری او نشد. البته فقط هانا آرنست چنین نبود. مایلم از دو شخص معروف جدید دیگر که خود را بی‌وطن می‌دانستند، یاد می‌کنم: اولی ژوزف کنراد (۱۹۲۴-۱۸۵۷) نویسنده معروف انگلیسی اوکراینی‌تبار و معروف به بهترین داستان‌نویس و تئرنویس انگلیسی و دومی ادوارد سعید (۲۰۰۳-۱۹۳۵) نویسنده آمریکایی- فلسطینی‌تبار که از مشهورترین منتقدان سده بیستم و از بنیان‌گذاران اصلی مطالعات فرااستعمار است؛ اما برعکس هانا آرنست، این دو نویسنده ظرافت‌های زندگی خود را به‌صورت خودزیست‌نامه برای ما به جا گذاشته‌اند.

سه‌مرحله‌حیات آرنست

پرسش دوم فرهنگ رجایی درباره تصویرانگاره‌ای است از او که در کتاب عرضه شده است: کتاب روایت مفصلی از زندگی شخصی و حیات دانشوری هانا آرنست در اختیار می‌گذارد که برای معرفی به خواننده ایرانی، تصویری سه‌مرحله‌ای از زندگی آرنست را در آن عرضه می‌کیم. مرحله اول تصویری است از دوره رشد، طلبگی و تعلیم‌گیری هانا آرنست به‌عنوان دوشیزه‌ای از طبقه متوسط یهودی و اهل تحصیلات در آلمان که بیش از ربع اول سده بیستم را در بر می‌گیرد. آرنست تا اینکه در ثانور در ۱۹۰۶ به دنیا آمد؛ اما این مرحله از عمر خویش در شهرهای گونیگزبرگ- یک شهر بندری در بالتیک که در آن زمان جزئی از پروس بود و حالا با نام کالینگراد بخشی از روسیه است- برلن، ماربورگ (شاگرد هایدگر)، هایدلبرگ (شاگرد یاسپرس) و برلن گذراند. دوشیزه‌ای غیرسیاسی و مشتاق ابتدا به کلام و بعد به فلسفه جهان باستان یونان و به‌ویژه امر سیاسی و معنای «مدنی‌بودن» و متمایز از اجتماعی‌بودن آدمی بود. این نکته را در ارسطو کشف کرد و به وجهی به دغدغه‌عمرانه او تبدیل شد. منظور این مطلب است که انسان به دلیل «ناسندمه‌بودن» حیوانی اجتماعی است و ازاین‌رو به زندگی جمعی تمایل پیدا می‌کند؛ درعین‌حال به دلیل «انفرادی‌بودن»، حیوانی سیاسی و در‌ست‌تر بگویم حیوانی مدنی است. این تمایز را باید بزرگ کرد. با وجود ناسندگی، آدمی موجودی جمعی است که موضوع جامعه‌پذیری، تبلیغات، رفتارشناسی یا نگرش جامعه‌شناسی است. در این مقام مانند دیگر موجودات پنده عادت است، گرفتار دغدغه‌های دنیا و عقل حسابگر است؛ اما به دلیل توانشی که در انسان برای تشکیل زندگی مدنی هست، وقتی به گمان آرنست «آیش» یا به زبان فروغ فرخ‌زاد «تولدی دیگر» در او رخ داد، به انسانی تبدیل می‌شود که منفرد، یگانه و ویژه است. در این معنا، انسان موضوع مطالعه علم سیاست یا به تعبیر ارسطو، سرآمد علوم می‌شود. در این نوع نگرش، انسانیت آدمی در حضور دیگران -که به‌مثابه آینه عمل می‌کنند- اهمیت انسانی را تحقق می‌بخشد. آرنست به دنبال فهم این جنبه بود. از طرفی، با کشف استاد جوان و تازه‌نفسی که در دانشگاه‌های آلمان در حال ظهور بود -یعنی مارتین هایدگر- هرچه بیشتر به فلسفه‌وروی آورد و به تشویق او برای دوره دکترای خویش تحت نظر کارل یاسپرس از هایدلبرگ سر درآورد، در همین دوره بود که رساله‌های خویش درمورد «محبت در اندیشه اگوستین قدیس» و با پایان برد. پس از اتمام دوره دکترا به زندگی راحل وراهنگاه علاقه‌مند شد که با این زایش دست‌وپنجه نرم می‌کرد؛ خانمی فعال در عرصه روشنفکری آلمان بود؛ اما تحولات سیاسی و فکری در آلمان از ۱۹۳۳ روند زندگی عادی او را برهم زد و مرحله تازه‌ای از زندگی‌اش را آغاز کرد؛ یعنی دوره آوارگی. در این مرحله از زندگی‌اش هم‌سخن و مشوق آرنست مارتین هایدگر است. دوره آوارگی ربع دوم از زندگی آرنست و ربع دوم سده بیستم را اشغال کرد. تحولات آلمان به بروز جریانی فکری، سیاسی و اجتماعی در آن کشور منجر شد که بعداً آرنست آن را «تام‌گرایی» خواند. یکی از پیامدهای مهم این جریان غیریت یهودیان

آرنست بهترین مصداق نگرش تام‌گرایی را در «اردوگاه‌های متمرکز کار اجباری» می‌دید

که در آن افراد بی‌گناه از گروه‌های اقلیت را «زاید» اعلام کرده و به بدترین و فبیع‌ترین وجه شکنجه می‌دادند و نابود می‌کردند. سنگینی زمان ما این است که در مقابل چنین جریانی مقاومت کنیم و با آن در ستیز باشیم. به یکسان دانستن نازیسم و استالینیسم یازگردیم که آرنست به مسلط‌شدن هرچه‌بیشتر ان ابرام می‌ورزید. اگر مقاومت در مقابل تام‌اندیشی نهی از منکر باشد، امر به معروف نداشت و تربیت‌شده‌اش خاتم الیزابت یانگ برولن عنوان کتاب را ریشه‌ها جستار درباره آن را وجه همت دانشوری خویش قرار داد. وی «حیات تلاش» آدمی را

سنگینی زمان‌ما

آرنست وضع بشر و چالش زمان بعد از جنگ جهانی دوم را در کتابی مطرح کرده است که عنوانش در نشر کتاب در انگلستان به خواست آرنست «سنگینی زمان‌ما» و در بقیه جهان «ریشه‌های تام‌گرایی» مقرر شد. تفسیر رایج از کتاب که تکرار می‌کنم بسیار معروف شد و شهرت فراوانی برای آرنست به ارمغان آورد، این است که کتاب تفسیر و ردیه‌ای بر نظام نازی است.

گرسنگی - استیو مک‌کوبین - ۲۰۰۸

کشیش (رولی مولی):

زندگی نباید هیچ ارزشی در نظر تو داشته باشه.

بابی ساندز (مایکل فاسبندر): خدا داره منو تنبیه می‌کنه؟

کشیش: خب اکه به‌خاطر خودکشی مجازات‌ت نکنه، به‌خاطر حماقت می‌کنه.

نشانه‌خوانی

از تکذیب تا اجرا



چندی قبل یک نماینده مجلس گفته بود که در تغییر روش دعوت به حجاب، ابتدا در قالب تذکر و سپس اخطار و هشدار داده می‌شود و نهایتاً ممکن است حساب بانکی فرد بی حجاب مسدود شود. اما بلافاصله رئیس‌کل بانک مرکزی درباره خبر مسدودکردن حساب بانکی افراد بی‌حجاب گفت که به‌هیچ‌وجه چنین موضوعی صحت ندارد و شبکه بانکی طبق روال گذشته در حال ارائه خدمات به هم‌وطنان عزیز است. این اظهارنظر نماینده مزبور و واکنش مقامات بانکی کشور را چگونه می‌توان فهم کرد؟ به نظر می‌رسد نظریه کنش گفتاری «جان آستین» و آن‌گاه راهبرد شالوده‌شکنی «دریدا» قادر به توضیح این مسئله است. «جان آستین» معتقد است هر آنچه را گفته می‌شود، می‌توان در دو مقوله به نام‌های «ظاهراری» و «پرفورماتیو» جای داد. کنش اظهاری عمدتاً ناظر بر یک وجه «اخباری» است؛ ولی کنش پرفورماتیو وجوه اجرایی است؛ به این معنا که با گفتن یک چیز، دست به یک کار می‌زنید.

برای مثال وقتی دختری در سفره عقد به وکالت عاقد پاسخ «بله» می‌دهد، درواقع این دیگر یک بیان صوتی یا اخباری نیست؛ بلکه متضمن تغییرات و امور اجرایی و تکالیف و تعهدات گوناگونی است.

وقتی نماینده مزبور احتمال مسدودسازی حساب برخی بانوان را مطرح می‌کند، این کنش از نوع پرفورماتیو است؛ به این معنا که صرف بر زبان راندن این جمله، تبعات و آثار گوناگونی بر بانوان فوق جاری خواهد شد. به طور مشابه این تأثیرات دامان افراد دیگری را نیز می‌گیرد (همسران، فرزندان، دوستان، آشنایان سببی و نسبی، مشتریان، کارفرمایان و...). این فقط بخشی از ماجراست؛ چراکه چنین اقدامی درواقع تهدید بزرگی را متوجه نظام بانکی خواهد کرد؛ درحالی‌که در شرایط جاری باران مشکلات بر مدیریت اجرایی کشور می‌بارد، این‌گونه اظهارات ناسنجیده فقط موجبات ددرس و افزودن بار بیشتر و صرف انرژی افزون‌تر برای اداره کشور خواهد شد.

به همین خاطر است که بالاترین مقام نظام پولی کشور وارد ماجرا شد و ضمن تکذیب اظهارات آن نماینده، مردم کشور را «هم‌وطنان عزیز» دانست. از سوی دیگر متفکر بزرگ معاصر «ژاک دریدا» ضمن خوانش متون گوناگون ادبی و فلسفی و سیاسی جدید و قدیم، تلاش کرد خوانش نوینی از آنها به دست دهد. این خوانش جدید از جنس هژمان توصیف و دگرگونی است.

در اینجا توصیف و دگرگونی درواقع چیزی شبیه دو مقوله بیانی «جان آستین» هستند؛ اما به تعبیر «دریدا» نمی‌توان هرگز بین کنش اخباری و پرفورماتیو قائل به وجود یک مرز مشخص شد.

شارحان «دریدا» معتقدند که شالوده‌شکنی هم‌زمان «با زبان» و «با بیش از زبان» اتفاق می‌افتد. به عبارت دیگر وقتی بستن حساب‌های بانکی بی‌حجایان در قالب یک کنش پرفورماتیو بر زبان آن نماینده مجلس جاری شد و به سطح رسانه‌ها رسید، آن‌گاه دیگر «زبانی» نبود؛ بلکه ناظر بر «بیش از زبان» بود.

از سوی دیگر با توجه به تأثیرات آن در ساحت‌های مختلف، چه بسا دیگر فقط «در یک زبان» واجد تأثیر نبود؛ بلکه در «بیش از یک زبان» تأثیر داشت. چنین اظهارنظری که می‌توانسته در «بیش از زبان» و «بیش از یک زبان» تأثیری داشته باشد، آن‌گاه احتمالاً ویژگی خاصی هم دارد. این ویژگی به تعبیر شارحان آن است که آنچه یک متن می‌گوید یا آنچه یک مؤلف می‌خواهد بگوید با فکر می‌کند که دارد می‌گوید) در نسبت با آنچه همان متن انجام می‌دهد، تفاوت‌ها و کشمکش‌هایی خواهد داشت.

«دریدا» سپس نتیجه می‌گیرد که هیچ کنش پرفورماتیو مطلقاً نداریم. او استدلال می‌کند که مثلاً «وعده» در زمره کنش‌های پرفورماتیو است؛ اما ممکن است به دلایل مختلف امکان اجرای آن پدید نیاید. برای مثال آیا ممکن است که وعده ارشدترین مسئول بانک مرکزی برای «ارائه خدمت به هم‌وطنان عزیز» ازجمله به بانوان بی‌حجاب عملی نشود؟

اگر این سؤال را اکنون از دریدا می‌پرسیدیم، پاسخ او این بود که امکان اجرایی‌نشدن وعده مذکور، اساساً تصادفی و بی‌اهمیت نیست؛ بلکه امکان‌هایی ضروری شمرده می‌شوند.

اما از کجا متوجه می‌شویم که پاسخ «دریدا» معتبر است؟

حکایت یک عمر عاشقانه زیستن با بلوچ‌ها

جامعه دانسته و در غم و شادی و داشته و نداشته‌شان شریک شده. حتی نگاه و زبان مردم آنجا در تاروپود جملاتش طنین انداخته. جدا از آن آن ویژه کتاب جدا از محتوا، خواننده را به دنبال خودش می‌کشد و چه بسا غرق می‌کند. نثری به قول شاه‌رخ مسکوب سودایی، که در همان سال در مقاله‌ای در نشریه کلک در ستایش از آن نوشت.

دغدغه زندهمقدم به مباحث مردم‌نگارانه، به دیدن بخش‌ها

و لایه‌های مغفول‌مانده جامعه، به نقاط درد و تپیدگی هنر و

فرهنگ در زندگی انسان‌های بی‌نام و ناشناس، پیش‌ازاین هم

معلوم شده بود. او در سال ۱۳۳۶ کتابی با نام قلعه نوشته

که درباره محله شهرنو در تهران بود. جدا از مقدمه خواندنی

و از بسیاری جهات روشنگری که بر آن کتاب نوشته، کتاب به

ثبت اجرای تئاتر در آن محل پرداخته، گویا در همان سال‌ها

اوقاتی که به تهران می‌آمده مقاله‌ای خواننده درباره اجرای

تئاتر در قلعه و کنج‌کاوی‌اش او را به تماشا و ثبت این ماجرا

کشانده. ثبتي که بیشتر از هر گزارش و سند دیگری فضا و روابط

و مشکلات آنجا را نشان می‌دهد.

